

روزهای هولناک در برابر جمهوری اسلامی



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما ، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

P.O. Box 435, Old Brompton Road 2, London, SW7 3DQ

Tel: +(44)-(0)20 3633 3684
Fax: +(44)-(0)20 3633 3685

e-mail: ads@kayhan.london

www.kayhan.london

سال چهارم
کیهان شماره ۱۸۸۷ (۴۲۱)

جمعه ۳۰ تیر ماه تا ۵ مرداد ماه ۱۴۰۲
۲۱ تا ۲۷ ژوئیه ۲۰۲۳



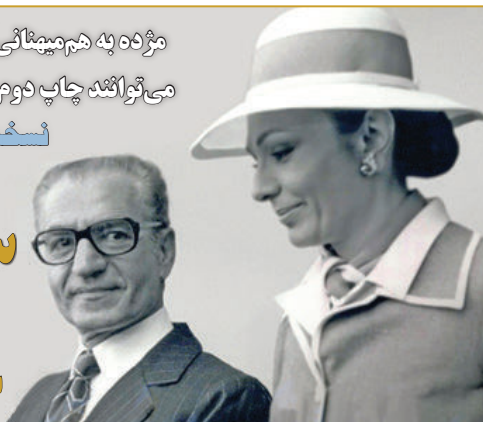
مژده به هم‌میمنائی که خواستار کتاب **سقوط بهشت** بودند می‌توانند چاپ دوم این کتاب را از کیهان خریداری نمایند

نسخه دیجیتال کتاب نیز به‌زودی در دسترس خواهد بود

سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی

اندر و اسکات کوپر ترجمه رضا تقی زاده



آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london



وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و با انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشیهای معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی های زیر به مبلغ معادل ۳۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk

Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD

Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA

Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN

UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE

Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

۴ سرمقاله - علیه فراموشی همیشه و در باره همه چیز / الاهی بقراط
 ۴-۵ روزهای هولناک در برابر جمهوری اسلامی... / روشنگ آسترکی

۵ پیام شهبانو فرح به مناسبت چهل و سومین سالگرد درگذشت محمدرضا شاه پهلوی... /
 ۶ اختصاصی کیهان لندن؛ شاهزاده رضا پهلوی: سه رویداد تأسف آور، بیانگر ضعف و... /
 ۷ درخواست جمهور یخواهان آمریکاز دولت بایدن برای افزایش تحریم‌ها علیه... /
 ۸ همکاری «سپاه قدس» و حزب الله با عوامل داعش در سوریه علیه یگان‌های... /
 ۹ آمریکای مقابله با تهدیدات جمهوری اسلامی جنگنده‌های اف-۱۶... /
 ۱۰-۱۱ گزارش تکانه‌دهنده انجمن تجارت الکترونیک ایران از وضعیت اینترنت کشور... /
 ۱۱ نپی از منکر!... / خیر اندیش (احمد احرار)... /
 ۱۲-۱۳ آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه (۲۲)... / دکتر هوشنگ نهاوندی... /
 ۱۴-۱۵ آتش سوزی‌های مشکوک در محلات تاریخی سوریه... /
 ۱۵ برگزاری اردوهای موشکی و پهپادی وزارت آموزش و پرورش و سپاه... /
 ۱۶ نامه اعتراض منوچهر بختیاری از زندان قزوین به دادستان کرج... /
 ۱۶-۱۷ طرح تحقیق و تفحص از سازمان اوقاف، یکی از فاسدترین نهادهای... /
 ۱۸-۱۹ بازنشستگی اجباری و اخراج ۱۰۰ پزشک... /
 ۱۹ تماس تلفنی جمشید شارمهد با خانواده‌اش پس از پنج ماه... /
 ۲۰-۲۲ درک نادرست از مفهوم حق تعیین سرنوشت (بخش ۲)... / محمود مسائلی... /
 ۲۲ «جویش کرونیکل»: همکاری استادی ایرانی تبار دانشگاه «کرنفیلد» بریتانیا... /
 ۲۳ دستاورد رئیسی از سفر به «سرزمین فرصت‌ها»: تهاثر نیشان آبی با گوشت!... /
 ۲۴ کمبود و قطع برق؛ در بهار امسال تنها پنج درصد از اهدا فرشد تولید برق... /
 ۲۵ سکوت سرداران سپاه پاسداران در مقابل «نامردی روس‌ها»... /
 ۲۶ کارنامه جنبش‌های مدنی در یکصدسال اخیر... / دکتر رضا سعیدی فیروزآبادی... /
 ۲۶-۲۷ درد دگر دینی؛ مقاله دهم: فرجام دگر دینی... / یوسف مصدقی... /
 ۲۸-۲۹ تداوم فلاکت ناشی از گرانی؛ دولت مدعی کاهش تورم و... /
 ۲۹-۳۰ افزایش شاخص فلاکت در ایران؛ انتقاد رسانه‌های حکومتی به دولت رئیسی... /
 ۳۰-۳۱ محکومیت یک سال زندان برای نماینده افشاگر رشوه‌تومبیل شاسی بلند... /
 ۳۲ بیانیه گروهی از فعالان سیاسی و مدنی داخل و خارج کشور در حمایت... /
 ۳۳ تعطیلی مؤسسه «گاج» به علت اشعاری همسو با اعتراضات سراسری... /
 ۳۴-۳۶ اولویت‌های مردم ایران و نقش رسانه‌های فارسی زبان... /
 ۳۷ افزایش قاچاق گونه‌های حیات وحش در سایه قوانین و نظارت ناکارآمد... /
 ۳۸ چرازور علی خامنه‌ای به گرفتن هواپیما و جنگنده از روسیه نمی‌رسد؟!... /
 ۳۹ رئیس مرکز آمار ایران برکنار شد... /
 ۴۰-۴۱ افزایش تجمعات اعتراضی در آستانه سالگرد اعتراضات جنبش ملی... /
 ۴۱ وال استریت ژورنال: شرکت «سرمدا الکترونیک سپاهان» سازنده قطعاتی از... /
 ۴۲ پشت جلد - عکس هفته / عباس دریس و فرزنداناش، محمد و علی و مهدی... /

بازنشر
 بازنشر



هنگامی که صحبت از تلاش «علیه فراموشی» می‌شود، عمدتاً اذهان به سوی جنایات یک رژیم و مرتکبان و قربانیان آن می‌رود. تلاشی مداوم که گذشته از اجرای عدالت با این هدف می‌بایست انجام شود که دیگر چنین جنایاتی توسط زمامداران قدرت صورت



نگیرد. چنین روشنگری در جوامع باز و دموکراسی‌ها در سیستم آموزشی کشور تثبیت شده و همچنین توسط رسانه‌ها و نهادهای مدنی و ابتکارات شهروندی از جمله با فعالیت‌های هنری و فرهنگی و بطور مستند نسل به نسل تکرار می‌شود.

اما عرصه‌های دیگری نیز وجود دارند که در جوامع بسته بیشتر می‌بایست «علیه فراموشی» درباره‌ی آنها تلاش کرد. مثلاً در جمهوری اسلامی که رسانه‌ها عمدتاً می‌لغ و مروّج سیاست و عقاید حکومت هستند و نظام آموزش و پرورش از کودکستان تا تحصیلات عالی بر اساس شستشوی مغزی با همین سیاست‌ها و عقاید فرقه‌ای تنظیم شده، همواره باید «علیه فراموشی» درباره ترفندهایی که جهت حفظ نظام پیش برده می‌شود، تلاش کرد.

نسل‌های جوان ایران اگرچه به برکت تکنولوژی، از ارتباطات و اطلاعات بیشتری برخوردارند اما احتمال دارد نسبت به رویدادهای چهاردهم گذشته و حجم ترفندهای رژیم آگاهی کافی نداشته باشند. یکی از مهم‌ترین راهکارهای جمهوری اسلامی پس از جنگ هشت ساله، دوگانه‌سازی «بد» و «بدتر»، «میان‌رو» و «تندرو» و «اصلاح‌طلب» و «محافظه‌کار/اصولگر» بوده است که البته مدافعان پیدا و پنهان رژیم در غرب نیز با اطلاق این عناوین و سپس با «چپ» و «راست» نامیدن افراد همین جناحین به آنها یاری رساندند. جوامع باز هنوز درک نکرده‌اند که با یک رژیم غیرعادی روبرو هستند و ایرانیان در شرایط غیرعادی بسر می‌برند و آن مفاهیمی که در نظام‌های عادی معنی پیدا کرده، در جمهوری اسلامی از اساس بی‌معنی است! از «جمهوری» اش گرفته تا دوگانه‌سازی «تندرو» و «میان‌رو» و مفاهیمی مانند «مردم‌سالاری» و «دموکراسی» و «حقوق بشر» و «حقوق شهروندی» که آشکارا مورد سوء استفاده و مضحکه فاشیسم مذهبی و رژیم فرقه‌ای حاکم بر ایران قرار گرفته است.

این سوء استفاده همواره در دوره‌هایی داغ می‌شود که نظام با اعتراضات مردم‌روروست و پس از غلبه بر آن، که فقط با سرکوب وحشیانه ممکن می‌شود، بدون اینکه چیزی از مشکلات اقتصادی و اجتماعی کم شود، به فراموشی سپرده شده تا دوباره در شرایط مشابه علم شود. موضوع «مشروطه» و «ملی‌گرای» نیز که این اواخر مطرح شده، اصلاً جدید نیست! اصلاح‌طلبان زمانی به ابتکار مغز متفکرشان (حجاریان) در دوران احمدی‌نژاد می‌خواستند ولی فقیه مطلقه را مشروطه کنند تا جمهوری اسلامی حفظ شود. کیهان لندن همان زمان از زبان حاج شیخ عبدالله مازندرانی در دوران انقلاب مشروطه نوشت: «ای گاو مجسم! مشروطه، مشروعه نمی‌شود!» هورواهر «ملی»‌نمای نیز یکبار در زمانی که کسی دیگر به جبهه‌ی جنگ هشت ساله برای «فتح قدس» نمی‌رفت، بلند شده بود و بار دیگر توسط احمدی‌نژاد برای ناکار کردن جناح رقیب که می‌خواست مشروعه را مشروطه کند! اما جناحین رژیم به قول مولوی، «شیران علم» هستند که «حمله‌شان از باد باشد دم بدم!» و هر بار وقتی بادهای توفانی اعتراضات با سرکوب فرو خوابید، این «شیران علم» شعارهای «مردم‌سالاری» و «حقوق شهروندی» و «مشروطه» و «ملی‌گرای» را از یاد برده و دوباره بر سفره انقلابشان چمباتمه می‌زنند!

روزهای هولناک در برابر جمهوری اسلامی



● به راه انداختن دوباره‌ی «گشت ارشاد» سه هدف را دنبال می‌کند: نمایش اقتدار که ریشه در هراس حکومت دارد؛ آماده ساختن نیروهای سرکوبگر با مانورهای خیابانی، و سنجش واکنش و ظرفیت مردم.

مورد نظر نظام را رعایت نمی‌کنند و پس از آغاز دوباره‌ی اعتراضات سراسری در شهریور گذشته نیز با آتش زدن روسری‌ها و برداشتن حجاب اجباری به شکل گسترده‌تری تداوم یافت. پس از آن، ماه‌ها بود که زنان و دختران بدون شال و روسری در معابر و اماکن عمومی ظاهر می‌شدند اما ناگهان بار دیگر موضوع «حجاب» از سوی حکومت و نیروهای نیابتی‌اش در داخل و خارج کشور برجسته شد. هرچند عدم استفاده از حجاب اجباری و تحمیلی و حضور در اماکن عمومی با پوشش اختیاری یکی از بزرگ‌ترین مبارزات مدنی جامعه به شمار می‌رود، اما از یکسو این مخالفت پیشینه‌ای به عمر جمهوری اسلامی دارد و از نخستین ماه‌ها پس از انقلاب ۵۷ آغاز شد، و از سوی دیگر این موضوع تنها خواست و حق مردم در اعتراضات نبوده و نیست. مردم ایران سال‌هاست در پی موج آگاهی ملی دریافته‌اند که آزادی را باید با عبور از جمهوری اسلامی و انقلاب ۵۷ که آن را روی کار آورد دنبال کنند.

در چنین شرایطی برجسته ساختن موضوع «حجاب» از سوی حکومت و هواداران اصولگرا و اصلاح‌طلب آن در داخل و خارج کشور، با هدف تقلیل حقوق سیاسی و اجتماعی ملت ایران به «یک حق» که «قابل چانه‌زنی و حل شدن در چارچوب و ساختاری جمهوری اسلامی» است، صورت می‌گیرد.

هراس مقامات فقط برای تحمیل «حجاب اجباری»؟!

این پروژه در حالی اکنون با مقاومت و هوشمندی مردم شکست خورده که به نظر می‌رسد همچنان تئوریسین‌های امنیتی نظام فکر می‌کنند پافشاری بر موضوع حجاب اجباری، آتهم در حالی که جامعه از آن عبور کرده، تنها ابزار برای مقابله با اعتراضات احتمالی است. در نتیجه حکومت با گسیل کردن ماشین‌های گشت ارشاد به خیابان، ولو به صورت موقت و با تبلیغات گسترده خبری، تلاش می‌کند تا هزینه و فایده پافشاری بر حجاب اجباری را بسنجد و ببیند تجهیز نیروهای سرکوب در سطح شهرها پیش از نخستین سالگرد جنبش ملی به چه شکل پاسخ خواهد داد چرا

در روزهای گذشته تحركات امنیتی- قضایی جمهوری اسلامی و اعلام موضع چهره‌های اصلاح‌طلب و اصولگرا نشان از تدارک و برنامه‌ریزی رژیم برای اعتراضات احتمالی شهروندان در هفته‌های پیش رو دارد؛ اعتراضاتی که همزمان با فرا رسیدن سالگرد آغاز جنبش ملی در پی قتل حکومتی مهسا امینی و همچنین نخستین سالگرد جان باخت جوانانی که در پی هم توسط نیروهای سرکوب کشته شدند همراه با افزایش ناراضی‌های عمومی در پی گرانی و مشکلات معیشتی بسیار محتمل به نظر می‌رسد.

حکومت با «پروژه حجاب» علیه اعتراضات آماده می‌شود! اتاق‌های فکر جمهوری اسلامی برای خنثی کردن اعتراضات جامعه در نخستین سالگرد جنبش ملی آماده شده و برای مهندسی آن در حال برنامه‌ریزی هستند.

از ابتدای امسال، خروجی این برنامه‌ریزی‌ها با بازداشت فعالان سیاسی مخالف از جمله تشکیل پرونده برای زندانیان سیاسی مشروطه‌خواه که پیش از نوروز با نمایش «عفو» آزاد شده بودند و بازداشت دوباره‌ی آنها، و همچنین صدور احکام قضایی علیه خانواده‌های دادخواه نمایان شد.

در یکی از جدیدترین اقدامات نهادهای امنیتی و قضایی، ماشین‌های گشت ارشاد که پس از قتل مهسا امینی در بازداشت همین گشت، جمع‌آوری شده بودند، به خیابان‌ها بازگشتند. این اقدام را می‌توان مهم‌ترین پروژه نهادهای امنیتی پیش از سالگرد اعتراضات جنبش ملی دانست که به نظر می‌رسد سه هدف را دنبال می‌کند: نمایش اقتدار که ریشه در هراس حکومت دارد؛ آماده ساختن نیروهای سرکوبگر با مانورهای خیابانی، و سنجش واکنش و ظرفیت مردم. چند ماه پیش در پی آرام شدن اعتراضات خیابانی، نهادهای امنیتی برجسته ساختن موضوع «حجاب» را در دستور کار قرار دادند تا نشان دهند نه تنها جنبش ۴۰۱ بلکه اعتراضات مردم در سال‌های پیش‌تر نیز که به کشته و زخمی شدن هزاران تن و بازداشت ده‌ها هزار شهروند انجامید، در «پوشش اختیاری» خلاصه شده است. در حالی که سال‌هاست بسیاری از زنان ایران به ویژه در کلانشهرها حجاب اجباری

➔ که «کشف حجاب» یکی از نمادهای مهم اعتراضات احتمالی خواهد بود.

چنانکه در روزهای گذشته، برای نمونه، مقاومت شهروندان در شیراز در برابر گشت ارشاد نشان داد که مردم می‌توانند آنها را از خیابان‌ها عقب برانند. آنهم در حالی که گزارش‌های زیادی از تحلیل رفتن قوای سرکوب و کاهش انگیزه نیروهای سرکوب برای ایستادن در مقابل شهروندان و اختلاف در میان آنها منتشر شده است. به بیان دیگر جمهوری اسلامی تردید دارد که در صورت بروز اعتراضات گسترده، توان و اراده کافی در نیروهای سرکوبگرش برای مدیریت و خالی کردن خیابان‌ها از معترضان داشته باشند.

برخی اظهارات مقامات حکومتی نیز بیانگر هراس نظام از شکل گرفتن دوباره اعتراضات و همزمان برای روحیه بخشیدن به نیروهای «خودی» و عوامل سرکوب است. فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از جمله حسین سلامی، علی فدوی، مهدی سیاری و اسماعیل کوثری در آستانه سالگرد انقلاب ملی در اظهاراتی جداگانه با اشاره به اعتراضات سال گذشته گفته‌اند بسیاری از مقامات تصور می‌کردند «کار نظام تمام» و «سقوط قریب الوقوع» رخ خواهد داد. مهدی سیاری جانشین فرمانده اطلاعات سپاه گفته جمهوری اسلامی این اعتراضات را با امدادهای غیبی کنترل کرده است! علی فدوی جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران هم «عنایت خدا» و حضور نیروهای بسیج، انتظامی، امنیتی را عامل عبور حکومت از اعتراضات سال گذشته خوانده است. آیا باورکردنیست که این اظهارات ناشی از نگرانی و هراس فقط برای تحمیل «حجاب جباری» است که در عمل رعایت نمی‌شود؟!

سالگردهای جانبختگان و فشار بر دادخواهان

جدا از اینکه فرا رسیدن سالگرد «انقلاب مهسا» تهدیدی علیه جمهوری اسلامی و انگیزه‌ای برای مردم به شمار می‌رود، زنجیره طولانی سالگرد جانبختگان میهن نیز از ۲۵ شهریور به بعد با سالگرد مهسا آغاز می‌شود و برگزاری هر مراسم در نقطه‌ای از ایران به معنای یک تجمع اعتراضی علیه حکومت خواهد بود. به همین دلیل است که از ماه‌ها پیش تشکیل پرونده قضایی و صدور حکم علیه خانواده‌های دادخواه ۱۴۰۱ آغاز شده؛ برخی از آنها بازداشت و زندانی هستند و برخی دیگر با احکام چند سال زندان و شلاق، زیر رگبار تهدید نهادهای امنیتی تحت فشار قرار گرفته‌اند.

هراس از دانشجویان و دانش‌آموزان

از سوی دیگر، با آغاز سال تحصیلی جدید که همزمان با سالگرد جنبش ملی است احتمال اعتراضات دانشجویی و دانش‌آموزی افزایش می‌یابد. جنبش دانشجویی که از سال ۹۷ مسیر خود را از جناح اصلاح‌طلب نظام جدا کرد و مستقل در برابر جمهوری اسلامی ایستاد، در ماه‌های گذشته با تعلیق و گشودن پرونده علیه هزاران دانشجو در سراسر کشور و اخراج ده‌ها دانشجو روبرو بوده است. استقرار بیش از پیش لباس‌شخصی‌ها و بسیجی‌ها در دانشگاه‌ها و بخشیدن ظرفیت دانشگاهی به نیروهای سرکوبگر حشد الشعبی از راهکارهای رژیم برای سرکوب اعتراضات در دانشگاه‌هاست.

فشار بر فعالان سیاسی و زندانیان سیاسی سابق

همچنین در هفته‌های گذشته بسیاری از فعالان سیاسی مخالف بازداشت شدند. برخی از آنها پیشتر زندانی بوده و اواخر سال گذشته با تمایش «عفو زندانیان» آزاد شده بودند اما یکی پس از دیگری در سال جدید بازداشت و با پرونده‌های جدید روبرو شدند. سمانه نوروز مرادی، رضا نوروزی، محبوبه رضایی، رضا محمدحسینی، حمیده زارعی و یاشار تبریزی از جمله دستگیرشدگان در هفته‌های گذشته هستند.

پیام شهبانو فرح به مناسبت چهل و سومین سالگرد درگذشت محمدرضا شاه پهلوی



فقید ایران یکبار دیگر اهداف متعالی شاهنشاه را برای رفاه و سربلندی ایران و ایرانیان به گوش جهانیان می‌رساند. «شاهنشاه روح شاد» انعکاس آگاهی و سپاس شما از برنامه‌های گسترده و سنجیده‌ایست که در آن سال‌ها در مسیر پیشرفت و تحقق عظمت دیرین ایران اجرا می‌شد و آینده‌ای درخشان را نوید می‌داد.

از همه شما که در اعتلای نام و آزادی ایران می‌کوشید صمیمانه سپاسگزارم. دانهایی که با ایمان و عشق کاشته می‌شوند، به گواهی تاریخ، درختان تناوری خواهند شد. نور بر تاریکی پیروز خواهد شد.

زن زندگی آزادی»

شهبانو فرح پهلوی در چهل و سومین سالگرد درگذشت محمدرضا شاه پهلوی طی یک پیام صوتی از ایرانیانی که در سراسر جهان به مناسبت درگذشت شاه فقید در پنجم مرداد «اهداف متعالی» وی را برای «رفاه و سربلندی ایران و ایرانیان» به گوش جهانیان می‌رسانند سپاسگزار می‌کند. شهبانو شعار «شاهنشاه روح شاد» را «انعکاس آگاهی و سپاس» ایرانیان از برنامه‌های دوران پهلوی دانست و با شعار «زن زندگی آزادی» بار دیگر تأکید نمود که نور بر تاریکی پیروز خواهد شد.

متن کامل پیام شهبانو را در زیر می‌خوانید:
«هم‌میهنان عزیزم

گردهمایی شما در سراسر جهان در روز درگذشت شاهنشاه

جامعه را که به حد انفجار رسیده، می‌توانند کنترل کنند. روزهای هولناک در انتظار رژیم کمر افشار مختلف زیر بار تورم فزاینده و گرانی گسترده شکسته است؛ سناریوهایی چون «خبردرمانی» و ایجاد «امید کاذب» برای آزاد شدن پول‌های بلوکه شده و گشایش در مذاکرات و بهبود روابط بین‌الملل و برداشته شدن تحریم‌ها دیگر پاسخگو نیست.

تیم اقتصادی دولت سیزدهم توان و اراده مدیریت اقتصادی کشور در شرایطی به این حد بحرانی را ندارد. خزانه خالی و پشتوانه غذایی کشور با تهدید روبروست. کسری بودجه برخلاف ادعای مقامات، افزایش یافته و تأمین هزینه‌های جاری کشور به سختی انجام می‌شود. دامنه اعتراضات به شرایط فلاکت‌آمیز معیشتی و درخواست و انگیزه برای اعتصابات به کارمندان دولت و پرسنل نیروی انتظامی رسیده است. در آنسو نیز یکی پس از دیگری پرونده‌های فساد جریان‌های مختلف رژیم توسط رقبای حکومتی افشا شده و بر خشم عمومی می‌افزاید.

هرچند جمهوری اسلامی در کنار نمایش اقتدار و سرکوب، به نمایش‌هایی چون تصویب طرح تحقیق و تفحص از اداره اوقاف نیز متوسل شده اما به نظر نمی‌رسد ساختار پوسیده و رو به زوال و فروپاشی نظام که هر لحظه ممکن است زیر تیر خشم مردم و موج تازه‌ای از اعتراضات سراسری قرار بگیرد، با چنین اقدامات بی‌اثری حفظ شود.

روشنگ آسترکی

برخی دیگر از زندانیان نیز در زندان با پرونده‌های جدید روبرو شده و به چند سال زندان اضافی محکوم شده‌اند. از جمله مهدی مسکین‌نواز زندانی سیاسی مشروطه‌خواه در زندان اوین بابت پرونده‌ای که در مدت زندان علیه وی باز شده به ۱۱ سال حبس تعزیری محکوم شده است. فعالان سیاسی مخالف نظام می‌توانند در صورت بروز اعتراضات به عنوان نیروهای میدانی مؤثر جهت ارتباطات و سازماندهی معترضان در شهرهای مختلف وارد عمل شوند، به همین دلیل دستگاه‌های امنیتی و قضائی آنها را محدود کرده و زیر فشار بازداشت و حکم زندان قرار می‌دهند.

فشار بر فعالان صنفی

فعالان صنفی به ویژه با توجه به تشدید نارضایتی‌های معیشتی از جمله گروه‌هایی هستند که برای جمهوری اسلامی تهدید به شمار می‌روند. این فعالان می‌توانند پیونددهنده اعتراضات صنفی به اعتراضات خیابانی باشند و در چنین صورتی موج جدیدی از نیروهای اعتراضی به دیگر شهروندان خواهد پیوست که مدیریت فضا را برای حکومت به مراتب دشوارتر خواهد ساخت. از همین رو همزمان با افزایش فشار بر خانواده‌های دادخواه و فعالان سیاسی، فشارها بر فعالان صنفی نیز با تهدید، احضار، صدور حکم زندان و اجرای احکام علیه آنها شدت پیدا کرده است. مشکلات اما عمیق‌تر از آنست که با بازداشت و احضار و صدور حکم علیه فعالان سیاسی و صنفی و خانواده‌های دادخواه، مقامات حکومت امیدوار باشند که فضای اعتراضی

اختصاصی کیهان لندن؛ شاهزاده رضا پهلوی: سه رویداد تأسف آور، بیانگر ضعف و ناتوانی رژیم فاسد و سرکوبگر جمهوری اسلامی



و نیروهای ایرانی کمتری حاضرند علیه هم‌میهنان خود در خیابان‌ها اسلحه و باتون به دست بگیرند. اینجاست که به آندسته از نیروهای نظامی و انتظامی کشور که درد میهن و مردم دارند بار دیگر می‌گویم که حساب خود را از این رژیم که مایه ننگ تاریخ ایران است جدا سازید. همراهی با این شرارت محض، به معنای همکاری شما با رویکردهای خائنانه و ضدایرانی آن است که تنها دو مورد آن را در بالا یادآور شدم.

اما رویداد تأسف آور سوم، ضعف و ناتوانی رژیم در دفاع از خاک و تمامیت ارضی کشور است که تازه‌ترین نمونه آن را می‌توان در واکنش ضعیف و خفت‌بار به ادعای اخیر روسیه در خصوص جزایر سه‌گانه ایرانی و استفاده از نام جعلی برای «خلیج فارس» مشاهده کرد. همراهی روسیه با ادعاهای واهی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس درباره سه جزیره همیشه ایرانی تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی، تأییدیست بر اینکه چگونه جمهوری اسلامی با سیاست‌های نابخردانه و خیانتکارانه خود، ثروت و خاک و تمامیت ارضی ایران را به حراج گذاشته است. همانطور که پیش از این نیز در خصوص قراردادهای ننگ‌آور و ضدملی جمهوری اسلامی با چین و روسیه گفتم، این رژیم مفهوم استقلال را نیز چون بسیاری مفاهیم دیگر از معنا تهی و امنیت و منافع ملی ایران را وابسته‌ی چین و روسیه کرده است. این در حالی است که ایران پیش از فاجعه ۵۷، هم با غرب، هم با شرق، هم با همسایه شمالی (شوروی آن زمان) و هم با کشورهای عرب در همسایگی جنوبی، از موضع اعتبار و قدرت، روابطی دوستانه مبتنی بر منافع ملی داشت. به‌ویژه این رابطه با کشورهای عرب جنوب خلیج فارس بر اساس روابط برادری و با هدف ثبات و امنیت منطقه بود.

آن اعتبار و قدرت و احترام ازدست‌رفته ملت ایران، با بازپس‌گیری ایران از این رژیم، دوباره دست‌یافتنی است. این وعده‌ای ملی است، و ملت ایران نشان داده است که نام یاری‌گران و خدمتگزاران خود را همیشه بلند و محترم نگاه خواهد داشت.

چنگ بعثی‌ها آزاد کردند و به آغوش میهن باز گردانند. اینجاست که شعار ملی- میهنی «ایران را پس می‌گیریم» که از دی‌ماه ۱۳۹۶ به اینسو بطور مداوم در خیابان‌های ایران شنیده شده، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. ایران تمام آن چیزی است که ما داریم، و مبارزه برای آزادی آن، محل همبستگی آحاد ملت ایران است. اگر امروز، محسن‌ها و نیکاه‌ها، و هزاران هزار جوان و نوجوان برای بازپس‌گیری ایران از رژیم اسلامی مبارزه و جان‌شان را فدا می‌کنند، دیروز، سربازان و دلاوران جنگ بودند که با دلیری، ایران را در مقابل دشمن متجاوز حفظ کردند. رشادت میهن‌پرستانه‌ی مردم ایران در خیابان‌ها مقابل پاسداران علی‌خامنه‌ای، به معنای واقعی کلمه، تداوم جان‌فدایی و جانبازی سربازان جنگ در جبهه‌ها مقابل نیروهای صدام است.

اما خبر تأسف آور و مرتبط دوم، اعلام ورود شبه‌نظامیان حشدالشعبی به دانشگاه‌های ایران به بهانه تحصیل است. جمهوری اسلامی به واسطه رویکردهای ضدملی و استبدادی، نه تنها پاسخ تجمع مسالمت‌آمیز سربازان جنگ در خیابان‌های تهران را با گاز اشک‌آور می‌دهد، بلکه بر اساس باورهای امت‌گرایانه خود که در تقابل تام و تمام با رویکردهای ایران‌گرایانه قرار دارد، امکانات داخلی کشور را نیز در اختیار مزدوران خارجی خود می‌گذارد. مزدورانی که با پول ملت ایران، عامل آتش‌افروزی و تروریسم و بی‌ثباتی در منطقه بوده‌اند، حالا قرار است جای دانشجویان اخراج‌شده ایرانی را نیز در دانشگاه‌های ایران بگیرند.

به عبارت دیگر، رژیم خامنه‌ای نه تنها به وظیفه بدیهی خود در تأمین نیازهای حداقلی کهنه‌سربازان و جانبازان جنگ هشت‌ساله با عراق تن نمی‌دهد، بلکه در یک دهن‌کجی آشکار، پای نیروهای شبه‌نظامی عراقی را به دانشگاه مادر کشور باز می‌کند تا در وقت لزوم بتواند در محیط دانشگاه و خیابان از این مزدوران غیرایرانی برای سرکوب ایرانیان بهره بگیرد؛ که پیش از این نیز، اخباری در خصوص مشارکت آنها در سرکوب و کشتار مردم ایران منتشر شده بود. این خبر در عین حال نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی برای مقابله با خیزش‌های مردمی با کاهش نیروی داخلی مواجه است

● در هفته‌ای که گذشت، سه خبر و رویداد تأسف آور موجب خشم و تأثر همه ایرانیان میهن‌دوست شد. نخست، خشونت رژیم علیه دلاوران آزاده‌ای که در جنگ هشت‌ساله با دشمن متجاوز بعثی، جان‌شان را برای دفاع از خاک ایران در کف دست‌شان گرفتند.

● خبر تأسف آور و مرتبط دوم، اعلام ورود شبه‌نظامیان حشدالشعبی به دانشگاه‌های ایران به بهانه تحصیل است. به عبارت دیگر، رژیم خامنه‌ای نه تنها به وظیفه بدیهی خود در تأمین نیازهای حداقلی کهنه‌سربازان و جانبازان جنگ هشت‌ساله با عراق تن نمی‌دهد، بلکه در یک دهن‌کجی آشکار، پای نیروهای شبه‌نظامی عراقی را به دانشگاه مادر کشور باز می‌کند تا در وقت لزوم بتواند در محیط دانشگاه و خیابان از این مزدوران غیرایرانی برای سرکوب ایرانیان بهره بگیرد.

● اینجاست که به آندسته از نیروهای نظامی و انتظامی کشور که درد میهن و مردم دارند بار دیگر می‌گویم که حساب خود را از این رژیم که مایه ننگ تاریخ ایران است جدا سازید.

● رویداد تأسف آور سوم، ضعف و ناتوانی رژیم در دفاع از خاک و تمامیت ارضی کشور است که تازه‌ترین نمونه آن را می‌توان در واکنش ضعیف و خفت‌بار به ادعای اخیر روسیه در خصوص جزایر سه‌گانه ایرانی و استفاده از نام جعلی برای «خلیج فارس» مشاهده کرد.

● آن اعتبار و قدرت و احترام ازدست‌رفته ملت ایران، با بازپس‌گیری ایران از این رژیم، دوباره دست‌یافتنی است. این وعده‌ای ملی است، و ملت ایران نشان داده است که نام یاری‌گران و خدمتگزاران خود را همیشه بلند و محترم نگاه خواهد داشت.

در هفته‌ای که گذشت، سه خبر و رویداد تأسف آور موجب خشم و تأثر همه ایرانیان میهن‌دوست شد. نخست، خشونت رژیم علیه دلاوران آزاده‌ای که در جنگ هشت‌ساله با دشمن متجاوز بعثی، جان‌شان را برای دفاع از خاک ایران در کف دست‌شان گرفتند. ضرب و شتم این جانبازان وطن به دست عوامل رژیم در مقابل نهادهای رخ داد که نامش را «بنیاد شهید و امور ایثارگران» گذاشته‌اند؛ اما همچون دیگر «بنیاد»ها و «ستاد»ها و «آستان»های تحت کنترل رهبر جمهوری اسلامی، نهادیست به شدت فاسد و غیرشفاف که رژیم از آن برای چپاول اموال ملت ایران و سرکوب آنها، و نیز پولشویی و صدور تروریسم استفاده می‌کند.

این رخداد شرم‌آور، سند دیگری از ماهیت عمیقا ضدایرانی جمهوری اسلامی است که از کودک ۹ ساله تا کارگر نوجوان ۱۷ ساله تا کهنه‌سرباز ازجان‌گذشته‌ی مدافع وطن را با گلوله و گاز اشک‌آور و باتون می‌کشد و سرکوب می‌کند. این رژیم نه ملت ایران را به رسمیت می‌شناسد که کاهش رنج کودکان محروم ایران را مسئولیت خود بداند و نه به میهن‌مان، عرق و تعصبی دارد که سربازی و جانبازی برای حفاظت از مرزهای آن را شایسته ارج و سپاس فراوان ببیند. بر اساس چنین بی‌مهری به ملت و میهن است که جمهوری اسلامی نه از قتل محسن محمدپور ۱۷ ساله در خرمشهر ابایی دارد و نه از ضرب و شتم دلاورانی که خرمشهر را از

درخواست جمهوریخواهان آمریکا از دولت بایدن برای افزایش تحریم‌ها علیه چین به دلیل خرید نفت از ایران



نفتکش «آرمان ۱۱۴» در حال انتقال محموله نفت خود را نفتکش «تینوس» / عکس: رویترز

سختگیرانه» تحریم‌ها علیه ایران از جمله تحریم‌های مربوط به تجارت نفت و پتروشیمی این کشور ادامه می‌دهد. سخنگوی وزارت خارجه گفت: «ما همچنان [جمهوری خلق چین] و سایر کشورها را از برداشت گام‌هایی در قبال ایران که بر خلاف تحریم‌های آمریکا هستند، دلسرد کرده‌ایم... چارچوب تحریم‌های آمریکا علیه ایران همچنان قوی است و همچنان به یک تأثیر واضح.»

هتری روم کارشناس ارشد مؤسسه «واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک»، می‌گوید که دولت تحریم‌های گازی ایران را نادیده گرفته است.

این کارشناس توضیح داد: «هنوز کارهای زیادی وجود دارد که واشنگتن می‌تواند انجام دهد تا فروش و حرکت پول را پیچیده کند. من فکر می‌کنم این یک ویژگی، نه یک اشکال، یک استراتژی پلان C برای پایین نگه داشتن تنش در غیاب توافق است.»

بیش از دو سال پس از روی کار آمدن جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا با وعده «احیای برجام» گفته می‌شود که این کشورها اکنون در حال بررسی یک «تفاهم» برای کاهش تنش‌ها هستند.

رابرت مالی که نماینده آمریکا در مذاکرات اتمی و همچنین نماینده آمریکا برای تبادل زندانیان بود ماه گذشته توسط وزارت خارجه به مرخصی بدون حقوق فرستاده شد و مجوز امنیت وی به حالت تعلیق درآمده است.

گارد ساحلی اندونزی ۱۱ ژوئیه (۲۰ تیرماه) اعلام کرد که یک نفتکش غول‌پیکر با پرچم جمهوری اسلامی مظنون به دست داشتن در حمل و نقل غیرقانونی نفت خام را توقیف کرد. آبرفتکش «آرمان ۱۴۱» حامل ۲۷۲ هزار و ۵۶۹ تن نفت خام ایران به ارزش ۳۰۴ میلیون دلار مظنون به انتقال نفت به کشتی دیگری به نام «اس تینوس» با پرچم کامرون بدون مجوز آژانس امنیت دریایی اندونزی بود که توقیف شد.

جواد اوجی وزیر نفت جمهوری اسلامی هفته گذشته در نشست اوپک در وین با ابراز افتخار از میزان فروش نفت خام ایران با وجود تحریم‌ها گفت ظرفیت فعلی روزانه ایران حدود ۸/۳ میلیون بشکه نفت خام و میعانات گازی است.

بعد از قطع صادرات نفت ایران به اروپا، کره جنوبی، ژاپن و سایر مشتریان بین‌المللی در دوران دولت ترامپ، صادرات به جمهوری خلق چین به عنوان بزرگترین خریدار نفت خام ایران و ارزان‌تر از قیمت بازار جهانی، به حفظ اقتصاد جمهوری اسلامی کمک کرده است.

مقامات آمریکایی می‌گویند که رژیم ایران از طیف وسیعی از تاکتیک‌های فرار برای دور زدن تحریم‌ها و پنهان کردن محموله‌هایی که مقصد آنها چین است استفاده می‌کند، از جمله شبکه‌ای از دلال‌ها و انتقال مخاطره‌آمیز کشتی به کشتی در آب‌های آزاد.

مقامات اندونزی روز چهارشنبه یک ابرنفتکش با پرچم ایران را که بطور غیرقانونی نفت را در منطقه انحصاری اقتصادی آن کشور انتقال می‌داد، توقیف کردند.

جمهوریخواهان سنا در نامه خود نوشته‌اند که دولت بایدن در اجرای تحریم‌ها اهمال کرده و در نتیجه باعث ایجاد «سرمایه نقدی بادآورده» برای جمهوری اسلامی شده است تا رژیم از آن برای سرکوب اعتراضات ضد حکومتی، تأمین مالی حملات نیابتی و ارسال پهنادهای انتحاری به روسیه در جنگ علیه اوکراین استفاده کند.

مقامات دولت بایدن اصرار دارند که فشارها به جمهوری اسلامی ادامه دارد و به چند مرحله تحریم‌های مالی شرکت‌ها و نهادهای خارجی و ایرانی به دلیل قاچاق نفت اشاره می‌کنند که آخرین آن در مارس ۲۰۲۳ با تحریم شبکه‌ای از شرکت‌های فعال در هنگ کنگ، سنگاپور و امارات متحده عربی بود.

سخنگوی وزارت خارجه گفت که ایالات متحده به «اجرای

● گروهی از جمهوریخواهان سنا، با ابراز نگرانی از اینکه فروش نفت ایران با وجود تحریم‌های آمریکا همچنان رو به افزایش است، می‌گویند دولت بایدن می‌تواند اقدامات بیشتری برای مهار صادرات غیرقانونی انرژی ایران، به ویژه به چین انجام دهد.

● هشت سناتور آمریکایی در نامه‌ای که روز جمعه به آنتونی بلینکن وزیر خارجه و جانت یلن وزیر خزانه‌داری ارسال شد، از دولت ایالات متحده خواستند تا راهبردی ایجاد کند که بر اساس آن بتوان مانع فعالیت صنعت پتروشیمی ایران در «حمایت از اقدامات خرابکارانه‌ی رژیم» شد.

● جواد اوجی وزیر نفت جمهوری اسلامی هفته گذشته در نشست اوپک در وین با ابراز افتخار از میزان فروش نفت خام ایران با وجود تحریم‌ها گفت ظرفیت فعلی روزانه ایران حدود ۸/۳ میلیون بشکه نفت خام و میعانات گازی است.

● بعد از قطع صادرات نفت ایران به اروپا، کره جنوبی، ژاپن و سایر مشتریان بین‌المللی در دوران دولت ترامپ، صادرات به جمهوری خلق چین به عنوان بزرگترین خریدار نفت خام ایران و ارزان‌تر از قیمت بازار جهانی، به حفظ اقتصاد جمهوری اسلامی کمک کرده است.

● جمهوریخواهان سنا در نامه خود نوشته‌اند که دولت بایدن در اجرای تحریم‌ها اهمال کرده و در نتیجه باعث ایجاد «سرمایه نقدی بادآورده» برای جمهوری اسلامی شده است تا رژیم از آن برای سرکوب اعتراضات ضد حکومتی، تأمین مالی حملات نیابتی و ارسال پهنادهای انتحاری به روسیه در جنگ علیه اوکراین استفاده کند.

گروهی از جمهوریخواهان سنا، با نگرانی از اینکه فروش نفت ایران با وجود تحریم‌های آمریکا همچنان رو به افزایش است، می‌گویند دولت بایدن می‌تواند اقدامات بیشتری برای مهار صادرات غیرقانونی انرژی ایران، به ویژه به چین انجام دهد.

پایگاه خبری المانی‌تور ۱۴ ژوئیه (۲۳ تیرماه) گزارش داد گروهی متشکل از هشت سناتور آمریکایی در نامه‌ای که روز جمعه به آنتونی بلینکن وزیر خارجه و جانت یلن وزیر خزانه‌داری ارسال شد، از دولت ایالات متحده خواستند تا راهبردی ایجاد کند که بر اساس آن بتوان مانع فعالیت صنعت پتروشیمی ایران در «حمایت از اقدامات خرابکارانه‌ی رژیم» شد.

این نامه با هدایت سناتور مارکو ریبوی و جیم ریش از وزرای خارجه و خزانه‌داری آمریکا می‌خواهد تا تحریم‌های بیشتری را علیه افراد و نهادهای چینی که در تجارت نفت و پتروشیمی ایران درگیر هستند، اعمال کنند.

در این نامه تأکید شده تحریم‌ها رژیم ایران را از درآمدهای حیاتی که برای آسیب رساندن به منافع ایالات متحده و سرکوب مردم ایران استفاده خواهد کرد، محروم می‌کند.

صادرات نفت خام ایران در سال ۲۰۲۳ از زمانی که دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۸ از برجام خارج شد اکنون به بالاترین سطح خود رسیده است. ماه گذشته، ایران حدود سه میلیون بشکه در روز نفت خام تولید کرد که آژانس بین‌المللی انرژی مستقر در پاریس اعلام کرد که بالاترین میزان در پنج سال گذشته بوده است.

همکاری «سپاه قدس» و حزب الله با عوامل داعش در سوریه علیه یگان‌های ائتلاف و نیروهای مخالف رژیم اسد



دستگیری «مُادین» یک داعشی در راهپیمایی حکومتی «۲۲ بهمن» ۱۳۹۵ در قم

صحرای سوریه جایی بین مناطق کباجیب و السخنه انجام می‌شود.

نماینده سپاه فردی به اسم «حاج دهقان» و نماینده داعش فردی ملقب به «ابو البرا» بود. در این دیدار، پرونده همکاری دو طرف مورد بررسی قرار گرفت و «حاج دهقان» به «ابوالبرا» پیشنهاد کرد در ازای محدود کردن حملات به کاروان‌های شبه‌نظامیان جمهوری اسلامی، اسلحه و مهمات آنها را تأمین کند و عبور حفاظت شده آنها را به مناطق تحت نفوذ نیروهای دموکراتیک سوریه تضمین کند.

پس از نزدیک به سه هفته، هیأتی از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و داعش بار دیگر در نهم ژوئیه ۲۰۲۱ (۱۹ خرداد ۱۴۰۰) در همان مکان قبلی با یکدیگر دیدار کردند که «ابو البرا» برای دستیابی به توافق بین دو طرف شرط گذاشت. آنها از سپاه خواستند اطلاعات دقیقی از اطراف «زندادان غوران» (حسکه) که در اختیار نیروهای دموکراتیک سوریه است و شماری از فرماندهان داعش در آنجا زندانی هستند ارائه دهند. درواقع داعشی‌ها از سپاه خواستند تا برای عملیات آزادسازی فرماندهان داعش از زندان غوران با این گروه همکاری کنند.

طی چند روز، عوامل سپاه پرونده‌های دقیقی از اطلاعات مربوط به زندان غوران و مناطق اطراف آن، از جمله پست‌های بازرسی نیروهای مخالف بشار اسد، گشت‌ها و جاده‌هایی که با توجه به تدابیر شدید امنیتی در منطقه، شناسایی آن برای داعش غیرممکن بود، تحویل دادند.

از آن زمان به بعد، حملات داعش به شبه‌نظامیان وابسته به پایگاه‌های سپاه کاهش چشمگیری یافت، در حالی که حملات آن علیه نیروهای ائتلاف بین‌المللی و نیروهای دموکراتیک سوریه در شرق فرات افزایش یافته و به گفته منابع دیده‌بان حقوق بشر سوریه، از آن زمان تا ژوئیه ۲۰۲۱، ۵۰۰ جنگجوی نیروهای جمهوری اسلامی عبور بیش از ۵۰۰ جنگجوی آموزش‌دیده داعش را به مناطق تحت کنترل نیروهای دموکراتیک سوریه تسهیل کردند.

دیده‌بان حقوق بشر سوریه توانست فاش کند

(۱۴۰۰) تلگرافی به زبان فارسی برای یک واحد امنیتی نظامی مورد حمایت جمهوری اسلامی ارسال می‌کند و از آن می‌خواهد راهی برای برقراری ارتباط با عوامل داعش از طریق افراد برجسته قبایل یا بادیه‌نشین‌ها در سوریه پیدا کند.



تصویری که گفته می‌شود متعلق به «حاج دهقان» از عوامل سپاه در سوریه است

در آن نامه گفته شده که هدف منافع مشترک برای جنگ علیه «غربی‌های اشغالگر» است.

شخصی به نام شیخ علی احمد العموری از بادیه‌نشینان حماه که پدر معنوی یکی از این قبایل است و سابقه طولانی در میانجیگری معاملات بین شبه‌نظامیان وابسته به جمهوری اسلامی و داعش دارد، ۲۲ آوریل ۲۰۲۱ (دوم اردیبهشت ۱۴۰۱) توسط دوست قدیمی خود، سرتیپ احمد ابراهیم الخلیل از فرماندهان ارتش سوریه در دیرالزور کمک خواست. در نهایت برای برگزاری یک دیدار بین نماینده سپاه و داعش توافق می‌شود.

این دیدار ۲۰ ماه مه ۲۰۲۱ (۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۱) وسط

سازمان دیده‌بان حقوق بشر سوریه (مستقر در لندن) از طریق منابع خود به اطلاعات و اسنادی دست پیدا کرده است که نشان می‌دهد حزب‌الله لبنان و نیروهای قدس سپاه پاسداران در سوریه با داعش همکاری می‌کنند.

شخصی به نام شیخ علی احمد العموری از بادیه نشینان حماه که پدر معنوی یکی از این قبایل است و سابقه طولانی در میانجیگری معاملات بین شبه‌نظامیان وابسته به رژیم ایران و داعش دارد، دوم اردیبهشت ۱۴۰۱ توسط دوست قدیمی خود، سرتیپ احمد ابراهیم الخلیل از فرماندهان ارتش سوریه در دیرالزور کمک خواست. در نهایت برای برگزاری یک دیدار بین نماینده سپاه و داعش توافق می‌شود.

این دیدار ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۱ وسط صحرای سوریه جایی بین مناطق کباجیب و السخنه انجام می‌شود.

نماینده سپاه فردی به اسم «حاج دهقان» و نماینده داعش فردی ملقب به «ابو البرا» بود. در این دیدار، پرونده همکاری دو طرف مورد بررسی قرار گرفت و «حاج دهقان» به «ابوالبرا» پیشنهاد کرد در ازای محدود کردن حملات به کاروان‌های شبه‌نظامیان وابسته به رژیم ایران، اسلحه و مهمات آنها را تأمین کند و عبور حفاظت شده آنها را به مناطق تحت نفوذ نیروهای دموکراتیک سوریه تضمین کند.

بر اساس گزارش دیده‌بان حقوق بشر سوریه، در اواسط سال ۲۰۲۲ شبه‌نظامیان وابسته به جمهوری اسلامی به رهبران داعش خبر دادند اطلاعات محرمانه‌ای به دست آنها رسیده که بر اساس آن قرار است ائتلاف بین‌المللی و نیروهای دموکراتیک سوریه در روزهای آینده کارزار جدیدی علیه داعش در شرق فرات شروع کنند. بر اساس این اطلاعات بود که داعش طی یک تلگراف داخلی که که دیده‌بان حقوق بشر سوریه در همین گزارش آن را منتشر کرده، به تاریخ ۲۳ ژانویه ۲۰۲۳ (۳ بهمن ۱۴۰۱) به اعضای خود دستور داد که از آن مناطق دور شوند و به این ترتیب بخش زیادی از هسته‌های داعش با کمک شبه‌نظامیان وابسته به جمهوری اسلامی از شرق فرات به سمت صحرا عقب‌نشینی کردند.

این گزارش می‌افزاید در طول دو سال گذشته، داعش با حمایت شبه‌نظامیان وابسته به جمهوری اسلامی ایران توانست شبکه گسترده‌ای از جاده‌های تحت کنترل در مناطق مختلف سوریه ایجاد کند که به آن امکان می‌دهد تا عملیات خود را به راحتی انجام دهد.

بیش از ۱۲ سال از حضور نظامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سوریه می‌گذرد. مقامات جمهوری اسلامی نخست ادعا می‌کردند که «حضور مستشاری» در سوریه دارند؛ بعد ادعا کردند برای «دفاع از حرم اهل بیت» در مقابل داعش در این جنگ دخالت کردند. اما مدت‌هاست که شواهد و اسناد واقعیت دیگری را می‌گویند.

سازمان دیده‌بان حقوق بشر سوریه (مستقر در لندن) از طریق منابع خود به اطلاعات و اسنادی دست پیدا کرده که نشان می‌دهد حزب‌الله لبنان و نیروهای قدس سپاه پاسداران در سوریه با داعش همکاری می‌کنند.

وبسایت دیده‌بان حقوق بشر سوریه ۱۴ ژوئیه (۲۳ تیرماه) در گزارشی می‌نویسد سپاه پاسداران آوریل ۲۰۲۱ (فروردین

آمریکا برای مقابله با تهدیدات جمهوری اسلامی جنگنده‌های اف ۱۶ - بیشتری به منطقه اعزام می‌کند



جنگنده‌های F-16 آمریکا

می‌دهد تا یک عامل بازدارنده برای ایران باشد.»
مقام نیروی دریایی آمریکا گفت که در هر دو مورد، شناورهای نیروی دریایی جمهوری اسلامی با ورود ناوشکن «یواس اس مک فول» به صحنه، عقب‌نشینی کردند.

این مقام دفاعی همچنین به خبرنگاران گفت که ایالات متحده در حال بررسی گزینه نظامی دیگری برای مقابله با تجاوزات فزاینده روسیه در آسمان سوریه است که تلاش‌ها برای حمله به یکی از رهبران گروه داعش در آخر هفته گذشته را پیچیده کرد. این مقام از بیان جزئیات گزینه‌ها خودداری کرد، اما گفت که ایالات متحده هیچ سرزمینی را واگذار نخواهد کرد و به پرواز در غرب سوریه برای عملیات علیه داعش ادامه خواهد داد.

به گفته این مقام، فعالیت نظامی روسیه که از ماه مارس بر تعداد و تهاجمات آن افزوده شده است، ناشی از افزایش همکاری و هماهنگی بین مسکو، تهران و دولت سوریه برای فشار بر آمریکا جهت خروج از سوریه است.

وی همچنین توضیح داد روسیه به حمایت ایران در جنگ علیه اوکراین وابسته شده است و تهران خواهان خروج آمریکا از سوریه است تا بتواند راحت‌تر کمک‌های مرگبار خود را به حزب‌الله لبنان منتقل و از این راه اسرائیل را تهدید کند. این مقام دفاعی افزود که ایالات متحده شاهد همکاری، هماهنگی، برنامه‌ریزی و اشتراک اطلاعات بیشتر آنها بوده که عمدتاً بین فرماندهان رده میانی روسیه و «سپاه قدس» در سوریه برای تحت فشار قرار دادن ایالات متحده جهت خروج نیروهایش از سوریه انجام شده است. حدود ۹۰۰ نیروی آمریکایی در سوریه حضور دارند و سایرین برای انجام مأموریت‌هایی که شبه‌نظامیان داعش را هدف قرار می‌دهند، رفت و آمد می‌کنند.

بر اساس این گزارش، ایالات متحده معتقد نیست که هواپیماهای روسیه قصد دارند بر روی سربازان آمریکایی مبنی‌بیان‌ازند یا هواپیماهای با سرنشین را سرنگون کنند. اما به گفته‌ی این مقام دفاعی آمریکا، این نگرانی وجود دارد که خلبانان روسی یک پهپاد Reaper از آسمان پرتاب کنند و مسکو بر این باور است که این نوع اقدام با پاسخ نظامی قوی ایالات متحده مواجه نخواهد شد.

● یک مقام دفاعی آمریکا می‌گوید ایالات متحده جت‌های جنگنده اف ۱۶-F بیشتری را به منطقه خلیج فارس اعزام می‌کند تا ناوگان هواپیماهای تهاجمی A-۱۰ را که بیش از یک هفته در آنجا گشت‌زنی می‌کنند، تقویت کند.

● «هواپیماهای اف ۱۶-F به کشتی‌هایی که از طریق تنگه هرمز حرکت می‌کنند پوشش هوایی داده و دید ارتش را در منطقه افزایش می‌دهد تا یک عامل بازدارنده برای ایران باشد.»

● به گفته این مقام آمریکایی، تعداد حملات روسیه در سوریه در ماه‌های اخیر افزایش پیدا کرده که ناشی از افزایش همکاری و هماهنگی بین مسکو، تهران و دولت سوریه برای فشار بر آمریکا جهت خروج از سوریه است.

● «ایالات متحده شاهد همکاری، هماهنگی، برنامه‌ریزی و اشتراک اطلاعات بیشتر آنها بوده که عمدتاً بین فرماندهان رده میانی روسیه و سپاه قدس در سوریه برای تحت فشار قرار دادن ایالات متحده جهت خروج نیروهایش از سوریه انجام شده است.»

خبرگزاری آسوشیتدپرس ۱۵ ژوئیه (۲۴ تیرماه) به نقل از یک مقام ارشد دفاعی گزارش داد آمریکا در حال افزایش استفاده از جنگنده‌های خود در اطراف تنگه هرمز برای محافظت از کشتی‌های تجاری در برابر اقدامات جمهوری اسلامی است. وی تأکید کرده «ایالات متحده به شدت از افزایش روابط بین ایران، روسیه و سوریه در منطقه نگران است.»

این مقام آمریکایی در گفتگو با خبرنگاران پنتاگون گفت که ایالات متحده آخر این هفته جت‌های جنگنده اف ۱۶-F را به منطقه خلیج فارس اعزام می‌کند تا هواپیماهای تهاجمی A-۱۰ را که بیش از یک هفته در آنجا گشت‌زنی می‌کنند، تقویت کند. این اقدام پس از آن صورت گرفت که جمهوری اسلامی اقدام به توقیف دو نفتکش در نزدیکی تنگه هرمز کرد و نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به یکی از آنها شلیک کردند.

وی که نخواست نامش فاش شود جزئیاتی از عملیات نظامی در منطقه ارائه نکرد، اما شرح داد که «هواپیماهای اف ۱۶-F به کشتی‌هایی که از طریق تنگه هرمز حرکت می‌کنند پوشش هوایی می‌دهند و دید ارتش را در منطقه افزایش

→ که یکی از جاده‌های اصلی که داعش برای اجرای عملیات زندان معروف «غوران» از طریق آن به الحسکه رفت، نزدیک رودخانه خابور (از انشعابات رود فرات) است که از همین راه داعش توانست بسیاری از پُست‌های بازرسی را دور بزند. شب قبل از حمله به زندان، نیروهای داعش در حیاط پاسگاه متعلق به شبه‌نظامیان جمهوری اسلامی مستقر شدند تا برای عملیات آماده شوند. منابع دیده‌بان حقوق بشر سوریه گزارش دادند یک ماشین مپ‌گذاری شده که در آن زمان در حمله به زندان مورد استفاده قرار گرفت در همان مناطق تحت کنترل و حفاظت بود.

پس از عملیات زندان غوران با کمک سپاه پاسداران حدود ۲۰۰ نفر از اعضای داعش آزاد شدند.

تحقیقات دیده‌بان حقوق بشر سوریه نشان می‌دهد از آن زمان تا کنون درگیری‌های داعش با نیروهای سپاه پاسداران به شدت کاهش پیدا کرده اما بیش از ۲۰۰ عملیات در مناطق تحت کنترل نیروهای دموکراتیک سوریه و ائتلاف در سال ۲۰۲۲ سازماندهی شد که طی آنها بیش از ۳۰۰ نفر کشته شدند که شامل ۵۸ غیرنظامی از جمله یک کودک و ۲ زن و ۲۴۹ غیرنظامی بودند.

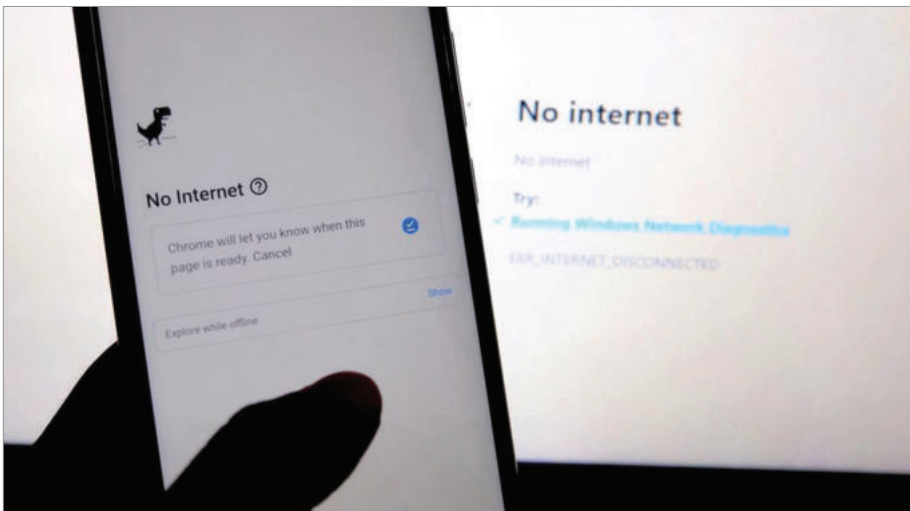
از سوی دیگر در همین مدت داعش حدود ۱۰۰ عملیات در صحرای انجام داده که طی آن تنها شش عملیات مستقیماً شبه‌نظامیان رژیم ایران را هدف قرار می‌داد که طی آن ۲۷ نفر از شبه‌نظامیان کشته شدند که دو نفرشان عضو زینبیون (نیروهای پاکستانی) و چهارنفرشان عضو «فاطمیون» (نیروهای افغان) و سوری بودند.

بر اساس گزارش دیده‌بان حقوق بشر سوریه، در اواسط سال ۲۰۲۲ شبه‌نظامیان وابسته به جمهوری اسلامی به رهبران داعش خبر دادند اطلاعات محرمانه‌ای به دست آنها رسیده که بر اساس آن قرار است ائتلاف بین‌المللی و نیروهای دموکراتیک سوریه در روزهای آینده کارزار جدیدی علیه داعش در شرق فرات شروع کنند. بر اساس این اطلاعات بود که داعش طی یک تلگراف داخلی که که دیده‌بان حقوق بشر سوریه در همین گزارش آن را منتشر کرده، به تاریخ ۲۳ ژانویه ۲۰۲۳ (۳ بهمن ۱۴۰۱) به اعضای خود دستور داد که از آن مناطق دور شوند و به این ترتیب بخش زیادی از هسته‌های داعش با کمک شبه‌نظامیان وابسته به جمهوری اسلامی از شرق فرات به سمت صحرای عقب‌نشینی کردند.

این گزارش می‌افزاید در طول دو سال گذشته، داعش با حمایت شبه‌نظامیان وابسته به جمهوری اسلامی ایران توانست شبکه گسترده‌ای از جاده‌های تحت کنترل در مناطق مختلف سوریه ایجاد کند که به آن امکان می‌دهد تا عملیات خود را به راحتی انجام دهد. این شبکه از جمله شامل یک گذرگاه آبی واقع در مناطق بین نیروهای سوریه دموکراتیک و شبه‌نظامیان وابسته به رژیم ایران است که در حمله به زندان غوران نیز مورد استفاده قرار گرفت. داعش از این گذرگاه برای انتقال نیروهای خود به داخل و خارج از منطقه جنگی استفاده می‌کرد و همچنین زندانیان خود را از این طریق فراری داد. این گذرگاه حلقه مهمی برای انتقال نیروهای داعشی و منطقه‌ای ایده‌آل برای تحرکات مخفی این گروه تروریستی است.

دیده‌بان حقوق بشر سوریه در پایان می‌نویسد در شرایطی که سپاه پاسداران و حزب‌الله لبنان تلاش می‌کنند جامعه سوریه را نسبت به نیات شرافت‌مندانه خود متقاعد کنند، نیات شوم آنها دوباره در افکار عمومی ظاهر می‌شود. هدف عوامل جمهوری اسلامی از حضور در سوریه دستیابی به منافع خود است و هیچ راه حلی برای پایان دادن به این فاجعه ندارند و به همین دلیل با داعش که دست آنها به خون مردم سوریه آغشته است همکاری می‌کنند.

گزارش تکانهنده انجمن تجارت الکترونیک ایران از وضعیت اینترنت کشور



گره بخورد.

همچنین عقب افتادگی در توسعه فیبر نوری و شبکه پنجم اینترنت سیار از دیگر مسببان وضعیت حاکم اعلام شده و در نهایت شرکت ارتباطات زیرساخت نیز جزو مقصرین وضعیت حاکم در اینترنت معرفی شده است. این گزارش تأکید کرده که انحصار شرکت زیرساخت در تأمین و توزیع اینترنت در کشور در کنار ناکارآمدی و پایین بودن بهره‌وری در آن از جمله دیگر عوامل کاهش کیفیت اینترنت در کشور است.

از سوی دیگر وبسایت «خبرآنلاین» روز یکشنبه ۲۵ تیرماه گزارش داد خرید و فروش سیم‌کارت‌های بین‌المللی که از «۱۰ تا ۹۰ میلیون تومان» خرید و فروش می‌شود، برای «دور زدن فیلترینگ» مورد استفاده قرار می‌گیرد و صرف این «هزینه نجومی» برای دسترسی به «اینترنت آزاد در ایران» است.

در این گزارش، تأکید شده که فیلترشن‌های موجود همیشه نمی‌توانند نیاز کاربران ایرانی را برآورده کنند و «قطع و وصل آنها» برای تاجران «خطرات زیادی» به دنبال دارد، از این رو به تهیه سیم‌کارت روی آورده‌اند که در ایران و همه کشورها به جز «کره شمالی» می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند.

اختلال، کاهش سرعت، قطع اینترنت و فیلترینگ از دو دهه پیش و پس از دسترسی عمومی مردم به اینترنت صورت گرفته اما در سال‌های گذشته و با آغاز اعتراضات سراسری مردم از اواسط دهه ۹۰ خورشیدی اختلالات اینترنت بطور جدی‌تر از سوی حکومت اعمال شد.

طی سال گذشته و پس از آغاز اعتراضات جنبش ملی از ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ در پی قتل حکومتی مهسا امینی به دست مأموران گشت ارشاد، قطع و اختلال اینترنت به شکل بی‌سابقه‌ای آغاز شد.

با آغاز خیزش ملی اخیر در ایران، جمهوری اسلامی اینترنت داخلی معروف به «اینترنت ملی» را فعال کرده، پلتفرم‌های مختلف را فیلتر و اینترنت موبایل را در بسیاری از ساعات شبانه‌روز قطع کرد. سرعت اینترنت ثابت یا خانگی در ایران هم به شدت کاهش یافت و در اکثر ساعت‌های شبانه‌روز با قطع و وصل روبرو بود. بر اساس گزارش نت بلاکس در نخستین هفته‌های ایجاد اختلال اینترنت، شدیدترین فیلترینگ جهان در ایران رخ داد و ۸۰ درصد از مردم به اینترنت آزاد دسترسی نداشتند. اپلیکیشن‌های زیادی از جمله اینستاگرام نیز فیلتر شدند.

این اختلالات با وجود پایان یافتن اعتراضات سراسری

در ادامه این گزارش به مصوبه شماره ۴ جلسه ۳۱۳ رگولاتوری در تاریخ دوازدهم بهمن ماه سال ۱۳۹۹ اشاره شده که بر اساس آن اپراتورهای اینترنتی می‌توانند با سرمایه‌گذاری و خرید تجهیزات فیلترینگ و نصب آن در داخل شبکه خود، از تحقیق ۱۰ تا ۱۵ درصدی خرید اینترنت از دولت بهره‌مند شوند. این انجمن تأکید کرده ایرانسل و همراه اول هر دو با نصب این تجهیزات در داخل شبکه خود باعث شدت یافتن اختلالات اینترنتی شدند.

این گزارش با اشاره به زیان گسترده فیلترینگ به جیب مردم نوشته که «مردم ایران بطور ماهیانه در حال پرداخت هزاران میلیارد تومان پول برای اختلالی هستند که به آنها در شبکه اینترنت تحمیل شده و موجب شده بسته‌های اینترنتی مشترکین خیلی زودتر از موعد خود تمام شوند.»

انجمن تجارت الکترونیک تهران همچنین با اعلام اینکه «۳۳ درصد از ۱۰۰ وبسایت برتر جهان در ایران فیلتر هستند» تأکید کرده ایران پس از چین محدودترین اینترنت دنیا را دارد و پس از آن کشورهای مصر، روسیه و عمان قرار دارند. همچنین اعلام شده که ایران در کنار کشورهایی مثل چین از معدود کشورهای دنیا هستند که هر ۶ شبکه اجتماعی پراستفاده و محبوب در جهان را مسدود کرده است. این گزارش همچنین به موضوع فیلتر کردن وبسایت‌های داخلی برای کاربران خارجی اشاره کرده و اعلام کرده که از بین ۱۰۰ وبسایت برتر دولتی، ۵۷ وبسایت از خارج کشور در دسترس نیستند.

بر اساس این گزارش در زمینه سرعت اینترنت هم ایران در رتبه ۹۷ از ۱۰۰ قرار دارد. تنها کشورهای سودان و کامرون و کوبا از نظر سرعت وضعیت بدتری از ایران دارند. میانگین سرعت اینترنت در ایران ۴ مگابیت بر ثانیه با تأخیر میانگین ۱۴۵ میلی‌ثانیه اعلام شده است.

بر اساس توضیحات انجمن تجارت الکترونیک ایران از دلایل اصلی سرعت پایین اینترنت در ایران، عملکرد ضعیف و ناکارآمدی شرکت مخابرات ایران در لایه Access، کاهش سرمایه‌گذاری در بخش زیرساخت‌های تلکام، روند کند توسعه جی‌۵ و فیبر نوری و درنهایت عملکرد ضعیف و ناکارآمد شرکت ارتباطات زیرساخت در لایه Core اعلام شده است.

این گزارش تأکید کرده وزارت ارتباطات، بیشترین شکایات را در بین شکایات سامانه ۱۹۵ در اختیار دارد و رفتار ضدرقابتی و کیفیت فوق‌العاده پایین شرکت مخابرات ایران باعث شده تا فناوری منسوخ شده ADSL در ایران با کیفیت بسیار پایینی

● انجمن تجارت الکترونیک تهران با اعلام اینکه «۳۳ درصد از ۱۰۰ وبسایت برتر جهان در ایران فیلتر هستند» تأکید کرده ایران پس از چین محدودترین اینترنت دنیا را دارد. از بین ۱۰۰ وبسایت برتر دولتی، ۵۷ وبسایت از خارج کشور در دسترس نیستند.

● بر اساس این گزارش در زمینه سرعت اینترنت، ایران در رتبه ۹۷ از ۱۰۰ قرار دارد.

● این گزارش با اشاره به زیان گسترده فیلترینگ به جیب مردم نوشته که «مردم ایران بطور ماهیانه در حال پرداخت هزاران میلیارد تومان پول برای اختلالی هستند که به آنها در شبکه اینترنت تحمیل شده و موجب شده بسته‌های اینترنتی مشترکین خیلی زودتر از موعد خود تمام شوند.»

● ایرانسل و همراه اول هر دو با نصب تجهیزات فیلترینگ در داخل شبکه خود باعث شدت یافتن اختلالات اینترنتی شده‌اند. گزارش جدید انجمن تجارت الکترونیک ایران درباره وضعیت اینترنت در کشور، ایران را قهرمان اینترنت بی‌کیفیت در جهان اعلام و تأکید کرده سرعت اینترنت در میانگین بیش از ۲ برابر سرعت در ایران است.

انجمن تجارت الکترونیک تهران به تازگی گزارش تحلیلی از اختلالات، محدودیت‌ها و سرعت اینترنت در ایران منتشر کرده است. در این گزارش آمده است که رکود گسترده و تعطیلی چشمگیر شرکت‌های فناوری و مهاجرت متخصصان فناوری و انتقال استارت‌آپ‌ها به کشورهای همسایه به خاطر کیفیت اینترنت رخ داده است. این انجمن معتقد است وضعیت رو به افول اینترنت در ایران علاوه بر ایجاد مشکلات فنی، باعث ناامیدی گسترده متخصصان فناوری شده است.

کیفیت اینترنت در ایران در وضعیت «بحرانی» گزارش شده و آمده که اینترنت ایران در بین ۱۰۰ کشور با بیشترین تولید ناخالص ملی، ایران پس از میانگین دومین اینترنت پراختلال و پس از چین، دومین اینترنت محدود دنیا را دارد. این گزارش همچنین تأکید کرده که اینترنت ایران جزو ۵ اینترنت کند جهان است. بررسی‌های این انجمن روی دامنه‌ها و آی‌پی‌های لیست خاکستری که اکثریت اینترنت را شامل می‌شوند نشان می‌دهد تجهیزات حاکمیتی با ایجاد اختلال عمدی باعث می‌شوند تا ۵۰ درصد داده‌های ارسالی به این مقاصد با مشکل مواجه شوند. این انجمن اعلام کرده این موضوع دلیل اصلی محسوس و مورد اعتراض شدید این روزهای کاربران در استفاده از اینترنت است.

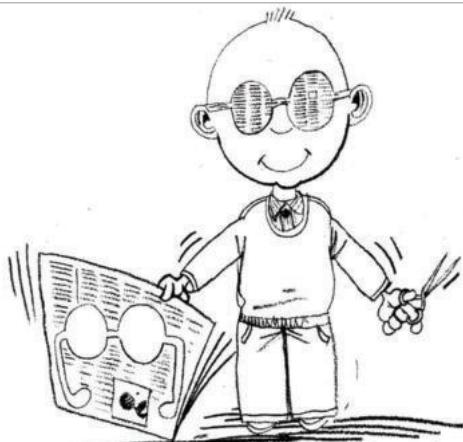
این گزارش افزوده که علاوه بر ۴۵ وبسایتی که حداقل در نصف موارد در دسترس نبودند، ۱۴ وبسایت اختلالی بین ۱۰ تا ۵۰ درصدی را از خود نشان دادند. انجمن تجارت الکترونیک تهران دلیل اصلی اختلالات حاکم در اینترنت را سیاست جدید و غلط فیلترینگ هوشمند اجرا شده توسط وزارت ارتباطات عنوان کرده است. این انجمن دقیقاً گفته که بر اساس بررسی آنها در حال حاضر هر نوع ترافیک اینترنتی در صورتی که به صورت موردی و از سمت نهادهای مسئول مجاز «وایت لیست» نشده باشد، به صورت خودکار دچار اختلال می‌شود. انجمن تجارت الکترونیک تهران با بیان اینکه «احتمالاً بخاطر مقابله با VPN‌ها، اختلال‌های عمدی روی تمامی IP ها و ارتباطات کشور وجود دارد» نوشته که برای اثبات فرضیه خود تست‌هایی روی اینترنت شبکه همراه اول و ایرانسل انجام داده که بر اساس خروجی نتایج این تست‌ها، با ترافیک اینترنت ایران به خارج Lost شده و یا به دلیل مشکلات حاکم بر شبکه، امکان تست گرفتن وجود ندارد.

باز نشر

نهی از منکر!

(کیهان لندن شماره ۱۰۱۵) مرداد ۱۳۸۳

خیراندیش (احمد احرار)



شورای اسلامی شهر تهران و وزارت فرهنگ و ارشاد و سازمان تبلیغات اسلامی صورت می‌گیرد. نمی‌توان تصویر خانم بازیگری را با چشمان بزرگ کرده روزها در برابر دیدگان مردم تبلیغ کرد. جای شهید محراب، حضرت آیت‌الله حاج سید عبدالحسین دستغیب خالی است که بر این حسن تشخیص آفرین بگوید. آن روحانی جلیل‌القدر فساد سینما و تأثیر مخرب آن در اخلاق اسلامی را سالها پیش، در مواعظ حکیمانه و تألیفات عالمانه خود متذکر شده بود. در مبحث ایمان، خطاب به سینماورها می‌فرماید: «آیا این فسادها جز از سینماها برمی‌خیزد؟ این جایی است که تو - ای سینماور - خوش بگذرانی؟ ای جوان، در این مرکز می‌روی، اینهمه زنها آرایش کرده می‌بینی، خواهی نخواهی دلت تکان می‌خورد یا ناکام می‌شوی و ناراحتیهای خیالی پیدا می‌کنی یا اگر خواستی به یکی از آنها برسی چه درد سرهایی دارد و چه ناملیماتی را باید تحمل کنی. اینهمه تشویش خاطر و ناراحت کننده اعصاب برای ساعتی خوش گذرانی؟!»

شهید فقید افاضات دیگری هم دارد که هرگاه به آنها نیز توجه شود بسیاری از مشکلات، از جمله مشکل تغذیه و بهداشت، حل و در مملکت امام زمان نور ایمان از در و دیوار ساطع می‌شود. در مبحث تغذیه و آثار سوء گوشتخواری می‌فرماید: «گوشت زیاد خوردن قساوت می‌آورد. درست است که حلال است ولی اثر وضعی دارد. گوشت هر حیوانی که زیاد خورده شود صفات آن حیوان در شخص ظاهر می‌گردد. اگر کسی زیاد گوشت گوسفند خورد کم‌کم شعورش کم می‌شود و لطافت و روحانیت و عاطفه انسانیت از او رخت می‌بندد. مرغ خوری زیاد گیج می‌کند، فهمش کم می‌گردد مانند خود مرغ که فقط دانه‌ای می‌بیند و حتی از بره هم کمتر است. اگر خدای نکرده گوشت خوک نجس‌العین را بخورد مثل خوک می‌شود. در بی غیرتی نمونه است. شهوتران، زن پرست، شکم پرست می‌گردد. در حیوانات هیچکدام در شهوت شکم و فرج مانند خوک نیستند. از هیچ خوراکی رویگردان نیست و وقتی با ماده‌اش جمع می‌شود بقدری بی‌حیاست که گاهی تا چند فرسخ راه به همین حالت باقی می‌ماند. شنیده‌ام در خارجه همین گوشت خوک خورهای باکی ندارند همسرشان با بیگانه برقصد بلکه کیف هم می‌کنند چون گوشت خوک او را خوکی کرده است!»

«اصلاح طلبان» رانده شده از صحنه، جرائمشان کم کم سنگین و سنگینتر می‌شود. قبلاً آنها متهم بودند که با سیاست انفعالی خود در برابر آمریکا و اروپا کشور امام زمان را از نظر سیاسی تضعیف کرده‌اند. حالا به ترویج فساد و بیدینی هم متهم شده‌اند. حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی از اکابر علمای قم می‌گوید: «در چند سال اخیر مسائل اخلاقی و ارزشی خیلی تخریب شد. یک گروه تندرو بر سر کار آمدند و همه چیز را تخریب کردند. آنها در برابر انقلاب که اینهمه تلاش کرد تا مسائل ارزشی زنده شود یک آزادی دروغین و کاذب آوردند... یکی از اولین برنامه‌های مجلس دوره ششم این بود که دختران مجرد می‌توانند به خارج بروند، یا به دنبال آزادی ماهواره بودند و در گوشه و کنار در خصوص حجاب زرمه‌هایی می‌کردند که اختیاری باشد و نه اجباری...»

حضرت آیت‌الله و دیگر آیات عظام، همصدا با وکلای محترم مجلس هفتم که جواز وکالتشان به‌امضای امام غایب رسیده است، خواهان آنند که مسؤولان امور هرچه زودتر این خطاها را جبران و ارزشها را برقرار و خطر را از بیضه اسلام دور کنند. در اجابت این تکلیف، امت حزب‌الله از یک سو و مسؤولان امور از سوی دیگر دست به‌کار شده‌اند. در کاشان، ملای محل به‌استناد فتاوی‌ای آیت‌الله مصباح یزدی و آیت‌الله نوری همدانی مبنی بر حرام بودن «خرید، فروش و استعمال آلات لهو و لعب»، حکم به امحاء این وسایل داده است و اجامر تحت فرمان او به‌عنوان قشون نهی از منکر به فروشگاههای آلات موسیقی هجوم برده تار و تنبور و کمانچه و سنتور و طبل و شیپور را شکسته‌اند، بعد هم رفته‌اند به سر وقت معلمان آواز و موسیقی و این گونه مراکز فساد را هم بسته‌اند تا دیگر از دارالمؤمنین کاشان صدایی جز بانگ اذان و تلاوت قرآن و زاری و فغان به گوش ملائک آسمان نرسد.

در تهران نیز که شهردار متعبد آن خود را برای تکیه زدن بر مسند ریاست جمهوری آماده می‌کند، شهرداری برنامه ترویج ارزشها و مبارزه با مفاسد اخلاقی را از زودن آثار بی‌عفتی در تابلوهای تبلیغاتی، مخصوصاً بر سر در سینماها آغاز کرد. بنا به اظهار محمدجواد محمدزاده (صل‌علی‌محمد-صلوات بر محمد) معاون خدمات شهری شهرداری تهران: «از این پس شهرداری تهران محتوای تبلیغات شهری فیلمهای سینمایی را کنترل می‌کند. این کار توسط گروهی از نمایندگان شهرداری و

و خیابانی مردم در ماههای گذشته نیز ادامه داشته است. در حالیکه حق دسترسی شهروندان به اینترنت با اقدامات سرکوبگرانه حکومت در این زمینه ضایع شده است، زیان گسترده اقتصادی نیز برای کسب‌وکارها به همراه داشته است. هفته دوم تیرماه امسال ابراهیم رئیسی در پی تشدید نارضایتی مردم از وضعیت اینترنت در اقدامی نمایشی کارگروهی متشکل از مرکز ملی فضای مجازی و وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات را مأمور پیگیری اختلالات اینترنت کرد. چند روز پس از صدور این دستور از سوی ابراهیم رئیسی مقامات مرتبط از جمله وزیر ارتباطات و سخنگوی مرکز ملی فضای مجازی در اظهاراتی نشان دادند این کارگروه وعده سرخرمن می‌دهد و مردم نباید منتظر بهبود وضعیت اینترنت از سوی کارگروهی باشند که خودش مسئول و عامل اختلالات شدید اینترنت است!

امیر خوراکیان سخنگوی مرکز ملی فضای مجازی، زمان مشخصی در مصوبه وجود ندارد اما این کارگروه در حداقل زمان ممکن این گزارشها را تهیه خواهد کرد و به محض تهیه شدن در دستور شورای عالی فضای مجازی قرار می‌گیرد. آنچه جبران‌ناپذیر به نظر می‌رسد زیان گسترده کسب‌وکارها به دلیل اختلالات شدید اینترنت است؛ بسیاری از کسب‌وکارهای کوچک در ماههای گذشته ورشکسته و از چرخه اقتصاد ایران خارج، و یا با کاهش شدید فروش و زیان گسترده روبرو شدند. شرکت «Top10Vpn» که در زمینه آزمایش و بررسی خدمات VPN فعالیت دارد اسفندماه گذشته در گزارشی خسارت‌های ناشی از محدود ساختن اینترنت در کشورهای مختلف را منتشر کرد. بر اساس این گزارش در سال ۲۰۲۲ ایران در کنار روسیه و قزاقستان بیشترین خسارت‌های اقتصادی ناشی از محدودیت‌های اینترنتی توسط دولت‌های مستقر را متحمل شدند. در این گزارش ایران در رتبه دوم رده‌بندی کشورهایی با بیشترین خسارت اقتصادی ناشی از محدود ساختن حکومتی اینترنت قرار گرفت. رقم خسارت ناشی از فیلترینگ و قطع اینترنت در ایران ۷۷۳ میلیون دلار برآورد و تأکید شده بود که محدود ساختن اینترنت زندگی ۷۲ میلیون کاربر ساکن ایران را به اشکال مختلف متأثر کرده است.

در این گزارش آمده بود که فیلترینگ اینستاگرام و واتس‌آپ از ابتدای مهرماه سال ۱۴۰۱ تقاضا برای VPN از سوی کاربران ایرانی را بیش از سه هزار درصد افزایش داده است. این شرکت جمع تعطیلی شبکه‌های اجتماعی در ایران طی سال ۲۰۲۲ را حدود ۴۸۶۳ ساعت برآورد کرده است.

بهمن‌ماه امسال هم «پایگاه داده‌های باز ایران» در گزارشی تحقیقی اعلام کرد که مجموع خسارات وارده بر اقتصاد ایران به دلیل اختلال در اینترنت تا پایان دی‌ماه بالغ بر ۵/۲۴۲ هزار میلیارد تومان ارزیابی می‌شود.

در این گزارش آمده بود که خسارت‌های اقتصادی بر مبنای همین ارزیابی یعنی میانگین ماهانه ۷۵ هزار میلیارد تومان در دو ماه نخست را می‌توان در سه سناریوی مختلف برای ماه‌های آذر و دی نیز محاسبه کرد. در سناریوی خوش‌بینانه اگر روند خسارات وارده بر اقتصاد ایران با ضریب ۲۵ درصدی در ماه‌های آذر و دی ادامه پیدا کرده باشد، مجموع زیان تا پایان دی حدود ۵/۱۸۷ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود. در سناریوی میانه با فرض تداوم زیان‌ها با ضریب ۵۰ درصدی مجموع خسارات بر اقتصاد ایران تا پایان دی‌ماه از محل اختلال و اعمال محدودیت بر اینترنت، در حدود ۲۲۰ هزار میلیارد تومان خواهد بود. در سناریوی سختگیرانه و با فرض اینکه اختلال‌ها در دو ماه آذر و دی، ۷۵ درصد خسارات میانگین ۲ ماه نخست را تداوم بخشیده باشد، مجموع خسارات وارده بر اقتصاد ایران تا پایان دی بالغ بر ۵/۴۶۲ هزار میلیارد تومان می‌شود.

تصمیماتی که در بی‌تصمیمی گرفته شد

شاه از کابینه نظامی قطع امید کرد و به سراغ سیاستمداران سالخورده رفت

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از آذر ۱۳۸۳ تا شهریور ۱۳۸۴ - از شماره ۱۰۳۳ تا ۱۰۷۱)



بازنشر

آخرین روزها
پایان سلطنت و
درگذشت شاه
(۲۲)

دکتر هوشنگ نهاوندی

اساس رویدادها و حوادث واقعی زندگی انسانها نوشته می‌شود. برای نوشتن این کتاب، نویسنده از کمکهای بی دریغ و سخاوتمندانه اردشیر زاهدی، دکتر اصلان افشار، شجاع‌الدین شفا، پروفیسور عباس صفویان و دکتر داریوش شیروانی بهره‌مند بوده است. این شخصیتها که در ماههای آخر سلطنت محمدرضا شاه تماس روزانه با او داشتند، اطلاعات، خاطرها و به‌یادمانده‌های خود را در اختیار نویسنده قرار داده‌اند. نویسنده ضمناً از دکتر هادی هدایتی، دکتر کاظم ودیعی و بیژن خلیلی مدیر شرکت کتاب سپاسگزاری کرده است. کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» دارای ۱۵ فصل است و با یک پی‌نوشت کوتاه و احساسی به‌پایان می‌رسد. کیهان بخشهایی از این کتاب را با موافقت نویسنده و ناشر، از این شماره به‌چاپ می‌رساند.

واشنگتن را ناراحت کند».

سفیران انگلیس و آمریکا نیز همسو با امینی اقدام می‌کردند. پیرامونیان شهبانو نیز به همین گونه. اینها کسانی را که پایداری می‌کردند، همچون بخشی از ارتش و اکثریت بزرگ از افسران عالی‌رتبه که می‌خواستند در برابر آشوبها دست به اقداماتی بزنند، دعوت به میانه‌روی و خردورزی می‌کردند. در جهت مخالف، تلاشهایی همچنان انجام می‌گرفت: آیت‌الله شریعتمداری که از همیشه عاقبت اندیش‌تر شده بود، از راه همیشگی با من تماس گرفت: «از سوی من به اعلیحضرت التماس کنید که نظم را برقرار کند و مملکت را نجات دهد. حمام خون در انتظارمان است. اگر لازم شود بگوئید مرا دستگیر و زندانی کند. ولی زود اقدام کند.» پیام او را رساندم، شاه سکوت کرد و سپس گفت: «به او بگوئید هرکار بتوانیم خواهیم کرد.»

سرن سازمان نیرومند افسران و درجه داران بازنشسته، نزد سرلشکر حسن ارفع که در جنگ جهانگیر دوم رئیس ستاد کل ارتش بود، گرد هم آمدند. باز هم پیرمردی محترم، اختطاری راستین به شاه کرد: «ما به خیابانها سرازیر خواهیم شد. وزارتخانه‌ها را اشغال خواهیم کرد و سیاست‌رهای مملکت را به اجرا خواهیم گذاشت.» تیمسار، که با وجود دو بار سفارت پس از بازنشستگی از ارتش، هنوز دیپلمات نشده بود، خود را به عنوان نخست‌وزیر پیشنهاد کرد و به پادشاه گفت: «اگر نظامیان جوان، توانا به نشان دادن واکنش نیستند، من که در زمان جنگ با ارتش کوچک و با تجهیزات ملوک‌استادگی کردم، می‌توانم این ارادل و اوباش را سرچایشان بنشانم.» این سخنان، شاه را به خنده انداخت.

بالاخره تیمسار ازهارری در برابر مجلس حاضر شد. به شکلی درهم، از مسائل مذهبی گریه آور سخن گفت. پای خداوند و مقوله‌های دینی را به میان آورد. و اینها را با مردم سالاری آرمانی که ملت باید به آن دست یابند آمیخت. به دنبال این، دولت خود را ترمیم کرد و چند غیرنظامی را وارد آن ساخت. در همان زمان فرماندهان نیروی زمینی، هوایی و دریایی که ابر-وزیرانی در دولت به شمار می‌آمدند، بیرون رانده شدند. پیامبران، با شتاب نزد رهبران مخالفان رفتند تا به آنان

سر کلاس می‌رفت و هیچگاه کار تدریس را رها نکرد و به‌همد همین سوابق دانشگاهی بود که پس از مهاجرت به فرانسه ۱۷ سال به‌عنوان استاد در دانشگاه پاریس تدریس کرد. نهاوندی در سالهای ۱۳۵۰ گروه بررسی مسایل ایران را بنیان گذاشت به امید آنکه پیشنهادات این گروه راهگشای اصلاحاتی در ساختار آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایران شود. نهاوندی برای جمع‌آوری مطالب کتاب پانصد صفحه‌ای خود، مختصری از حافظه معروفش و مقدار زیادی از یادداشتهای روزانه یا شبانه‌اش سود جسته است. کتاب از آغاز تا پایان، سرشار است از حوادث پرهیجان و اخبار دست اول که بیشتر اوقات نویسنده شخصاً درگیر آن بوده است و به همین دلیل محتوای کتاب شبیه رمانهای جذابی است که بر

ترجمه فارسی کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» نوشته دکتر هوشنگ نهاوندی از سوی شرکت کتاب در لس‌آنجلس منتشر شده است. بهروز صوراسرافیل و مریم سیحون مترجمان این کتاب، به‌خوبی از عهده برگرداندن آن از زبان فرانسه به فارسی برآمده‌اند. دکتر نهاوندی در دوران سلطنت محمدرضا شاه پهلوی وزارت آبادانی و مسکن و علوم و آموزش عالی و ریاست دانشگاههای پهلوی و تهران را به‌عهده داشت. وی مدتی نیز رئیس دفتر علیاحضرت شهبانو و چندی رئیس هیأت مدیره انجمن آثار ملی بود. اما در تمام این سالها وی بیشتر با محافل روشنفکری، علمی و دانشگاهی نشست و برخاست داشت تا با دولتیان. نهاوندی در دوران ریاستش بر دانشگاههای پهلوی و تهران هفته‌ای چند ساعت

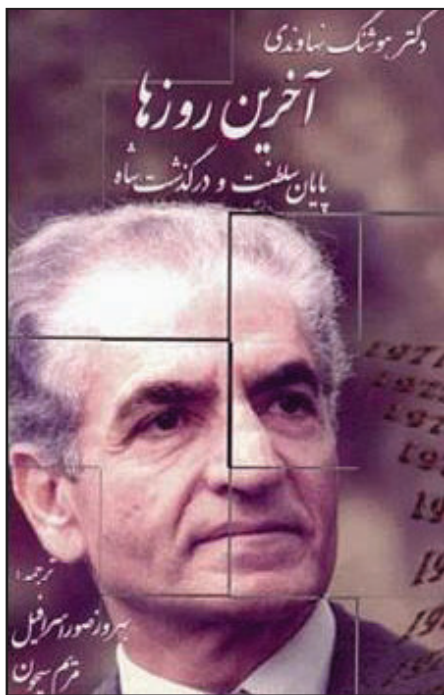
در اواخر کار، شاه از این که انتخاب شریف امامی را توصیه کرده و همچنین بسیاری از چیزها را از او پنهان داشته بود، هویدا را نمی‌بخشید. این در انسان تمایلی نهادی است، و شاید طبیعی بود که به مرور زمان که دشواری‌ها انباشته شده بود، محمدرضا شاه اندک اندک بدان سو می‌رفت که همه یا دست کم بخشی از مسئولیتها را به گردن دیگران بیندازد.

چنین نیز بود که در بسیاری زمینه‌ها، در سالهای آخر، هویدا حتی بیشتر از شاه، نیرومندترین مرد کشور بود. بهای آن قدرت را نیز بسیار گران پرداخت و صادقانه بر این گمانم که با وجود کینه‌ای که شاه از هویدا به دل داشت، تا پایان زندگیش از این که تصمیم به دستگیری او گرفته، پشیمان بود. هنگامی که هویدا به زندان افتاد، بر آن شد که حق اوست که محاکمه‌اش بازتاب بین‌المللی داشته باشد و خود را برای آن آماده می‌کرد. گویا از ادگار فور حقوقدان سرشناس و نخست‌وزیر پیشین فرانسه خواسته بود که در میان وکیلان مدافعش باشد و او هم پذیرفته بود. با آقای اسداله صوفی وکیل مشهور دادگستری نیز تماس گرفته بودند و او در خود ایران پرونده دفاع از وی در دادگاه را تهیه کرده بود.

هویدا بی‌تردید مطلع‌ترین شخص در ایران بود، نقاط ضعف این و آن را می‌دانست و به ویژه از احوال فاسدان پولکی‌ای که پس از سوءاستفاده از رژیم پادشاهی به انقلابیون دوآتشه تبدیل شده بودند، خبر داشت. او گمان می‌کرد این آگاهی‌ها او را در امان می‌دارد. شامگاه ۱۱ فوریه ۱۹۷۹ که نگهبانان رفته بودند و هویدا در ویلای خود تنها بود، می‌توانست بگریزد، پنهان شود و ایران را ترک کند. مغرورتر از آن بود که از سفارتخانه‌ای خارجی، درخواست پناهندگی کند. اما همچون بسیاری، دوستانی داشت که بی‌گمان او را یاری می‌کردند از ایران بیرون رود. با این حال دلبرانه ایستاد تا از خود دفاع کند و با اوضاع روبرو شود. روز ۷ آوریل ۱۹۷۹ او را به ردیالانه‌ترین شکلی کشتند.

فشار اعتدالگران

دولت ازهارری ۳ یا ۴ روز، توهمات به وجود آورد. زیرا کشور آرامش یافته و زندگی از سر گرفته شد. شاه به نظر آرام‌تر می‌رسید. اما دولت، به جای آن که لحنی قاطعانه به کار برد



و به ویژه با شتاب و استحکام رفتار کند، به محض آن که تأثیر اقدامات ۸ نوامبر از میان رفت، به گل نشست. فشار بسیار زیادی به پادشاه وارد می‌شد، از او می‌خواستند که به «اعتدال» رفتار کند و از شدت عمل دولت در اجرای مقررات حکومت نظامی - حتی موقتاً - جلوگیری کند.

علی امینی، نخست‌وزیر پیشین که روابط دوستانه‌اش با آمریکایی‌ها، به ویژه با دمکراتهای آمریکایی شهرت داشت، و با همراهی دو پیرمرد محترم نود ساله که به نیرویی معنوی تبدیل شده بودند، یعنی علی اکبر سیاسی رئیس پیشین دانشگاه تهران و محمدعلی وارسته وزیر پیشین سالهای ۱۹۴۰ و سپس در زمان مصدق، تقویت می‌شد، مرتباً شاه و شهبانو را به ستوه می‌آورد که «به ویژه کاری نکنید که مخالفان و

تظاهرکنندگان هرگز به کاخ نزدیک نشده بودند، ولی يك كمر بند نامحسوس، پیرامون آنجا را از نظر امنیتی محافظت می‌کرد. ارتش دستور گرفته بود که به هیچ وجه واکنش نشان ندهد، مگر این که مستقیماً مورد حمله قرار گیرد، و مخالفان نیز از این دستور باخبر بودند. ویرانگری‌ها و آتش سوزی‌ها بسیار گسترده بود. که گاه، جنازه‌های دروغین و مراسم خاکسپاری آنها که به منظور نمایش از تلویزیونهای غربی تهیه می‌شد، به نمایش در می‌آمد.

روز ۱۸ نوامبر، شهبانو فرح به کربلا و نجف، شهرهای مذهبی و مقدس عراق سفر کرد. رئیس دفترش حسین نصر، و همچنین رضا قطبی همراه او بودند. استقبال بغداد از شهبانو، به خوبی نمودار ترس حکومت عراق از بالا گرفتن بنیادگرایی مذهبی در ایران بود.

معاون رئیس جمهوری عراق، به مدتی دراز با شهبانو ملاقات کرد و به او اطمینان داد که از حکومت ایران پشتیبانی خواهد کرد. در آن سفر، آیت‌الله خویی بلندپایه‌ترین روحانی دنیای شیعه هم او را به حضور پذیرفت که رویداد مهمی به حساب می‌آمد. خویی پیام دوستانه‌ای به شاه فرستاد و گفت: «برای سلامتی پادشاه و پیروزی‌اش در راه اسلام و ایران، خالصانه دعا می‌کنم.»

این پیام، به زبان تقریباً سیاسی، نشان پشتیبانی بود و پیروزی‌ای چشمگیر به حساب می‌آمد که می‌شد به نیکویی از آن سود گرفت. اما، چنین نشد. به هنگام زیارت، چند نقصان در رعایت دقیق آداب آن، از سوی پیرامونیان شهبانو دیده شد که غیرعادی نبود و اغلب پیش می‌آمد. ولی این نکات را بارها و بارها و با بی‌شرمی تمام در تلویزیون نشان می‌دادند که باعث به سخره گرفتن و انتقادهای سخت شد.



هویدا می‌توانست از ایران خارج شود اما دلیرانه ایستاد تا از خود دفاع کند

از ابتدای دسامبر که شهبانو دیدارهای سیاسی و گردهمایی‌های کاری خود را بیشتر کرد، شاه دریافت که برگزیدن يك نظامی به ریاست دولت، بی‌آن که وی بتواند نیروی ارتش را به کار گیرد، کاری بیهوده بوده و باید به جستجوی راه حل دیگری برآید. از دو شخصیت سالخورده محترم، عبدالله انتظام هشتاد ساله و محمد سروری تقریباً نود ساله درخواست شد که «دولت وحدت» تشکیل دهند، اما هر دو رد کردند. همین پیشنهاد به دکتر محمد نصیری (که هیچ بستگی خانوادگی به رئیس پیشین «ساواک» نداشت) حقوقدان مشهور، استاد و رئیس پیشین دانشکده حقوق، رئیس پیشین بانک ملی در زمان مصدق و سپس وزیر مشاور نیز شد و او نیز نپذیرفت. (ادامه دارد)

قطبی می‌گفت هنگامی که شیخ حسینعلی - که درباره‌اش می‌گفت: «مرد با نمکی بود که اغلب مرا می‌خندانند» - از من خواست کمکش کنم که به پاریس نزد خمینی بروم، شگفت زده شدم. قطبی در مورد این درخواست غیرعادی پرس و جو کرد. به آگاهی‌اش رساندند که آن «ملای بی‌اهمیت» از چهره‌های شناخته شده مخالفان در قم است و دو یا سه بار هم پلیس دستگیر و سپس آزادش کرده. قطبی اصلاً از این موضوع بی‌خبر بود. به هر حال نه تنها یاری‌اش کرد که به سرعت گذرنامه‌اش را دریافت کند، بلکه بلیت هواپیما هم برایش خرید و مقداری پول هم به او داد!

xxx

دو روز بعد، پروفیسور صفویان که از پاریس برای معاینه بیمار نامی خود به تهران آمده بود، جایی در هواپیمای «ایرفرانس» که از خاور دور می‌آمد ذخیره کرد تا به پاریس برگردد. در هواپیما او را در کنار دو مرد نشانند: یکی بازرگان ایرانی که از سالها پیش در هند اقامت داشت و از دهلی نو می‌آمد و دیگری ملایی با چندین کیف دستی. پس از آن که هواپیما از زمین برخاست، بازرگان خود را معرفی و گفتگو را آغاز کرد. همانند بسیاری از ایرانیان به شوخی با ملا پرداخت: «حضرت آقا، داری میری پاریس که به دختر خوشگل فرانسوی پیدا کنی و عقدش کنی؟» ملا هم سرحال آمد و پس از دادن پاسخ منفی، شروع به شوخی و لودگی کرد. آنگاه به پخش تنقلات میان مسافران پیرامون خود پرداخت که همه از رفتار سبکسرانه و شوخی‌های او بهت زده شده بودند. زیرا يك روحانی معمولاً می‌بایست باوقار و جدی باشد. بالاخره ملای کذابی در پایان پرواز شش ساعته تهران - پاریس آرام گرفت. به محض ورود به فرودگاه، مسافران شگفت زده و مات دیدند

اطمینان دهند که خطر جدی نیست و نگرانی‌هایشان را برطرف کنند.

تظاهرات و سپس اعتصابات از سر گرفته شد و همچنین آتشسوزی‌ها و مجازاتهای بی‌محاکمه مردمی.

بازگشت به دوران بی‌تصمیمی

محمدرضا شاه در بیرون از بخش سیاستهای مهم اقتصادی، عادت نداشت با رایزنی حکومت کند. بیشترین کارهای داخلی و اداره امور کوتاه مدت اقتصادی به وسیله نخست وزیر و دولت انجام می‌گرفت. پادشاه کم، یا اصلاً دخالت نمی‌کرد. فقط می‌خواست از همه چیز آگاه باشد و در این مورد پافشاری می‌کرد. هنگامی که قرار می‌شد تصمیمی در مورد سیاستهای نفتی، دفاع ملی یا جهت‌گیری‌های اساسی سیاست خارجی بگیرد، به رایزنی گسترده می‌پرداخت. یا به گفته منتقدانش، وانمود می‌کرد که چنین می‌کند. آن گاه تصمیمش را آشکار می‌کرد. در برابر افزایش تحریکات و خشونت، که نام آن را انقلاب گذاشتند، این عادت او دگرگون نشد. جز در يك مورد - و به نظر من - آن هم دستگیری امیرعباس هویدا بود که شاه و شهبانو هر دو به این نتیجه رسیدند که بهتر است با چند نفر، در مورد تصمیمی که از پیش گرفته شده بود، رایزنی کنند. در برابر بحرانهای همه جانبه و فزاینده شاه تنها مانده، ناتوان از درک موقعیت، با پذیرفتن این واقعیت که متحدان خارجی‌اش بر آتش روغن می‌ریزند و سقوط او را می‌خواهند، مهار خویش را از کف داده بود. همه چیز را دریافت کرده بود و بیمناک شده بود. او دیگر به کسی اعتماد نداشت و به نظر می‌رسید نمی‌داند چه کند.

شهبانو خود را آرام نشان می‌داد و با سیاستمدان و روحانیون دیدار می‌کرد، گردهمایی‌هایی برپا می‌کرد و می‌کوشید تصمیماتی بگیرد که گاهی هم از آنها برداشت بدی می‌شد. در بیرون به نظر می‌رسید که شاه و شهبانو، مشی سیاسی یکسانی را دنبال نمی‌کنند. و این، دربار را در نگرانی فرو می‌برد و دنیای سیاسی را سردرگم می‌کرد.

شاه و دولتش، همچنان با بی‌تفاوتی کامل شاهد دخالتهای خارجی‌ها بودند و گرچه می‌دانستند اغتشاشات داخلی آشکارا از حمایت واشنگتن، لندن و پاریس برای تحریک و دامن زدن به بلواها برخوردار است و با آن که حکومت، ابزارهایی برای رویارویی با آن دخالتها و سرکوب کردن آشوبها داشت، هیچ کاری در این زمینه انجام نمی‌شد. تنها دستور شخص شاه این بود که مراقب باشند که مبادا کمترین سوءقصدی به خمینی در نوفل لوشاتو شود!

سپهبد بدره‌ای، فرمانده گارد شاهنشاهی که از جهت گیری و برنامه‌های «بی.بی.سی» به ستوه آمده بود، توسط اصلاں افشار به شاه پیام داد که ابزارهای فنی لازم برای پارازیت فرستادن و قطع امواج آن رادیو را دارد. و اجازه خواست که چنین کند. شاه پاسخ داد: «به بدره‌ای بگوئید این کار در شأن ما نیست.»

اشرافی، ملای بی‌مقداری در قم، که داماد خمینی بود به همراه چند تن از اعضای خانواده‌اش از شاه درخواست کرد اجازه یابند به فرانسه سفر کنند. موضوع این بود که بیم داشتند نتوانند گذرنامه بگیرند. نه تنها گارد شاهنشاهی مامور شد همان روز برایشان گذرنامه بگیرد، بلکه بلیت هواپیمای شان هم به آنان هدیه شد! البته در بخش درجه دو هواپیما. ملای بی‌اهمیت دیگر، شیخ حسینعلی منتظری، که بعدها خود را آیت‌الله العظمی خواند، و ظاهراً نفر دوم پس از خمینی بود، از محمدعلی قطبی، مقاطعه کار ثروتمند و دایی شهبانو، که برای ملکه حکم پدر را داشت (زیرا شهبانو در کودکی پدرش را از دست داده بود) مرتباً پولهایی به عنوان یاری به گذران زندگی‌اش دریافت می‌کرد. رسم همه خانواده‌های ثروتمند بود که به معیشت چند ملا یاری برسانند.

آتش سوزی‌های مشکوک در محلات تاریخی سوریه؛ دست جمهوری اسلامی برای جعل تاریخ در کار است؟



آتش سوزی در محله تاریخی دمشق/ عکس برگرفته از توئیتر

● تحلیلگر سوری به کیهان لندن: آثار تاریخی سوریه قربانی گفتمان فرقه‌ای رژیم جمهوری اسلامی و سیاست تغییر جمعیتی مردم سوریه شده است.

● «این آثار به دلیل هویت سنی خود مورد خشم و کینه‌توزی فرقه‌ای که یک ارنیه تاریخی مسمم‌کننده و انحرافی است و اکنون به وارثان خمینی در ایران رسیده، قرار گرفته‌اند.»

● «شبه‌نظامیان رژیم ایران به ویژه سپاه پاسداران به همراه رژیم بشار اسد تقریباً ۹ میلیون سوری سنی‌مذهب را وادار به فرار و ترک خانه‌ها و سرزمین‌هایشان کرده‌اند و زمین‌های آنها را به شبه‌نظامیان افغان (فاطمیون) شیعیان عراق و پاکستان (زینبیون) و شیعه‌شدگان جدید از آفریقا و دیگر مناطق جهان که به ایران رفته و عملیات مغزشویی روی آنها انجام گرفته، داده‌اند.»

آتش‌سوزی در محله تاریخی «ساروجه» دمشق خشم سوری‌ها را برانگیخته است. به گزارش «الجزیره» سوری‌ها بامداد روز یکشنبه با مشاهده آتش‌سوزی در محله تاریخی ساروجه در دمشق لحظات سختی را با غم و اندوه و خشم سپری کردند.

شهروندان در رسانه‌های اجتماعی رژیم اسد را به ایجاد آتش‌سوزی عمدی یا دست‌کم سهل‌انگاری در حفاظت از این اماکن تاریخی و عدم برخورد مناسب با اینگونه حوادث که مدتی است به صورت مکرر اتفاق می‌افتد، متهم می‌کنند.

بر اساس این گزارش، رسانه‌های رسمی سوریه روز یکشنبه و دوشنبه هفته جاری درباره جزئیات این حادثه، گفتند که آتش‌سوزی در یکی از خانه‌های قدیمی در محله تاریخی نزدیک خانه عبدالرحمن یوسف (بیت الیوسف) رخ داد و پس از آن زبانه‌های آتش به خانه‌های نزدیک این خانه تاریخی سرایت کرد.

طبق این گزارش، آتش به خانه‌ها و بخشی از ساختمان‌های محله باستانی ساروجه دمشق از جمله کاخ «امیرالحج» در دمشق واقع در منطقه «عبدالعزیز رحمن پاشا یوسف» و خانه تاریخی «بیت الیوسف» و بخش‌هایی از خانه «خالد العظم» (خانه میراث دمشق) خسارات زیادی وارد کرد که به نابودی بخش بزرگی از این میراث فرهنگی در محله تاریخی «الحرملک» که مرکز اسناد تاریخی سوریه نیز در آن قرار دارد، منجر شد.

به دلیل اهمیت تاریخی، وجدانی و عاطفی این منطقه برای هزاران سوری میهن‌دوست که سال‌ها پیش به دلیل سرکوب توسط رژیم بعثی سوریه شهر تاریخی دمشق را ترک کرده‌اند و همچنین کسانی که هنوز در آنجا مانده‌اند، حادثه آتش‌سوزی باعث برانگیختن خشم گسترده‌ای در میان عموم سوری‌ها شد که در شبکه‌های اجتماعی بازتاب گسترده یافت. احمد معاذ الخطیب شخصیت سیاسی و نخستین رئیس ائتلاف مخالفان سوری در توئیتری نوشت: «این یک ویرانی سیستماتیک برای سوریه و محو هویت، سرزمین و مردم آن است؛ ویرانی‌ای که از نابودی «الغوطه» آغاز شد و اکنون با سوزاندن نیمی از محله تاریخی و بازار «ساروجه» دمشق به ویژه نقاط برجسته آن که مهم‌ترین آنها مرکز اسناد تاریخی با بیش از نیمی از تاریخ این کشور (۵ میلیون سند) و همچنین کاخ «عبدالرحمن پاشا الیوسف» امیر الحج در دوران امپراتوری

عثمانی را در خود جای داده است، ادامه دارد.»

البته الخطیب خاطر نشان کرد که اسناد اصلی در این آتش‌سوزی آسیب ندیده است. این اسناد حاوی اطلاعات تاریخی و باستانی قابل توجهی در مورد خاندان‌های کهن دمشق است. الخطیب از سازمان ملل متحد و یونسکو خواسته است تا یک استراتژی بین‌المللی برای حفاظت از این اسناد در برابر خرابکاری‌ها طراحی و اجرا کنند. وی همچنین از آنها خواست تا برای جلوگیری از وارد کردن خسارت بیشتر به میراث فرهنگی سوریه توسط رژیم اسد و شبه‌نظامیان فرقه‌ای اقدام کنند.

در سال‌های اخیر بارها محلات و بازارهای قدیمی دمشق دچار آتش‌سوزی‌های ویرانگر شدند. در سال ۲۰۱۶ بیش از هشتاد مغازه در چهارسوق «العصرونیه» نزدیک «حرم سیده رقبه» دچار آتش‌سوزی شد. چهارسوق مشهور الحمیدیه نیز در پایان همان سال قربانی یک آتش‌سوزی بزرگ شد. در ژوئیه ۲۰۱۷ آتش‌سوزی دیگری در «باب الجابیه» واقع در محله قدیمی دمشق رخ داد و در سال ۲۰۲۰ چهارسوق «البزوریه» نیز در همان محله قدیمی در آتش سوخت و خسارات مادی و ویرانی قابل توجه برجای گذاشت.

چه کسی از آتش زدن مکرر میراث تاریخی و اطلاعات ثبت شده مردم سود می‌برد؟

اسامه القاضی مخالف سوری در همین ارتباط در توئیتری نوشته است: «سوختن کاخ امیر الحج عبدالرحمن پاشا در محله ساروجه دمشق و محو کردن آثار و ویژگی‌های پایتخت امویان در سلسله‌ای از آتش‌سوزی‌های مشکوک در بازارها و مکان‌های دیدنی دمشق طی بیش از یک دهه امری طبیعی یا تصادفی به نظر نمی‌رسد.»

عبدالهادی العانی یکی دیگر از چهره‌های برجسته سوری در رسانه‌ها نیز با تأکید بر عمدی بودن آتش‌سوزی در «خانه اسناد تاریخی ساروجه» در توئیتری این پرسش را مطرح کرده که چه کسی واقعا از نابودی تمام این اطلاعات تاریخی مردم شام و سوریه سود می‌برد؟ چه کسی از ناپدید شدن آثار و

اطلاعات درباره هویت اصلی مردم شام منتفع می‌شود؟! این پرسش را کیهان لندن با دکتر عماد الحمد یکی از نویسندگان و مترجمان برجسته سوری در ابوظبی در میان گذاشته است. وی گفت: «از رژیم اسد و هم‌پیمان فرقه‌گرای آن که مساجد تاریخی ادلب و حماه و آثاری را که بیش از یک هزار سال عمر دارند در روز روشن تنها به دلیل تعصبات فرقه‌ای شیعی- سنی منهدم کردند، بعید نمی‌دانم که به آتش زدن این آثار که شناسنامه و شجره‌نامه خانواده‌های کهن دمشق را در خود جای داده است، دست بزنند اما با این حال سند یا مدرکی برای اثبات این موضوع هنوز در دست ندارم. با اینهمه با توجه به سابقه سیاه آنها این کار را بعید نمی‌دانم که عمداً این آثار را آتش زده باشند. البته این دهمین مورد از آتش زدن آثار و محلات تاریخی سوریه است به‌خصوص مساجد و عبادتگاه‌های تاریخی که در دوره امویان و پس از آنها ساخته شد و بیش از یک هزار سال عمر دارند! این آثار به دلیل هویت سنی خود مورد خشم و کینه‌توزی فرقه‌ای که یک ارنیه تاریخی مسمم‌کننده و انحرافی است و اکنون به وارثان خمینی در ایران رسیده، قرار گرفته‌اند.»

او افزود: «آثار تاریخی سوریه بیش از یک دهه یعنی از سال ۲۰۱۱ از زمان باز شدن پای شبه‌نظامیان مخرب و تروریست وابسته به رژیم جمهوری اسلامی به سوریه تا به امروز قربانی گفتمان فرقه‌ای که در اصل ضد هویت و آثار تاریخی و ملی مردم سوریه و همه ملل دیگر منطقه است، شد. آثاری که روح و طبیعت آنها وفق مراد اندیشه اقلیت حاکم بر سوریه یا گفتمان واپس‌گرای شیعه ولایت فقیهی خمینی نیست. رژیم ایران و داعش دو روی یک سکه‌اند و ما دیدیم که پس از اینکه داعش آثار باستانی «تدمر» را اشغال کرد آثار آن را یا نابود یا از طریق قاچاق فروخت پس از داعش نوبت شبه‌نظامیان وابسته به ایران رسید که با هدایت و نظارت مستقیم سپاه پاسداران اقدام به حفاری و سرقت آثار باستانی «تدمر» کردند. البته خیلی از رسانه‌های جهان جنایات سپاه در این مورد را گزارش کردند.»



برگزاری اردوهای موشکی و پهپادی وزارت آموزش و پرورش و سپاه پاسداران برای دانش آموزان



اردوی پهپادی و موشکی برای دانش آموزان

شده که با اینهمه فشارهای حداکثری و تحریم‌های گسترده چگونه فرزندان ایران اسلامی توانستند به این سطح رشد و پیشرفت در حوزه‌های تجهیزات دفاعی و نظامی برسند. وی پیشرفت‌های ارتش و سپاه در حوزه پهپادی را «قدرت‌ساز» توصیف کرد و توصیه کرده که «آموزش و پرورش می‌تواند این موضوع مهم را در کتب درسی دانش‌آموزان طرح‌ریزی و جامه‌پوش کند تا نوجوانان، جوانان و آیندگان این مرز و بوم از افتخارات عزتمند این نظام مظلوم مقتدر بیشتر بدانند و احساس غرور کنند.»

فرمانده نیروی دریایی سپاه ۱۱ تیرماه نیز با تأکید بر ضرورت حضور جوانان در اردوهای جهادی و نظامی گفته بود «اگر ناو و موشک نباشد، معیشتی هم نخواهیم داشت!»

وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی با همکاری نیروهای مسلح مدت‌هاست تلاش می‌کند در چارچوب مغزشویی‌های سیاسی- عقیدتی و سیستماتیک نظام، «پهپادسازی» را نیز به عنوان یک ارزش برای گروه‌های دانش‌آموزی در سراسر کشور تبلیغ و ترویج کند.

در همین ارتباط رئیس سازمان بسیج دانش‌آموزی مدعی است که هدف اصلی برگزاری «اردوهای راهیان پیشرفت» آشنایی دانش‌آموزان با دستاوردهای انقلاب اسلامی است. بررسی‌ها نشان می‌دهد بخشی از این اردوها شامل بازدید از مرکز پهپادی نیروی هوافضای سپاه در کاشان و سایت هسته‌ای نظنز در اصفهان می‌شود.

قلعه‌الرحبه در نزدیکی المیادین می‌شود که قدمت آن نیز به دوره اول بابلی‌ها باز می‌گردد. بازار زیرزمین در شهر دیر الزور و بسیاری اماکن دیگر در حومه شرقی استان دیر الزور نیز مورد تاراج شبه‌نظامیان فرقه‌ای قرار گرفته‌اند.

● در تهران واحدهای تبلیغاتی سپاه پاسداران انقلابی اسلامی با همکاری وزارت آموزش و پرورش برای دانش‌آموزان «اردوهای راهیان پیشرفت و امید» برگزار می‌کنند. محور این اردوها نمایش توانمندی‌ها و تجهیزات موشکی و پهپادی نیروهای مسلح است.

● سردار تنگسیری فرمانده نیروی دریایی سپاه می‌گوید پیشرفت‌های پهپادی و موشکی «قدرت‌ساز» است و «آموزش و پرورش می‌تواند این موضوع مهم را در کتب درسی دانش‌آموزان طرح‌ریزی و جامه‌پوش کند تا نوجوانان و جوانان احساس غرور کنند.»

در تهران واحدهای تبلیغاتی سپاه پاسداران انقلابی اسلامی با همکاری آموزش و پرورش برای دانش‌آموزان «اردوهای راهیان پیشرفت و امید» برگزار می‌کند. محور این اردوها نمایش توانمندی‌ها و تجهیزات موشکی و پهپادی نیروهای مسلح است.

به نظر می‌رسد حکومت کارزار تازه‌ای برای تبلیغ و تبیین ضرورت توسعه انواع پهپادها و موشک‌های بالستیک را برای نسل جوان در ایران به راه انداخته است. بخشی از این کارزار پیوند زدن موشک و پهپاد با زندگی مردم است!

سردار پاسدار علیرضا تنگسیری فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روز چهارشنبه ۲۸ تیرماه در جریان بازدید از یگان فرماندهی پهپاد نیروی دریایی سپاه گفت، «بحمدالله پهپادهای منحصر به فردی در نیروی دریایی سپاه طراحی و ساخته می‌شود به گونه‌ای که دشمن متعجب

روستای الشمیطیه در حومه غربی دیرالزور را که قدمت آن به دوران اول ایران باستان باز می‌گردد نیز در امان نگذاشتند. همچنین دیگر مناطق باستانی که توسط شبه‌نظامیان وابسته به جمهوری اسلامی تخریب و حفاری شده، شامل تپه

این نویسنده سوری همچنین اظهار داشت «محو هویت سوریه با قتل یک میلیون سوری خامه نیافته بلکه شبه‌نظامیان رژیم ایران به ویژه سپاه پاسداران به همراه رژیم بشار اسد در یک فرآیند تغییر جمعیتی در سوریه که اکثریت آن سنی است، از طریق درگیری‌های جاری، حضور سیاسی و ابزار نظامی، قتل و جابجایی‌های گسترده‌ای انجام داده‌اند. آنها با اجرای برنامه‌های پنهانی برای تغییر ترکیب جمعیت، شهرها و مناطق را با استفاده از روش‌های مختلف تطمیع و ارباب، از هویت واقعی خالی می‌کنند. آنها تقریباً ۹ میلیون سوری سنی‌مذهب را وادار به فرار و ترک خانه‌ها و سرزمین‌هایشان در ادلب، حلب، القصیر، درعا، الرقه، حمه و دیر الزور کرده‌اند و زمین‌های آنها را به شبه‌نظامیان افغان (فاطمیون) شیعیان عراق و پاکستان (زینیبون) و شیعه‌شدگان جدید از آفریقا و دیگر مناطق جهان که به ایران رفته و عملیات مغزشویی روی آنها انجام گرفته، داده‌اند.»

الشرق الاوسط: شبه‌نظامیان جمهوری اسلامی در دیرالزور آثار باستانی سوریه را می‌دزدند

در همین ارتباط، روزنامه فرماندهی‌های الشرق الاوسط در ژانویه ۲۰۲۲ طی گزارشی به نقل از دیده‌بان حقوق بشر سوریه، از سرقت آثار باستانی سوریه در دیر الزور توسط شبه‌نظامیان وابسته به رژیم ایران خبر داده بود.

این روزنامه نوشت، پس از بغرنج شدن وضعیت اقتصادی و مالی رژیم ایران، سپاه پاسداران و شبه‌نظامیان وابسته به آن مستقر در سوریه اقدام به قاچاق آثار باستانی این کشور به ویژه در استان دیر الزور در شرق سوریه جهت تامین منابع مالی خود کردند.

این روزنامه به نقل از دیده‌بان حقوق بشر سوریه نوشت، شبه‌نظامیان اخباربرای کسب درآمد و تامین مالی امورات خود، بسیاری از اماکن باستانی را غارت کرده و به سرقت برده‌اند و از برجسته‌ترین مکان‌هایی که توسط این شبه‌نظامیان غارت شده و می‌شود، آثار باستانی «بقرص» و «تل المبرایت» است که در حومه شرقی واقع در ۴۰ کیلومتری مرکز شهردیرالزور واقع شده است.

گزارش تلویزیون «سوریا» از حضور شبه‌نظامیان وابسته به رژیم ایران در مناطق آثار باستانی «تدمر»:

به نوشته «شرق الاوسط»، صدها اثر تاریخی در شهرهای قدیمی، غارها، تپه‌ها، مقبره‌ها و غیره در کرانه‌های رودخانه‌های خابور و فرات در شمال و شرق سوریه پراکنده هستند. این آثار تاریخی و فرهنگی همگی ویژگی‌های آرامی، رومی، اسلامی و ماقبل تاریخ دارند که در دهه گذشته و طی جنگ داخلی سوریه مورد غفلت و خرابکاری سیستماتیک همه نیروهای حاضر از جمله نظامیان تحت کنترل رژیم اسد، شبه‌نظامیان وابسته به رژیم ایران قرار گرفته است. پیش از تسلط شبه‌نظامیان فرقه‌ای رژیم ایران نیز این مناطق تحت کنترل داعش بوده که آنها نیز بسیاری از آثار تاریخی را دزدیده و به یغما برده و یا نابود کرده‌اند.

به نوشته این روزنامه، سازمان حقوق بشر سوریه گفته است که شبه‌نظامیان وابسته به رژیم ایران تمام آثار «تله العشاره» را که قدمت آن به دوران بابلی‌های اول برمی‌گردد و در حومه شرقی سوریه قرار دارد، دزدیدند. آنها با احداث کارگاه‌هایی عملیات حفاری و نبش برای در آوردن آثار را آغاز کرده و با کامیون‌ها این آثار را از طریق مرزهای زمینی به عراق برده و سپس به صورت قاچاق می‌فروشند. آنها آثار الصالحیه در البوکمال را که به دوران اول بابلی‌ها برمی‌گردد و تل طابوس در نزدیکی

نامه اعتراض منوچهر بختیاری از زندان قزوین به دادستان کرج



● منوچهر بختیاری: وجود دیکتاتوری و استبدادی شما روی مستبدان اعصار گذشته و قلداران قرون وسطا را سفید ساخته است و حاضر به شنیدن حرف حق انسان زنده دارای تفکر مستقل و دادخواه خون فرزند و مخالف رژیم نیستید و قصه خاموش کردن فریاد دادخواهی او را داشته و دارید. ولی فریاد رسای دادخواهی و احقاق و مطالبه حق هرگز خاموش شدنی نیست و گریبان ظالم را خواهد گرفت.

منوچهر بختیاری، پدر پویا بختیاری از جانب‌خاستگان آبان ۹۸، که به تکرار دستگیر شده و در مورد آخر از ۹ اردیبهشت ۱۴۰۰ در زندان بسر می‌برد، در نامه‌ای که با برگه رسمی «داسرای انقلاب» به حسن مددی دادستان استان البرز فرستاده، خواستار «رفع محرومیت ملاقات و تماس تلفنی» و آزادی شده است.

وی در این نامه با اشاره به اینکه به اتهام دادخواهی به سه سال و نیم حبس و چهار سال تبعید محکوم شده نوشته است: «احتراما معروض می‌دارد اینجانب که به جرم دادخواهی و اعتراض به خون پایمال شده فرزند بر اساس یک دادگاه فرمایشی محکوم و از تمامی حقوق قانونی و انسانی محروم شده و مدت و دوسال و اندی است در اسارت رژیم بسر می‌برم بر اساس دستور اکید جنابعالی تماس تلفنی در حضور شخص ثالث (حفاظت اطلاعات زندان) انجام شود که این رفتار و عمل غیرقانونی، غیرانسانی و حتی غیرشرعی که زمامداران مدعی پیاده کردن آن هستند، موجب اختلال روحی و روانی و سلب آسایش و راحتی و حق آزادی بیان و حقوق مسلم اسیر به اجبار گردیده است، لذا به جنابعالی و زمامداران رژیم و عوامل توصیه می‌کنم از اعمال و رفتارهای اهریمنی دست کشیده و به اجرای قانون و ارزش‌های انسانی و حقوق بشر کردن نهید که به هیچ وجه استفاده از زور، تهدید و شکنجه و ارباب و بی‌قانونی نتیجه‌ای نخواهد داشت. وجود دیکتاتوری و استبدادی شما روی مستبدان اعصار گذشته و قلداران قرون وسطا را سفید ساخته است و حاضر به شنیدن

طرح تحقیق و تفحص از سازمان اوقاف، یکی از فاسدترین نهادهای جمهوری اسلامی، تصویب شد

● نمایندگان مجلس شورای اسلامی با ۱۷۰ رأی موافق، ۱۸ رأی مخالف و یک رأی ممتنع با طرح تحقیق و تفحص از سازمان اوقاف موافقت کردند.
● «شفاف‌سازی موضوعات مالی اداره اوقاف» و همچنین بررسی علت عدم پاسخگویی مدیران اوقاف به دستگاه‌های مختلف درآمدهای اوقاف و امور خیریه و نحوه هزینه کرد آن در سطح کشور، نیز دو محور آخر این طرح هستند.
● طرح تحقیق و تفحص از سازمان اوقاف در حالی که بیش از یک دهه می‌شود که مطرح است اما در هفته‌های گذشته و پس از دو رسوایی بزرگ درباره تخلفات این سازمان مورد توجه قرار گرفت.

طرح تحقیق و تفحص از سازمان اوقاف در جلسه علنی امروز مجلس شورای اسلامی با ۱۷۰ رأی موافق تصویب شد. بر اساس این طرح درآمدها، نحوه هزینه‌کرد آن و موقوفات رهاشده سازمان اوقاف و امور خیریه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی در نشست علنی امروز سه شنبه ۲۷ تیر ۱۴۰۲ گزارشی تقاضای تحقیق و تفحص از عملکرد سازمان اوقاف و امور خیریه کشور را ارائه کرد. در ادامه نشست، نمایندگان با ۱۷۰ رأی موافق، ۱۸ رأی مخالف و یک رأی ممتنع با این طرح موافقت کردند. احمد راستینه سخنگوی کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی در نشست امروز ۱۸ محور این تحقیق و تفحص را توضیح داد.

«چرا موقوفات بسیار زیاد واقفین بدون برنامه رها شده است، برنامه سازمان در ذنورات چند صد میلیارد تومانی مردم در بقاع متبرکه چیست؟»، «گزارشی از مصادیق، میزان و نحوه سرمایه‌گذاری اوقاف طی ۵ سال اخیر، از محل اعتبارات دولتی و موقوفات و بقاع متبرکه و سایر»، «گزارش از مصادیق، میزان و نحوه هزینه‌کرد حق نظاره و حق التصدی که به شکل متمرکز در دست ریاست سازمان قرار می‌گیرد و طی پنج‌سال گذشته»، «گزارش مبسوط از رقبه‌ها و موقوفاتی که سالیان سال است به ثمن بخص در اختیار افراد ذی نفوذ و غیر مرتبط قرار گرفته است.» و «گزارش مبسوط از میزان مبالغ موجود در حساب‌های بانکی ادارات کل و سازمان که ماه‌ها است در بانک‌ها رسوب یافته است» پنج محور نخست طرح تحقیق و تفحص از سازمان اوقاف است.

حرف حق انسان زنده دارای تفکر مستقل و دادخواه خون فرزند و مخالف رژیم نیستید و قصه خاموش کردن فریاد دادخواهی او را داشته و دارید. ولی فریاد رسای دادخواهی و احقاق و مطالبه حق هرگز خاموش شدنی نیست و گریبان ظالم را خواهد گرفت. لذا خواهان آزادی و رفع محرومیت ملاقات و تماس آزاد با خانواده دارم.»

رونوشت این نامه نیز که با عبارت «منوچهر بختیاری زندانی تبعیدی در زندان مرکزی قزوین» امضا شده خطاب به دادستانی استان قزوین است.

این پدر دادخواه نیز مانند بسیاری از زندانیانی که با اتهامات واهی سیاسی دستگیر شده‌اند از داشتن وکیل محروم بوده است. ناهید شیرپیشه مادر پویا بختیاری نیز در ۲۰ تیر ۱۴۰۱ بازداشت و به زندان «کچویی» کرج منتقل شد. او نیز پس از مدتی که به زندان زنجان تبعید شد از ملاقات و تماس تلفنی با خانواده محروم شده است.





→ کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی همچنین خواستار «گزارش از نحوه و چگونگی هزینه کرد حفظ عین و علت افزایش آن و مصادیق هزینه کرد آن»، «گزارش از نحوه و چگونگی نظارت بر عملکرد هزینه‌های اعتبارات غیر دولتی اوقاف طی ۵ سال گذشته»، «گزارش شیوه قیمت گذاری موقوفات جهت واگذاری به اشخاص اعم از مشارکت، اخذ پذیره یا اجاره و یا سایر»، «گزارش از نحوه، مصادیق و میزان هزینه کرد نذورات مردم در بقاع متبرکه طی پنج‌سال گذشته»، «ارائه گزارش عملکرد در خصوص احیاء ده‌ها میلیارد تومان موقوفات رها شده در کشور» و «گزارش از نحوه، مصادیق و میزان هزینه کرد عایدات موقوفات کشور طی پنج‌سال گذشته» شده است.

این طرح همچنین در محورهای بعدی «مصادیق و میزان وصول عایدات موقوفات در اختیار دولت و در صورت عدم وصول علت عدم وصول آن»، «چگونگی مدیریت طی پنج‌سال اخیر جهت کاهش نارضایتی مردم از عملکرد صف و ستاد سازمان اوقاف»، «موقوفات و املاک سایر مواردی که بصورت ترک تشریفات در کمیسیون املاک در سطح کشور و بویژه استان تهران که به اشخاص حقیقی یا حقوقی واگذار شده همراه با نام اشخاص حقیقی و حقوقی و مستندات کارشناسی شده آن طی پنج‌سال گذشته»، «میزان کمک‌های بلاعوض به سازمان‌ها، نهادهای فرهنگی مذهبی و علمی طی پنج‌سال گذشته» را خواستار شده است.

تعیین تکلیف باغ موقوفه مدرسه علمیه سعدیه رامیان و موقوفات استان گلستان و نحوه هزینه کرد درآمدهای آن» از دیگر محورهای این طرح است.

«شفاف‌سازی موضوعات مالی اداره اوقاف» و همچنین بررسی علت عدم پاسخگویی مدیران اوقاف به دستگاه‌های مختلف درآمدهای اوقاف و امور خیریه و نحوه هزینه کرد آن در سطح کشور» نیز دو محور آخر این طرح هستند. طرح تحقیق و تفحص از سازمان اوقاف در حالی که بیش از یک دهه می‌شود که مطرح است اما در هفته‌های گذشته و پس از دو رسوایی بزرگ درباره تخلفات این سازمان مورد توجه قرار گرفت.

ماه گذشته مشخص شد یکی از بزرگترین موقوفات چند صد هکتاری استان قزوین، با نام حسینیه امینی‌ها به عروس حجت‌الاسلام مهدی خاموشی رئیس سازمان اوقاف کشور واگذار شده است. این کاخ تاریخی با چند صد هکتار زمین و باغ با اجاره ناچیز حدود ۹۰۰ هزار تومان و به اسم «اجاره» در اختیار این فرد قرار گرفته است.

مهدی خاموشی از ملایان نزدیک به رهبر جمهوری اسلامی و فرزند تقی خاموشی، از مؤسسين هیئت مولف‌ه اسلامی و نماینده تهران در اولین دوره مجلس شورای اسلامی است. مهدی خاموشی با حکم علی خامنه‌ای از سال ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۹۷ رئیس سازمان تبلیغات اسلامی بود و پس از آن، با حکم دیگری از رهبر جمهوری اسلامی به عضویت هیئت امنای اداره کل اوقاف و امور خیریه کشور و ریاست این اداره درآمد.

روابط عمومی اداره کل اوقاف و امور خیریه استان قزوین نیز ساعاتی پیش با صدور بیانیه‌ای در حالی که نتوانسته واگذاری این بنای تاریخی به عروس رئیس اداره اوقاف و امور خیریه کشور را تکذیب کند، با پذیرش آن مدعی شد که واگذاری «بدون دخالت ریاست سازمان» صورت گرفته است!

موقوفات حسینیه امینی‌ها چندصد هکتار زمین کشاورزی، باغ و یک دامداری با هزار رأس دام زنده دارد که سالانه صدها میلیون تومان درآمد در پی دارد. همچنین در روزهای گذشته خبر دیگری منتشر شد که

سازمان اوقاف شدند.

اول تیرماه جاری خبری منتشر شد که نشان می‌داد با وجود امضای ۱۴۱ نماینده پای طرح، سردار پاسدار محمد قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی با این طرح مخالف است و برای اجرا نشدن آن کارشکنی می‌کند.

هادی بیگی‌نژاد نماینده ملایر از موافقان این طرح درباره محتوای آن گفته که «بررسی‌ها برای هر شهری جداگانه انجام می‌شود، در هر استان، سازمان اوقاف مشکلات مخصوص به خود را دارد. زمانی که تحقیق و تفحص انجام شود، ممکن است مشخص شود بسیاری از ابهامات و حاشیه‌های مطرح شده پیرامون سازمان اوقاف از نظر حقوقی و فقهی درست بوده‌اند و اگر تعدادی از مدیران اوقاف ایراد دارند و تخلف کرده‌اند آنها باید پاسخگو باشند.»

هادی بیگی‌نژاد توضیح داده که در جلسه روز چهارشنبه آخر خرداد در مجلس شورای اسلامی محمدباقر قالیباف پشت تریبون مجلس اعلام کرد به دلیل اختلاف نظرهایی که از نظر حقوقی و فقهی وجود داشت، این تحقیق و تفحص اعلام وصول نشده است.

نماینده ملایر معتقد است که «آقای قالیباف ماجرا را نگه داشتند تا بتوانند تحقیق و تفحص را با آن ابهامات همراه کنند. اما چون زمان آن طولانی شد، تصمیم گرفته شد تحقیق و تفحص هم انجام و این ابهامات شرعی و سیاسی هم جداگانه دنبال شود.»

این نماینده در پاسخ به این پرسش که نهایتاً آیا تحقیق و تفحص در دستور کار قرار گرفت یا نه، گفته که «در دستور کار گرفته است، اینکه چه زمانی در دستور کار قرار گرفته است، ممکن است یک هفته یا دو هفته یا بیشتر شود. پس از رای‌گیری، هیات رییسه تحقیق و تفحص و سایر اعضای مورد نظر انتخاب می‌شوند.»

به نظر می‌رسد یکی از دلایل ایستادگی محمدباقر قالیباف در مقابل این طرح، رابطه نزدیک و تنگاتنگ مهدی خاموشی رئیس سازمان اوقاف و امور خیریه با علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی بوده است اما در هر حال این رأی با اکثریت آرا امروز تصویب شد و باید دید نتیجه آن از فسادهای گسترده این سازمان زیر نظر علی خامنه‌ای پرده برخواهد داشت یا نه.

نشان می‌داد موقوفه گوهرشاد، بزرگترین و پردرآمدترین موقوفه استان «خراسان رضوی» که بیش از هزار هکتار زمین در مشهد و ۵۷۰۰ زمین سنددار در شهرستان چناران دارد به احمد علم الهدی امام جمعه مشهد و پدر همسر ابراهیم رئیسی رئیس دولت سیزدهم واگذار شده است.

بر اساس سندسازی انجام شده برای قانونی جلوه دادن چنین فساد، ۱۰ درصد از درآمد و عایدی این موقوفه به عنوان «حق تولیت» به احمد علم الهدی پرداخت می‌شود؛ این در حالیست که از مدت‌ها پیش از تولیت علم الهدی بر این موقوفه، مبالغ هنگفتی از درآمد همین موقوفه به حساب وی ریخته می‌شده است.

قابل توجه اینکه امام جمعه مشهد در پاسخ به یک وکیل دادگستری در اینباره، موضوع تولیت در این موقوفه را یک «موضوع شخصی» خوانده است!

وحید اشتری فعال رسانه‌ای که از این خبر پرده برداشت، در رشته توثیقی نوشته بود که «سال ۹۶ با نظر اداره تحقیق اوقاف خراسان، یکی از بزرگترین موقوفات مشهد به آقای علم الهدی واگذار شده است. برای فهم عظمت این موقوفه واگذار شده (گوهرشاد) فقط بدانید که بیش از هزار هکتار زمین در مشهد دارد و فقط در چناران ۵۷۰۰ رقبه سنددار دارد.»

و در ادامه نوشته که «ناگفته پیداست با چه درآمد هنگفت و عایدی عجیب و غریبی مواجهیم. قابل توجه اینکه طبق وقفنامه ۱۰ درصد همین درآمد هنگفت، به عنوان حق تولیت به «آقای علم الهدی» می‌رسد! و ۱۰ درصد دیگر جهت پرداخت دستمزد عوامل و کارکنان در نظر گرفته شده است. مابقی درآمد باید طبق اهداف وقفنامه هزینه شود.» بر اساس این توضیحات، علم الهدی به محض اینکه متولی موقوفه می‌شود یک شماره حساب متعلق به خودش در بانک تجارت شعبه چهارراه لشکر مشهد برای واریز ۱۰ درصد حق تولیت معرفی می‌کند. همچنین یک وکالتنامه به خود اوقاف خراسان می‌دهد و انجام کلیه امور مالی، اداری، حقوقی و قضایی را به خودش واگذار می‌کند.

پس از افشای خبر اجاره حسینیه امینی‌ها در قزوین به عروس رئیس سازمان اوقاف، بار دیگر شماری از نمایندگان خواستار رأی‌گیری نمایندگان درباره طرح تحقیق و تفحص از

بازنشستگی اجباری و اخراج ۱۰۰ پزشک بیانیه مجمع انجمن‌های علمی پزشکی ایران



کرده‌ایم قصد اصلی این است که بجای استادان صاحب‌نام و پیشکسوت که تفکرات مخالف یا مستقل از تفکرات وزیر بهداشت و رؤسای دانشگاه‌های علوم پزشکی دارند و چهره‌های برتر در آموزش پزشکی کشور محسوب می‌شوند، فارغ‌التحصیلانی با تفکرات نزدیک به بسیج جامعه پزشکی و وزیر بهداشت در هیات علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی جایگزین شوند که این رویکرد حتما در کیفیت آموزش پزشکی و ترکیب هیات علمی دانشگاه‌ها تأثیرات منفی جبران‌ناپذیر خواهد داشت.»

به گفته این منبع آگاه، از سال گذشته در دستورالعمل جدید جذب داوطلبان عضویت در هیئت علمی، تأکیدات قانون جوانی جمعیت و تعداد فرزندان و وضعیت تأهل داوطلبان نسبت به مدارج علمی و دانش داوطلبان در اولویت قرار گرفت و این منبع آگاه می‌گوید: «حتما برای تغییر ترکیب هیات علمی دانشگاه‌ها و یکدست کردن تفکرات اعضای هیات‌های علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور، برنامه‌ریزی‌های جدی در دستور کار دولت سیزدهم قرار داشته که حالا نتایجش را شاهدیم و البته رخدادهای پاییز پارسال و خودداری برخی استادان از تشکیل و برگزاری کلاس درس و همراهی با اعتراضات مردمی، در جدیت وزارت بهداشت برای یکدست کردن فضای فکری هیات علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور که باید از آن به عنوان کودتای خزنده یاد کنیم، بی‌تأثیر نبوده است.»

یکی از مسائل قابل توجه، کمبود اعضای هیئت علمی در تخصص‌های پزشکی و همچنین دشوار بودن جایگزین کردن افراد آکادمیک با پزشکانی است که اخراج یا به صورت اجباری بازنشسته شده‌اند.

کار کند، حتی اگر زمان بازنشستگی او رسیده باشد. ماجرا، اما به اینجا محدود نمی‌شود و در کنار این برخوردها، به تعدادی از بازنشسته‌ها اجازه ورود به بیمارستان را هم نداده‌اند.»

بابک زمانی تأیید کرده که بیشتر این پزشکان افرادی بودند که در واکنش به اتفاقات ماه‌های گذشته «در قالب امضای بیانیه‌هایی که از سوی انجمن‌های پزشکی نوشته شده، مشارکت داشتند.» با اینهمه به گفته او هنوز نه وزارت بهداشت و نه سازمان نظام پزشکی توضیحی درباره اخراج‌ها و بازنشسته کردن اجباری این پزشکان نداشته‌اند.

علی تاجرنیا عضو هیئت مدیره مجمع انجمن‌های علمی گروه پزشکی ایران نیز به «هم‌میهن» گفته که «موضوع اخیر، رنگ و بوی سیاسی دارد. اینگونه به نظر می‌رسد که به دنبال یک نوع انقلاب فرهنگی مجدد هستند. بعضی در تلاشند تا اساتید قدیمی و با سابقه را کنار بگذارند، به ویژه افرادی که استقلال رأی دارند، با افرادی جایگزین شوند که با استانداردهای موجود این دولت هماهنگ‌اند، اما الزاما این افراد نمی‌توانند جانشینان شایسته‌ای برای آنها که رفته‌اند، باشند.»

علی تاجرنیا معتقد است این مسئله فراتر از یک برخورد نسبت به مسائل مربوط به نیمه دوسال ۱۴۰۱ است و می‌گوید: «من یک نوع تغییر بنیادین در شاکله آموزش پزشکی کشور و کسانی که در این حوزه تدریس می‌کنند، می‌بینم. می‌خواهند نگاه‌های سنتی و ایدئولوژیک را بر نگاه‌های مبتنی بر شواهد جایگزین کنند.»
روزنامه «اعتماد» هم درباره اخراج سازمانیافته پزشکان به نقل از یک منبع آگاه نوشته که «طبق اطلاعاتی که کسب

● بیشتر این پزشکان افرادی هستند که در واکنش به اتفاقات ماه‌های گذشته در امضای بیانیه‌هایی که از سوی انجمن‌های پزشکی نوشته شده، مشارکت داشتند.

● هنوز نه وزارت بهداشت و نه سازمان نظام پزشکی توضیحی درباره اخراج‌ها و بازنشسته کردن اجباری این پزشکان نداشته‌اند.

● آمار دقیقی از تعداد افرادی که دچار این مشکل شده‌اند وجود ندارد چرا که از آمار استان‌ها خبری در دست نیست اما بیشترین میزان مربوط به تهران بوده است.

در دو هفته گذشته دست‌کم ۱۰۰ پزشک عضو «هیئت بودرد تخصصی» اخراج یا به صورت اجباری بازنشسته شدند. همچنین به تعدادی از پزشکان بازنشسته شده اجازه ورود به بیمارستان را هم نداده‌اند. پزشکان اخراجی یا بازنشسته شده در ماه‌های گذشته بیانیه‌هایی در رابطه با خیزش ملی را امضا کرده بودند.

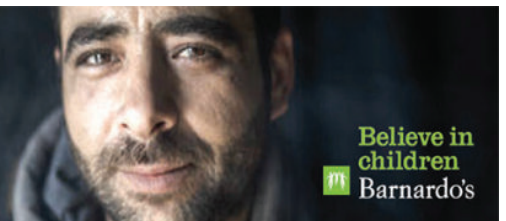
در پی اخراج و بازنشستگی اجباری دست‌کم ۱۰۰ پزشک متخصص طی دو هفته گذشته روزنامه «هم‌میهن» در گزارشی نوشته بررسی‌ها نشان می‌دهد بیشتر این پزشکان افرادی هستند که در واکنش به اتفاقات ماه‌های گذشته در امضای بیانیه‌هایی که از سوی انجمن‌های پزشکی نوشته شده، مشارکت داشتند.

بابک زمانی عضو هیئت مدیره مجمع انجمن‌های علمی گروه پزشکی ایران در گفتگو با «هم‌میهن» با اشاره به اینکه بیش از ۱۰۰ نفر از پزشکان با بازنشستگی اجباری یا اخراج از «هیئت بودرد» مواجه شده‌اند گفته «این در حالیست که طبق قانون تا زمانی که فرد بخواهد می‌تواند فعال باشد و

Boloh مشاوران سازمان کمک‌دهنده

با تسلط به زبان مادری شما، همواره آماده همکاری و کمک به متقاضیان بزرگسال پناهندگی در بریتانیا هستند.

لطفاً با شماره تلفن:
۰۸۰۰۱۵۱۲۶۰۵
تماس بگیرید.



Believe in
children
Barnardo's

تماس تلفنی جمشید شارمهد با خانواده‌اش پس از پنج ماه

غزاله شارمهد: نگرانیم، آیا این تماس خداحافظی بود؟!



پوستر جمشید شارمهد در تجمع ایرانیان در دروازه براندنبرگ برلین / عکس: کیهان لندن

بیرون بیارین.»

غزاله شارمهد در ادامه می‌نویسد «نگران کننده این بود که او از دنیای بیرون و حکم اعدام خود که پنج ماه پیش اعلام شده بود بی‌خبر بود. دلیل دیگری بر اینکه این حکم ناعادلانه صرفاً سیاسی است، زیرا در کجای دنیا متهمی اجازه ندارد از حکم خود مطلع شود؟»

وی خطاب به صدراعظم آلمان گفته «آقا شولز، شهروند شما، پس از هزار روز در سلول انفرادی و محاکمه‌های نمایشی روده، شکنجه و به اعدام محکوم شد، برای نجات او چه می‌کنید؟»

غزاله در پایان می‌نویسد: «وقتی به پدرم گفتم که بعد از سه سال گروگانگیری و حکم اعدام قریب الوقوع، دولت ما خواهان آزادی او نیست، بلکه فقط خواستار یک حکم جدید است، او مات و مبهوت ماند و خندید. تاکید کرد: امید من به اروپا و آمریکا است، هیچکس دیگری نمی‌تواند جان من را نجات دهد.»

جمشید شارمهد مدیر رادیو «تندر» در تابستان سال ۱۳۹۹ در جریان سفری به دوی توسط مأموران جمهوری اسلامی ربوده و به ایران منتقل شد. هرچند دخترش می‌گوید او در مسیر پرواز از فرانکفورت به بمبی بود که ربوده شد.

غزاله شارمهد هفتم اردیبهشت ماه در مصاحبه با کیهان لندن گفت «پدرم را قبل از ربودن و حکم اعدام می‌خواستند در آمریکا ترور کنند.»

مسعود ستایشی سخنگوی قوه قضائیه جمهوری اسلامی در نشست خبری روز چهارشنبه ۶ اردیبهشت ۱۴۰۲ خبر داد که حکم اعدام جمشید شارمهد در دیوان عالی کشور تأیید شده «پس از ابلاغ به دادگاه اقدامات اجرایی متعاقباً صورت خواهد پذیرفت.»

● غزاله شارمهد دختر جمشید شارمهد زندانی سیاسی ایرانی- آلمانی محکوم به اعدام، ۲۵ تیرماه خبر داد که پدرش بعد از پنج ماه برای اولین بار از زندان اوین با وی تماس گرفته است.

● او این تماس را «نگران کننده» دانست و نوشت برقراری چنین تماسی پس از دو سال محرومیت از تماس با من ترسناک است. غزاله شارمهد نگران است که این تماس برای «خداحافظی» بوده باشد.

● غزاله در توییتری روایت می‌کند «وقتی به پدرم گفتم که بعد از سه سال گروگانگیری و حکم اعدام قریب الوقوع، دولت ما خواهان آزادی او نیست، بلکه فقط خواستار یک حکم جدید است، او مات و مبهوت ماند و خندید. تاکید کرد: امید من به اروپا و آمریکا است، هیچکس دیگری نمی‌تواند جان من را نجات دهد.»

غزاله شارمهد دختر جمشید شارمهد زندانی سیاسی ایرانی- آلمانی محکوم به اعدام، ۲۵ تیرماه خبر داد که پدرش بعد از پنج ماه برای اولین بار از زندان اوین با وی تماس گرفته است.

او این تماس را «نگران کننده» دانست و نوشت برقراری چنین تماسی پس از دو سال محرومیت از تماس با من ترسناک است. غزاله شارمهد نگران است که این تماس برای «خداحافظی» بوده باشد.

وی در یک رشته توییتر نوشت «صدای او ضعیف بود، به شدت بیمار بود و بیش از هزار روز در سلول انزوا با درد و وحشت تنها بود. سینه‌اش در گرمای تابستان درد می‌کند. برای اولین بار به من می‌گوید: «خسته‌ام غزال، الان تقریباً سه سال است، به اندازه طول عمر دخترت؛ مرا از اینجا

بایک زمانی در اینباره توضیح داده که «پیش از این بطور پراکنده این اتفاقات می‌افتاد، اما اینکه همزمان این تعداد را بطور اجباری بازنشسته کنند یا از هیئت‌های اخراج کنند، سابقه نداشته است؛ هیئت‌های اخراج برای هر رشته اهمیت زیادی دارند، در این هیئت‌ها، سوالات امتحانات پایان دوره دستگیری طرح می‌شود، بنابراین آنها تعیین می‌کنند چه کسی متخصص شود و چه کسی نشود. از این رو از نظر علمی این هیئت‌های اخراج اهمیت زیادی دارند. اما حالا آمده‌اند تعدادی از اعضای هیئت‌های اخراج را که هنوز دوره‌شان تمام نشده بود اخراج کردند، برخی از آنها از دانشگاه‌های مهم «شهید بهشتی» و «ایران» و «تهران» بوده‌اند.»

بایک زمانی توضیح داده این افراد پزشکان برجسته و از اساتید رشته‌های خودشان بودند و با وجود امضای بیانیه‌هایی پس از اعتراضات سال گذشته اما این افراد اصلاً سیاسی نیستند. به گفته این پزشک، این اتفاق در شرایطی رخ می‌دهد که هیئت‌های علمی بیمارستان‌ها از خیلی قبل‌تر از نظر تعداد، پایین‌تر از استانداردهای بین‌المللی هستند؛ یعنی بجای ۱۵ تا ۱۶ عضو هیئت علمی، تنها ۵ تا ۶ عضو هیئت علمی در دانشگاه‌ها وجود دارد: «در سال‌های اخیر تعداد اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی به شدت کم شده است، خیلی از آنها اقدام به مهاجرت کرده‌اند، بطور کلی بخش‌های آموزشی با کمبود هیئت علمی مواجه‌اند و در چنین وضعیتی است که اقدام به بازنشستگی اجباری این افراد می‌کنند و جایگزینی هم برای آن ندارند.»

این پزشک تأکید می‌کند که آمار دقیقی از تعداد افرادی که دچار این مشکل شده‌اند وجود ندارد چرا که از آمار استان‌ها خبری در دست نیست اما بیشترین میزان مربوط به تهران بوده است.

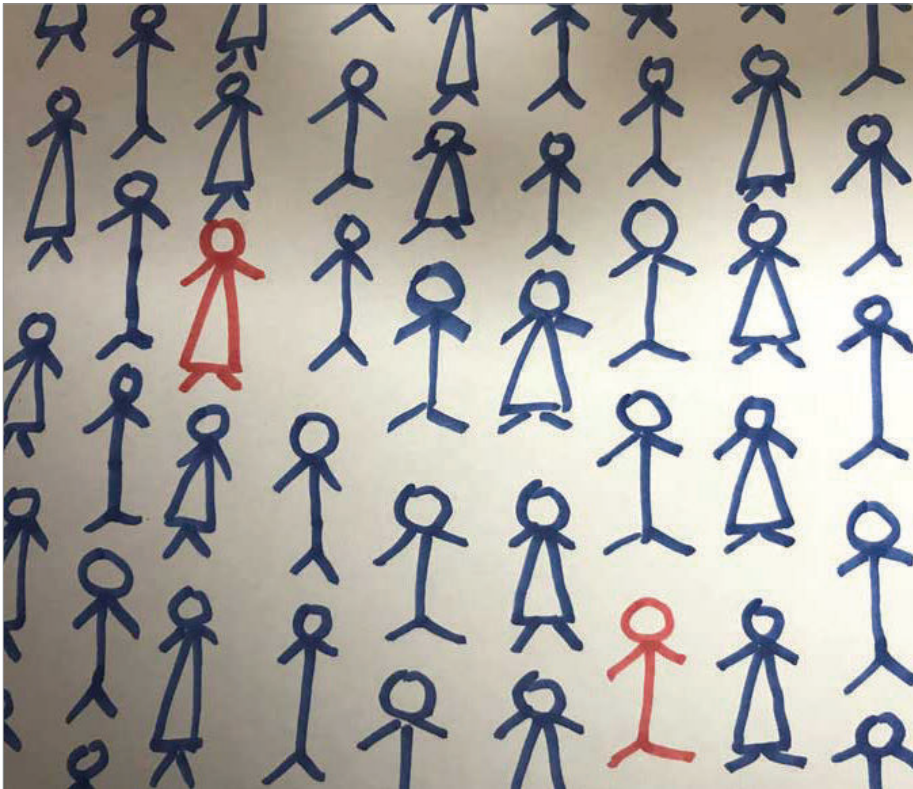
انجمن‌های علمی گروه پزشکی ایران نیز با صدور بیانیه‌ای به اخراج و بازنشستگی اجباری اساتید تخصص پزشکی اعتراض کرده است. در این بیانیه آمده که «آنچه بیش از اخراج‌ها جامعه دانشگاهی را نگران می‌کند، عواقب غلبه تفکراتی است که منافع سیاسی را بر بنیادهای علمی ترجیح می‌دهند» و «این سرمنشاء خالی شدن کشور از دانش در تمام شئون است.»

در بخشی از این بیانیه آمده که «جامعه پزشکی ایران، سخت نگران اخبار باور نکردنی حاکی از برنامه‌های هماهنگ برای کنار گذاشتن اساتید برجسته از هیئت‌های اخراج و بازنشستگی اجباری یا محدودیت گروهی دیگر است. کنار گذاشتن برنامه‌ریزی شده اعضای صاحب‌نام و بعضاً منحصر به فرد هیئت علمی از صحنه‌های مختلف آموزشی آثار زیانبار در تربیت دانشجویان و فراگیران علوم پزشکی و سقوط کمی و کیفی خدمات بهداشتی و درمانی و به مخاطره افتادن جان بیماران و محتاج پزشک بیگانه شدن هم‌میهنان عزیز را به همراه خواهد داشت.»

این بیانیه همچنین افزوده که «در شرایطی که مهاجرت، بطور فزاینده‌ای از بدنه ناوگان آموزشی کشور می‌کاهد، در شرایطی که آشکارا اقبال جامعه جوان پزشکی به ادامه تحصیل در داخل کشور روز به روز تنزل پیدا می‌کند، معلوم نیست مسئولان کشور و کار به دستان بهداشت و درمان کشور با چه هدفی تیشه بر ریشه سازمانی که مسئولیت‌اش را بر عهده دارند، کشیده‌اند؟ آنچه بیش از تک‌تک این اخراج‌ها و محدودیت‌ها، جامعه پزشکی و جامعه دانشگاهی کشور را نگران می‌کند، عواقب غلبه تفکراتی است که مصالح و منافع سیاسی را بر بنیادهای علمی کشور ترجیح می‌دهند و حتی قباحات تاریخی این رفتارها هم در نظرگاه ایشان نیست.»

درک نادرست از مفهوم حق تعیین سرنوشت

بخش دو: موضوع اقلیت‌ها



● بر اساس آرای حقوق بین‌الملل، اقلیت به معنای گروهی از مردم است که در یک کشور یا محل معین زندگی می‌کنند، دارای نژاد، مذهب، زبان و سنت‌های مخصوص به خود هستند، آنها با هویت نژادی خود، مذهب، زبان و سنت‌هایی که دارند در یک احساس همبستگی متحد می‌شوند. آنها سنت‌ها و آیین‌های خود را حفظ می‌کنند، و آموزش و تربیت فرزندان خود را مطابق با سنن نژادی خویش پیش برده و در این امر به یکدیگر یاری می‌رسانند. در این معاهده، اقلیت بودن از زاویه دید ویژگی‌های زبانی، نژادی، و مذهبی مورد شناسایی قرار گرفته، و طرفین متعهد را به حمایت از حقوق گروه‌های اقلیت متعهد می‌سازد. اینها حقوقی هستند که در چارچوب ملیت کشورها تعریف شده‌اند، و هیچکدام بر ویژگی ملی بودن و جدایی از سرزمین مادری دلالت ندارند.

● اعلامیه اقلیت‌های ملل متحد که در سال ۱۹۹۲ با توافق کامل به تصویب رسید، در ماده ۱ اقلیت‌ها را با چهار ویژگی هویت ملی یا قومی، فرهنگی، مذهبی و زبانی مشخص کرده و کشورها را به محافظت از آنها متعهد می‌سازد. نوآوری این سند حقوقی غیرالزام‌آور اینست که در آن از یکسو هویت قومی با پیوندی ابهام‌آور با هویت ملی گره زده شده، و از دیگرسو، ویژگی فرهنگی نیز به تعریف اقلیت بودن افزوده شده است. البته با وجود چهار ویژگی یادشده، هیچ تعریف مشخص و مورد توافق بین‌المللی در مورد اینکه کدام گروه‌ها اقلیت‌ها را تشکیل می‌دهند وجود ندارد.

● آنچه می‌بایست در همه اسناد بین‌الملل در نظر گرفته شود این است که هیچکدام اقلیت بودن را با ضرورت جدا شدن آنها از کشور مادر تعریف نکرده‌اند. هیچیک از این اسناد از مفاهیمی مانند «کثیرالملله» استفاده نکرده، و هیچکدام مفهوم «ملت» را برای توضیح اقلیت‌ها به کار نبرده‌اند مگر در جایی که واژه «اقلیت ملی» را معادل «قومیت» دانسته‌اند.

محمود مسائلی - جدا از سوابق تاریخی که طی آن گروه‌هایی سعی کردند با پیروی از ایدئولوژی‌های چپ، بخش‌هایی از میهن را جدا سازند و به ناکامی کشیده شدند، اخیراً نیز کوشش‌های مشابهی توسط همان گروه‌ها در جریان است. القانات سیاسی و لفاظی‌های آنان ممکن است برای برخی از مردم و همفکران آنان فریبنده باشد. به عنوان مثال کاربرد مفهوم «کثیرالملله»، «حق تعیین سرنوشت»، و یا «فدرالیسم قومی» توسط این گروه‌ها می‌تواند سبب گمراهی‌هایی در بخش‌هایی از افکار عمومی شود. نبودن توضیحات روشن و دقیق حقوقی درباره مفاهیمی مانند ملت، ملیت، کشور، قومیت و یا حق تعیین سرنوشت از یکسو، و کوتاهی رسانه‌ها برای گشودن معانی صحیح این مفاهیم، همراه با تسامح چهره‌های شناخته شده و گروه‌های سیاسی، باعث شده است تا افرادی از میان گروه‌های قومی با مقاصد سیاسی مبهم و متوهمانه بکوشند زمینه‌های تجزیه‌طلبی را فراهم آورند. هدف اصلی این نوشتار توضیح این مفاهیم از دیدگاه حقوق بین‌الملل است. در بخش اول به مقوله «کشور و حاکمیت» پرداخته شد. در این بخش به آنچه می‌پردازیم که با عنوان «اقلیت‌ها» شناخته شده و این

خود را حفظ می‌کنند، و آموزش و تربیت فرزندان خود را مطابق با سنن نژادی خویش پیش برده و در این امر به یکدیگر یاری می‌رسانند. در این معاهده، اقلیت بودن از زاویه دید ویژگی‌های زبانی، نژادی، و مذهبی مورد شناسایی قرار گرفته، و طرفین متعهد را به حمایت از حقوق گروه‌های اقلیت متعهد می‌سازد. [۲] اینها حقوقی هستند که

در چارچوب ملیت کشورها تعریف شده‌اند، و هیچکدام بر ویژگی ملی بودن و جدایی از سرزمین مادری دلالت ندارند. ماده ۲۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی سنگ بنای حمایت از حقوق اقلیت‌ها را بنیاد می‌نهد: «در کشورهایی که در آن اقلیت‌های قومی، مذهبی یا زبانی وجود دارند، افراد متعلق به این اقلیت‌ها نباید از این حق در اجتماع با سایر اعضای گروه خود محروم شوند، آنها باید از فرهنگ خود برخوردار باشند، بتوانند عقاید مذهبی خود را دنبال نمایند، و یا از زبان خودشان استفاده کنند». در این مهم‌ترین سند حقوقی بین‌الملل نیز ویژگی اقلیت بودن بر همان سه عامل قومیت، نژاد، زبان، و مذهب تعریف شده است. بر اساس ماده ۲ این میثاق کشورهای متعهد به این میثاق می‌بایست سیاست‌گذاری‌ها و ساز و کارهای لازم را برای حمایت از این اقلیت‌ها در چارچوب کشور و ملیت خود به عمل آورند:

۲.۱. کشورهای طرف این میثاق متعهد می‌شوند که حقوق شناخته شده در این میثاق را درباره کلیه افراد مقیم در قلمرو تابع حاکمیت‌شان بدون هیچگونه تمایزی از قبیل نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا عقیده دیگر، اصل و منشأ ملی یا اجتماعی، ثروت، نسب یا سایر وضعیت‌ها محترم شمرده و تضمین کنند.

۲.۲. هر کشور طرف این میثاق متعهد می‌شود که ←

عنوان معطوف به شمار و کثرت گروه‌های اجتماعی است که فرهنگ و سنت و مذهب و زبان خودشان را دارند جدا از اینکه توسط قوانین کشور خود به رسمیت شناخته شده باشند یا نه.

موضوع اقلیت‌ها

به موازات پیچیدگی‌های همراه با مفاهیم کشور، ملت، ملیت و حاکمیت، موضوع اقلیت‌ها هم سردرگمی‌هایی را باعث شده است. برای ارائه تعریفی قابل قبول از مفهوم اقلیت‌ها و جایگاه آنان در حقوق بین‌الملل مناسب‌ترین گزینه آن است که به اسناد حقوقی بین‌الملل مراجعه شود. دادگاه دائمی بین‌المللی دادگستری در قضیه سلیسای علیا اولین و مهم‌ترین تعریف از اقلیت را ارائه کرده است. بر اساس معاهده‌ای که در سال ۱۹۲۲ منعقد شد، آزادی‌های مردمی که به یک اقلیت نژادی، زبانی یا مذهبی تعلق دارند، و زبان آموزشی برای دانش‌آموز مورد رسمیت قرار گرفته است. به نظر دادگاه، هرگونه اقدامی که اقلیت را برای برخورداری از حقوق خود محدود سازد، با مواد ۶۵، ۶۸، ۷۲، و مقدمه بخش دوم ناسازگار است. [۱] مبنای این تعریف ماده ۱۲ معاهده اقلیت‌هاست که در سال ۱۹۱۹ منعقد شد. در سراسر نظریه دادگاه دائمی اقلیت‌ها به ویژگی‌های زبانی، مذهبی، و نژادی توجه شده است. بر این اساس، اقلیت به معنای گروهی از مردم است که در یک کشور یا محل معین زندگی می‌کنند، دارای نژاد، مذهب، زبان و سنت‌های مخصوص به خود هستند، آنها با هویت نژادی خود، مذهب، زبان و سنت‌هایی که دارند در یک احساس همبستگی متحد می‌شوند. آنها سنت‌ها و آیین‌های

طبق اصول قانون اساسی خود و مقررات این میثاق اقداماتی را در زمینه اتخاذ تدابیر قانونگذاری و غیر آن به منظور تنفیذ حقوق شناخته شده در این میثاق که قبلاً به موجب قوانین موجود یا تدابیر دیگر لازم‌الاجرا نشده است به عمل آورد.

این سند حقوقی بین‌المللی، بر مبنای همان معاهده حقوق اقلیت‌ها تنظیم شده است تا بتواند کشورها را به حمایت از حقوق اقلیت‌ها متعهد سازد. به روشنی دیده می‌شود که جامعه بین‌المللی هنگام مقرر داشتن این مبانی، از معادل قرار دادن «اقلیت‌ها» با «ملیت‌ها» امتناع ورزیده تا بتواند همبستگی درونی اعضای جامعه بین‌الملل را حفظ کند.

اعلامیه اقلیت‌های ملل متحد که در سال ۱۹۹۲ با توافق کامل به تصویب رسید، [۳] در ماده ۱ اقلیت‌ها را با چهار ویژگی هویت ملی یا قومی، فرهنگی، مذهبی و زبانی مشخص کرده و کشورها را به محافظت از آنها متعهد می‌سازد. نوآوری این سند حقوقی غیرالزام‌آور اینست که در آن از یکسو هویت قومی با پیوندی ابهام‌آور با هویت ملی گره زده شده، و از دیکرسو، ویژگی فرهنگی نیز به تعریف اقلیت بودن افزوده شده است. البته با وجود چهار ویژگی یادشده، هیچ تعریف مشخص و مورد توافق بین‌المللی در مورد اینکه کدام گروه‌ها اقلیت‌ها را تشکیل می‌دهند وجود ندارد.

در اسناد حقوقی اغلب تأکید می‌شود که اقلیت یک موجودیت واقعی است و هر تعریفی از آن باید شامل عوامل عینی (مانند وجود قومیت، زبان یا مذهب مشترک) و عوامل ذهنی (از جمله اینکه افراد باید خود را به عنوان عضو معرفی کنند) باشد. با وجود این ویژگی‌ها، باز هم اعلامیه مربوطه از شناسایی هر نوع داعیه‌ای برای گروه‌های اقلیت جهت جدایی از سرزمین مادری پرهیز کرده و فقط در ماده ۲ کشورها را موظف می‌سازد تا اقدامات قانونی لازم و سایر اقدامات مناسب را برای دستیابی به اهداف اعلامیه، دایر بر حمایت از حقوق اقلیت‌ها، اتخاذ کنند.

در اینجا می‌بایست خاطر نشان ساخت که از نقطه نظر عامل عینی، دستیابی به تعریفی قابل قبول با دشواری‌هایی همراه است. علت اصلی این دشواری نیز این است که اقلیت‌ها در موقعیت‌های گوناگونی زندگی می‌کنند. برخی از آنها در مناطق کاملاً مشخص و جدا از بخش غالب جمعیت با هم زندگی می‌کنند. برخی دیگر در سراسر کشور پراکنده هستند. برخی از اقلیت‌ها حس قوی هویت جمعی و تاریخ ثبت شده دارند، در حالی که دیگران تنها تصویری از میراث مشترک خود را حفظ می‌کنند. از زاویه دید ذهنی و یا تصورات نیز دستیابی به تعریفی قابل قبول با مشکلات دیگری همراه است. در اینجا می‌توان استدلال کرد که معیارهای ذهنی، مانند اراده اعضای گروه‌های مورد نظر برای حفظ ویژگی‌های خود می‌بایست با تمایل افراد مربوط به در نظر گرفتن بخشی از آن گروه، ترکیب شود. پس این مانع ممکن است بر سر راه قرار گیرد که همه اعضای گروه ممکن است چنین تمایلی را نداشته باشند.

از آنجا که کشورهای عضو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی موظف به حفاظت از حقوق اقلیت‌ها می‌باشند، شایسته است یکبار دیگر به ویژگی‌ها اقلیت بودن توجه نماییم.

اقلیت‌ها گروهی از مردم هستند که به دلیل ویژگی‌های چهارگانه زبانی، قومی، مذهبی، و فرهنگی از دیگر مردم متمایز می‌شوند. خطر برای حیات این گروه‌ها هنگامی شکل می‌گیرد که آنان به دلیل همین ویژگی‌ها ممکن است مورد سرکوب قرار گیرند. منظور از سرکوب بطور مشخص این است که هویت آنها انکار شده و یا مورد شناسایی رسمی

قرار نمی‌گیرد، در نتیجه به آسانی انواع جنایت علیه بشریت و یا جنایت کشتار جمعی در مورد آنان اتفاق می‌افتد. بنابراین، اولین وظیفه کشورها این است که گروه‌های اقلیت را مورد حمایت و پشتیبانی قرار دهند. بر همین اساس، اعلامیه و برنامه اقدام دوربان سال ۲۰۰۱ در بند ۶۶ تأکید می‌کند که هویت قومی، فرهنگی، زبانی و مذهبی اقلیت‌ها باید محافظت شود، با افراد متعلق به این اقلیت‌ها باید بطور یکسان رفتار شود، و آنان از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی خود بدون هیچگونه تبعیضی برخوردار شوند. بند ۶۷ همان اعلامیه یادآوری می‌کند که اعضای گروه‌های خاصی با هویت فرهنگی متمایز با موانعی مواجه هستند که ناشی از تأثیر متقابل پیچیده عوامل قومی، مذهبی و سایر عوامل و همچنین سنت‌ها و آداب و رسوم آنهاست. بنابراین از کشورها درخواست می‌شود اطمینان حاصل کنند که اقدامات لازم، سیاست‌ها، و برنامه‌هایی را با هدف ریشه‌کن کردن نژادپرستی، تبعیض نژادی، بیگانه‌هراسی و موانعی که بر سر راه این افراد به وجود می‌آید، به اجرا بگذارند. [۴]

پیشتر، گزارشگر ملل متحد در امور اقلیت‌ها با روشنی بیشتری مفهوم اقلیت بودن را تعریف کرده بود. گزارشگر به موجب ماموریتی که بر عهده او گذاشته شده بود، می‌بایست مطالعه‌ای را برای جلوگیری از تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها انجام می‌داد. نتیجه‌ی این مطالعه، گزارشی ۱۱۴ صفحه‌ای بود که با تفصیل به شرح و تفسیر اقلیت‌ها از دیدگاه حقوق بین‌الملل پرداخته است. در رابطه با تعریف مفهوم اقلیت‌ها، گزارشگر ویژه توجهات را به رویه‌های قضایی جلب کرده، و برای این منظور به قضیه مهاجرت جوامع یونانی- بلغاری در نظریه مشورتی دادگاه دائمی بین‌المللی دادگستری در سال ۱۹۳۰ پرداخته است. دادگاه در نظریه مشورتی خود تعریف روشنی از اقلیت‌ها به معنی سنتی کلمه ارائه داد:

اقلیت یعنی «... یک گروه یا افرادی که در یک کشور یا محل معین زندگی می‌کنند و دارای نژاد، مذهب، زبان و سنت‌های خودشان، مذهب، زبان و هستند، و بر اساس احساس همبستگی مشترکی متحد شده‌اند. آنها با هدف حفظ سنت‌ها، آیین‌ها، آموزش و تربیت فرزندان خود بر اساس روایات و سنن نژادی خود به کمک متقابل به یکدیگر می‌پردازند.» [۵]

این نظریه مشورتی راه را برای ارائه تعریفی درباره مفهوم اقلیت باز کرده است. در ابتدا به نظر می‌رسد که تعریف مفهوم اقلیت به درستی برای گروهی از افراد به کار می‌رود که از نظر تعداد کوچکتر از جمعیت یک کشور که به آن تعلق دارند، است. اما چنین معیار کمی برای اندازه‌گیری

همی‌تواند به درستی حق مطلب را ادا کند به همین دلیل می‌بایست معیارهای دیگری را نیز در نظر گرفت تا بتوان به تعریفی روشن از مفهوم اقلیت دست یافت. دادگاه عالی کرالا در هند تا حدودی توانسته این معیار را در اختیار قرار دهد. بر این اساس، اقلیت به گروهی از مردم جوامع محلی، زبانی، و مذهبی اطلاق می‌شود که از نظر تعداد جمعیت کمتر از نصف جمعیت کل ایالت می‌باشند. اینها می‌توانند از حقوق مقرر شده در قانون اساسی برخوردار باشند. [۶] اما بازم این تعریف قانع‌کننده نیست. بزرگترین مشکل این است که آیا اگر گروه اقلیتی توسط کشور خود مورد شناسایی رسمی قرار نگیرد نمی‌تواند از حمایت‌های قانونی برخوردار باشد؟ کشورهایی ممکن است از شناسایی گروه‌های اقلیت خودداری ورزیده و آنها را به لحاظ قانونی مورد حمایت قرار ندهند. بنابراین، تعریف باید مستلزم حمایت‌های بین‌المللی باشد، صرف نظر از اینکه آن گروه اقلیت مورد شناسایی رسمی توسط قوانین کشور خود قرار گرفته باشد یا نه. این گزارش مسبوط در نهایت بر تعریفی متمرکز می‌شود که پیشتر در ماده ۲۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی تبلور یافته بود و خود بر اساس نظریه مشورتی دادگاه دائمی دادگستری در قضیه یونانی-بلغاری تنظیم شده بود.

اقلیت عبارت از گروهی است که از نظر عددی شمار کمتری از بقیه جمعیت یک کشور است که تبعه آن است. آنها داری ویژگی‌های قومی، مذهبی یا زبانی متفاوت با سایر جمعیت هستند و نشان می‌دهند که بطور ضمنی، یک احساس همبستگی در جهت حفظ فرهنگ، سنت‌ها، مذهب یا زبان‌شان دارند. [۷]

اینگونه تعاریف و اسناد در نهایت در مفاد اعلامیه ملل متحد که پیشتر توضیح داده شدند آمده است. آنچه می‌بایست در همه اسناد بین‌الملل در نظر گرفته شود این است که هیچکدام اقلیت بودن را با ضرورت جدا شدن آنها از کشور مادر تعریف نکرده‌اند. هیچیک از این اسناد از مفاهیمی مانند «کثیرالمله» استفاده نکرده، و هیچکدام مفهوم «ملت» را برای توضیح اقلیت‌ها به کار نبرده‌اند مگر در جایی که واژه «اقلیت ملی» را معادل «قومیت» دانسته‌اند. هدف از همه آنها این است که حقوق اقلیت‌ها را مورد حمایت قرار داده و حمایت‌های لازم را برای آنها تأمین کنند. ماده ۴ اعلامیه یادشده مسئولیت کشورها در مورد موضوع مربوط به حقوق اقلیت‌ها را شرح داده و آنها را موظف می‌کند تا اقدامات کافی برای اطمینان از اینکه اقلیت‌ها بطور کامل از تمام حقوق خود بدون هیچ تبعیضی برخوردار می‌شوند به عمل آورند.

[ادامه دارد]

Belonging to National or Ethnic, Religious and Linguistic Minorities, General Assembly Res. ۱۳۵/۴۴, December ۱۸th, ۱۹۹۲

[۴] World Conference Against Racism, Racial Discrimination, Xenophobia and Related Intolerance. Declaration and Programme of Action. The United Nations Department of Public Information New York, ۲۰۰۲

[۵] Francesco Capotorty (۱۹۷۹). Study on the Rights of Persons Belonging to Ethnic, Religious, and Linguistic Minorities. United Nations Publications, p. ۵

[۶] Ibid., p. ۹

[۷] Ibid., p. ۹۶

*دکتر محمود مسائلی بنیانگذار و دبیرکل افتخاری اندیشکده بین‌المللی نظریه‌های بدیل؛ با مقام مشورتی نزد سازمان ملل متحد؛ بنیانگذار و مدیر مرکز مطالعات عالی حقوق بشر و توسعه دمکراتیک؛ اتاوا؛ کانادا

[۱] Rights of minorities in Silesia (minority schools), the Permanent Court of International Justice, series A, number ۱۵, April ۲۶th, ۱۹۲۸

[۲] Minorities Treaty between the Principal Allied and Associated Powers (the British Empire, France, Italy Japan, and the United States) and Poland signed at Versailles ۲۸th of June ۱۹۱۹

[۳] Declaration on the Rights of Persons

«جویش کرونیکل»: همکاری استاد ایرانی تبار دانشگاه «کرانفیلد» بریتانیا با دانشگاه‌های جمهوری اسلامی در توسعه فناوری‌های ممنوعه



سهیل جعفری

تخصص دارد. طبق شرایط و ضوابط استخدامی دانشگاه کرانفیلد، این دانشگاه خدمات آکادمیک در اختیار وزارت دفاع بریتانیا قرار داده و تحقیقات محرمانه نیز انجام می‌دهد.

«جویش کرونیکل» همچنین فاش کرده «پژوهشگران در انگلیس در یک پروژه که مخارج آن از طرف تهران تامین شد، برای ارتقاء موتورهای پهپادها، افزایش ارتفاع، سرعت و بُرد آنها کار کردند.»

سهیل جعفری از نویسندگان مشترک هشت مقاله برای مجلات دانشگاهی بوده که با محققان داخل ایران تحقیق و تدوین کرده است.

این افشاجاری در حالی صورت می‌گیرد که جیمز کلورلی وزیر خارجه بریتانیا به تازگی گفته بود این کشور در حال برنامه‌ریزی برای «ایجاد یک رژیم جدید تحریم‌های ایران» با هدف مقابله با «تهدیدات ایران» است.

کلورلی در پاسخ به سؤالات نمایندگان مجلس درباره فناوری ارائه شده به روسیه برای استفاده در اوکراین، گفت: «تلاش برای اطمینان از عدم حمایت روسیه از طریق صادرات تجهیزات نظامی به ویژه در مورد فناوری‌های ایران یکی از اولویتهای ما است.»

کلورلی در پاسخ به پرسش نمایندگان مجلس که چرا اقدامات جدید شامل ممنوع اعلام کردن سپاه پاسداران نمی‌شود، گفت که دولت «این موارد را در نظر خواهد داشت.»

وی افزود: «هیچ چیز برای همیشه از روی میز برداشته نمی‌شود و یا خارج از استفاده قرار نخواهد گرفت. اعلامیه‌هایی که به بسته‌های تحریمی از قبل موجود اضافه شده‌اند، ابزاری قدرتمند برای بازدارندگی رفتار ایران به ما می‌دهند که در صورت تغییر نکردن رفتار آنها، قصد داریم از آن بطور کامل استفاده کنیم.»

دانشگاه این کشور از جمله کمبریج، امپریال کالج، گلاسکو و نورثامپتیا، کرنفیلد، ادینبورگ، کینگز کالج لندن، نورثومپتیا و لیورپول با دانشگاه‌ها و مراکز علمی داخل ایران در تحقیقات در زمینه فناوری‌های دوگانه همکاری دارند. بعضی از این مراکز علمی از جمله دانشگاه کرنفیلد که در علوم مهندسی و فناوری هوافضا تخصص دارد، همزمان با نیروی هوایی بریتانیا نیز همکاری می‌کند.

بریتانیا صادرات فناوری نظامی و «دوگانه» به ایران را ممنوع کرده و اخیراً تحریم‌های جدیدی علیه افراد و نهادهای ایرانی که در ساخت پهپادهای انتحاری دخالت دارند اعمال کرده است.

نمایندگان مجلس بریتانیا خواسته‌اند تحقیق شود که چگونه با وجود تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی این دانشگاه‌ها اقدام به همکاری با مراکز تحقیقاتی و آکادمیک در ایران کرده‌اند.

لرد پولاک رئیس انجمن محافظه‌کاران دوست اسرائیل می‌گوید، «واضح است که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برنامه‌های پهپادی را کنترل می‌کند و این سلاح‌ها توسط روس‌ها در جنگ پوتین علیه اوکراین استفاده می‌شود. این که سپاه در دانشگاه‌های انگلیس حضور دارد... نشان می‌دهد که ما باید مدت‌ها پیش آنرا ممنوع می‌کردیم.»

بررسی‌ها نشان می‌دهد سهیل جعفری یکشنبه ۱۳ تیرماه برای دانشجویان و متخصصان هوافضا و مکانیک تحت عنوان «استاد دانشگاه» به صورت وینار دوره آموزشی برگزار کرده است. موضوع این وینار استفاده از سیستم‌های خنک‌کاری دو فاز در صنعت هوافضا و استفاده از پتانسیل هوش مصنوعی بود که با همکاری پردیس نوآوری و فناوری هوایی یزد و مرکز نوآوری پارک علم و فناوری یزد برگزار شد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد دکتر سهیل جعفری در سال ۲۰۱۷ به دانشگاه کرانفیلد پیوست و در زمینه عملکرد موتور جت

نشریه «جویش کرونیکل» در گزارشی فاش کرده یک متخصص ایرانی هوافضا شاغل در یکی از دانشگاه‌های انگلیس مرتبط با وزارت دفاع درباره آخرین ایده‌ها و تحقیقات در مورد موتورهای جت غربی در دانشگاه «شریف» سمینار برگزار کرده است. این در حالیست که این دانشگاه به دلیل نقش آن در برنامه تسلیحات هسته‌ای رژیم در فهرست تحریم‌ها قرار دارد.

دکتر سهیل جعفری که در مرکز مهندسی مدیریت و کنترل حرارتی توربین‌های گازی در دانشگاه کرانفیلد فعال است، با وجود ارتباط با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در دسامبر سال ۲۰۲۰ از طریق ویدئوکنفرانس در دانشگاه «شریف» در مورد موتورهای جت سمینار برگزار کرده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد سهیل جعفری یکشنبه ۱۳ تیرماه برای دانشجویان و متخصصان هوافضا و مکانیک تحت عنوان «استاد دانشگاه» به صورت وینار دوره آموزشی برگزار کرده است. موضوع این وینار استفاده از سیستم‌های خنک‌کاری دو فاز در صنعت هوافضا و استفاده از پتانسیل هوش مصنوعی بود که با همکاری پردیس نوآوری و فناوری هوایی یزد و مرکز نوآوری پارک علم و فناوری یزد برگزار شد.

تحقیقات نشان می‌دهد شماری از دانشمندان و متخصصان هوافضا و مکانیک شاغل در دانشگاه‌های انگلیس به جمهوری اسلامی در زمینه توسعه فناوری‌هایی که می‌تواند در برنامه ساخت پهپاد استفاده شوند، کمک کرده‌اند.

نشریه «جویش کرونیکل» در گزارشی فاش کرده یک متخصص ایرانی هوافضا شاغل در یکی از دانشگاه‌های انگلیس مرتبط با وزارت دفاع درباره آخرین ایده‌ها و تحقیقات در مورد موتورهای جت غربی در دانشگاه «شریف» سمینار برگزار کرده است. این در حالیست که این دانشگاه به دلیل نقش آن در برنامه تسلیحات هسته‌ای رژیم در فهرست تحریم‌ها قرار دارد.

دکتر سهیل جعفری که در مرکز مهندسی مدیریت و کنترل حرارتی توربین‌های گازی در دانشگاه کرانفیلد فعال است، با وجود ارتباط با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در دسامبر سال ۲۰۲۰ از طریق ویدئوکنفرانس در دانشگاه «شریف» (دانشگاه صنعتی آریامهر) در مورد موتورهای جت سمینار برگزار کرده است.

در یک بروشور منتشر شده در دانشگاه «شریف» درباره این سخنرانی اعلام شده بود که جعفری «تازه‌ترین ایده‌ها و دستاوردهای تحقیقاتی و صنعتی تولیدکننده‌های بزرگ موتور هواپیما، رولز رویس، جنرال الکتریک، و پرت اندویتنی را ارائه خواهد کرد.»

همچنین نوشته شده بود که در این سخنرانی با عنوان «آینده کنترل موتور هواپیما: چالش‌ها و فرصت‌ها» دکتر جعفری «شرکت‌کنندگان را با چالش‌های واقعی طراحی و ساخت این سیستم‌ها و چگونگی حل این چالش‌ها آشنا می‌کند.»

این گزارش در حالی منتشر می‌شود که ۱۸ خرداد شماری از نمایندگان پارلمان انگلیس اعلام کردند دست‌کم ۱۱

دستاورد رئیسی از سفر به «سرزمین فرصت‌ها»: تهاتر نیسان آبی با گوشت!



● ابراهیم رئیسی که اخیرا به قاره آفریقا سفر کرده بود در نخستین مقصد، کنیا، برای تهاتر کالا با مقامات این کشور توافق کرده است. از جمله تهاترهای توافق شده تهاتر نیسان آبی ساخت ایران با گوشت قرمز کنیا، و همچنین تهاتر محصولات پتروشیمی با کالاهای اساسی بوده است.

● در حال حاضر با توجه به نوسانات شدید نرخ ارز در ایران این معاملات می‌تواند در نهایت نه تنها سودی در بر نداشته باشد بلکه زیانبار نیز باشد. چون از یکسو هزینه تولید و قیمت تمام شده کالاها در ایران به دلیل افزایش نرخ ارز، مدام در حال افزایش است و در نتیجه اگر امروز جمهوری اسلامی توافق می‌کند نیسان آبی را بر اساس هزینه تمام شده امروز این کالا به کنیا بدهد، مشخص نیست طی ماه‌های آینده و اجرای این توافق، قیمت تمام شده نیسان آبی برای تولیدکننده داخلی افزایش نیافته باشد.

ابراهیم رئیسی در سفر به کنیا آفریقا را «سرزمین فرصت‌ها» خوانده و دستاورد این سفر نیز امضای تفاهم‌نامه تهاتر نیسان آبی با گوشت قرمز، و محصولات پتروشیمی با کالاهای اساسی بوده است.

ابراهیم رئیسی که اخیرا به قاره آفریقا سفر کرده بود در نخستین مقصد، کنیا، برای تهاتر کالا با مقامات این کشور توافق کرده است. از جمله تهاترهای توافق شده تهاتر نیسان آبی ساخت ایران با گوشت قرمز کنیا، و همچنین تهاتر محصولات پتروشیمی با کالاهای اساسی بوده است.

رسانه‌های داخلی نیز در پی این تهاتر بلافاصله از «اهمیت واردات گوشت قرمز» و «ارزان بودن گوشت کنیایی» و مزایای آن گزارش داده‌اند!

خبرگزاری «تسنیم» نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در گزارشی به نقل از شاهپور علایی مقدم سرپرست معاونت برنامه‌ریزی و اقتصادی وزارت جهاد کشاورزی نوشته که «در دیدار تجار و بازرگانان کنیایی با رئیس‌جمهور، قراردادهایی در اینباره امضا شد، یکی برای فروش نیسان زامباد ایرانی به کنیا و دیگری برای واردات گوشت قرمز به ایران بوده است.»

وی افزوده که «جایگاه ویژه گوشت دام در سید غذایی مردم و مواد معدنی و مغذی موجود در آن، اهمیت واردات گوشت را برای تأمین نیاز افراد مشخص می‌کند.»

روزنامه اصلاح‌طلب «اعتماد» نیز در گزارشی از «مزایای» این توافق، نوشته مجوز واردات گوشت قرمز از کنیا که پس از بررسی‌های تفصیلی سازمان دامپزشکی و صدور تأییدیه‌های بهداشتی صادر شده است، می‌تواند به تعدیل قیمت گوشت در بازار ایران کمک کند.

در گزارش این روزنامه اصلاح‌طلب آمده که «این قرارداد از آنجایی اهمیت پیدا می‌کند که بدانیم به منظور جلوگیری از خروج ارز از کشور و بجای واردات گوشت از کشورهایی چون برزیل، استرالیا و نیوزلند که به دلیل بعد مسافت در قیمت مقرون به صرفه نیست و بر کیفیت گوشت نیز اثرگذار است، بررسی‌های به عمل آمده در کنیا نشان داد جایگزینی بازار این محصول، تبعات مثبت اقتصادی به همراه دارد.»

ابراهیم رئیسی پس از بازگشت در سفر به آفریقا گفته که «آفریقا سرزمین فرصت‌هاست و نباید مورد غفلت واقع شود.» در آنسوی تبلیغات گسترده حکومتی برای معاملات پایاپای یا همان تهاتر کالا، این معاملات به سود ایران نخواهد بود.

اما چون اقتصاد ایران یک اقتصاد قدرتمند و سیاست‌گذاری اقتصاد ایران بر پایه منافع ملی بود، این معاملات با ریال محاسبه می‌شد. یعنی کالاهای مورد تهاتر صادراتی به چین با قیمت ریال ایران محاسبه و کالاهای وارداتی نیز با بر مبنای ریال معامله می‌شد.

در حال حاضر با توجه به نوسانات شدید نرخ ارز در ایران این معاملات می‌تواند در نهایت نه تنها سودی در بر نداشته باشد بلکه زیانبار نیز باشد. چون از یکسو هزینه تولید و قیمت تمام شده کالاها در ایران به دلیل افزایش نرخ ارز، مدام در حال افزایش است و در نتیجه اگر امروز جمهوری اسلامی توافق می‌کند نیسان آبی را بر اساس هزینه تمام شده امروز این کالا به کنیا بدهد، مشخص نیست طی ماه‌های آینده و اجرای این توافق، قیمت تمام شده نیسان آبی برای تولیدکننده داخلی افزایش نیافته باشد. در چنین شرایطی ممکن است به دلیل افزایش قیمت ارز در ماه‌های آینده قیمت مورد معامله نیسان آبی به کنیا در آینده، از هزینه تولید آن کمتر شود.

در زمینه کالای وارداتی تهاتر شده نیز افزایش قیمت ارز عامل عدم سودده بودن چنین معامله‌ای است؛ چرا که در حال حاضر تولیدکننده داخلی مشکلی برای تولید ندارد بلکه به دلیل افزایش قیمت مردم قدرت خرید گوشت کیلویی ۵۰۰ هزار تومان را ندارند. در چنین شرایطی مشخص نیست گوشت کنیایی وارداتی با احتساب قیمت ارز، رقمی متعادل داشته باشد که مردم توان خرید آن را داشته باشند.

دولت بجای افزایش قدرت خرید مردم واردات گوشت خارجی را چاره کاهش شدید مصرف گوشت در داخل دانسته است. این در حالیست که فعالان بازار معتقدند واردات بدون قاعده و ضابطه گوشت قرمز به کشور می‌تواند تولید داخلی را زمینگیر کند.

از سوی دیگر وبسایت «آفتاب‌نیوز» در گزارشی در مورد رویکرد دولت ابراهیم رئیسی نوشته است که با تهاتر ممکن است همان اتفاقات ناگوار دوره احمدی‌نژاد رخ دهد که حاصلش یا ظهور بابک زنجانی‌هاست، یا تلافی‌مانند آنچه در خرید نفت توسط نیروی انتظامی و سایر دستگاه‌ها در آن دوره صورت گرفت.

به نظر می‌رسد هدف تبلیغات حکومتی درباره این معاملات صرفا با هدف سیاسی در ارسال پیامی به طرف غربی مذاکرات هسته‌ای است که نشان دهد وضعیت روابط بین‌الملل ایران و حتی معاملات تجاری در کنترل جمهوری اسلامی است و تحریم‌ها در حال خنثی شدن هستند!

هدف دیگر جمهوری اسلامی پیام به مردم ایران است که زیر فشارهای شدید اقتصادی قرار دارند و برای تأمین هزینه‌های ضروری زندگی شامل خوراک و مسکن دچار مشکلات عدیده هستند. دولت قصد دارد در برابر ناراضیاتی عمیق مردم فرصت بخرد و با مانور خبری به آنها بگوید صبر کنید، اوضاع در حال بهبود و گشایش است.

واقعیت اما اینست که جمهوری اسلامی از سر استیصال چنین قراردادهای و تفاهم‌نامه‌هایی را پیگیری و امضا می‌کند. در چنین شرایطی همواره طرف مقابل قرارداد دست بالا را پیدا کرده و شرایطی نظیر قیمت را تعیین می‌کند و قدرت چانه‌زنی در معامله از ایران گرفته می‌شود.

در سال‌های گذشته در معاملات تهاتری جمهوری اسلامی که شامل نفت در برابر کالا بود نیز کشورهایی چون چین و هند کالاهای مازاد، بنگل و بی‌کیفیت خود را که ایران در شرایط بحران اقتصادی نیازی به آنها نداشت و در اولویت نبودند به جمهوری اسلامی قالب کردند. برای نمونه جمهوری اسلامی نفت را با تخفیف زیاد به چین می‌داد و در ازای آن حجم گسترده‌ای از میخ، چوب بستنی، نعل اسب و سوزن دریافت می‌کرد.

گفتنی است معاملات تهاتری یک روش تجارت میان کشورهای است و در دوره پهلوی نیز در بانک مرکزی اداره‌ای با عنوان «اداره تهاتر و امور صادرات» فعال بود که این اداره با بسیاری از کشورها مثل رومانی، مجارستان و همچنین کشورهای آسیایی تهاتر کالا با کالا می‌کرد. این تهاتر چون از سر ناچاری نبود، بانک مرکزی دولت شاهنشاهی ایران ضوابط و شیوه قرارداد را تدوین می‌کرد و در صورت تعیین کشور مقابل، این معامله به امضای تفاهم‌نامه می‌رسید. درواقع آن کشورها بودند که به این تهاتر نیاز داشتند!

در همان زمان حتی ایران با چین هم معاملات تهاتری داشت

کمیبود و قطع برق؛ در بهار امسال تنها پنج درصد از اهداف رشد تولید برق تحقق یافت



● رکورد مصرف برق کشور در زمان اوج بار شبانه در شامگاه ۲۱ تیر به عدد ۶۸ هزار و یک مگاوات رسید. این عدد از رکورد قبلی سال گذشته که ۶۲ هزار و ۷۷۶ مگاوات بود، نزدیک به هفت درصد بیشتر است.

● در بسیاری شهرها از جمله تهران به دلیل تشدید بحران مدیریت برق به صورت روزانه صورت می‌گیرد و در روزهایی که مصرف بیشتر است، برق ادارات بطور کلی قطع می‌شود.

● جدیدترین آمارهای وزارت نیرو نیز نشان می‌دهد که در بهار سال جاری تنها پنج درصد از اهداف رشد تولید برق در کشور برای کل سال ۱۴۰۲ تحقق یافته است.

در روزهای گذشته رکورد مصرف برق در ایران شکسته شده و قطع برق بخش خانگی در دستور کار قرار گرفته است. قطع برق بخش خانگی پس از بخش صنعت و کشاورزی در حالی ادامه دارد که به گفته مقامات وزارت نیرو نیز بهار امسال تنها پنج درصد از اهداف رشد تولید برق در ایران تحقق یافته است.

مصطفی رجبی مشهدی سخنگوی صنعت برق کشور از شکسته شدن رکورد تاریخی مصرف برق در کشور خبر داده و گفته رکورد تاریخی مصرف برق «روزانه» در روز ۱۹ تیر و رکورد مصرف برق «شبانه» در شامگاه ۲۱ تیر در ایران شکسته شد.

رکورد مصرف برق کشور در زمان اوج بار شبانه در شامگاه ۲۱ تیر به عدد ۶۸ هزار و یک مگاوات رسید. این عدد از رکورد قبلی سال گذشته که ۶۲ هزار و ۷۷۶ مگاوات بود، نزدیک به هفت درصد بیشتر است.

ادیب روستایی از مدیران شبکه برق منطقه‌ای خوزستان نیز روز شنبه ۲۴ تیرماه با بیان اینکه پیک مصرف شبکه برق خوزستان به نزدیک ۹ هزار مگاوات رسید، گفت: اوج مصرف شبکه برق خوزستان در ۲۴ ساعت گذشته (جمعه ۲۳ تیرماه) به هشت هزار و ۹۹۱ مگاوات رسید که بار دیگر رکورد مصرف برق را ثبت کرده است.

ادیب روستایی با بیان اینکه پیش‌بینی‌ها از تداوم روند افزایش دما در هفته جاری حکایت دارد، افزوده که «با توجه به رکورد پیک مصرف در روز تعطیل و مصرف ۸۳ درصد بخش خانگی، بنابراین کلید پایداری شبکه در گروه صرفه جویی در این بخش است.»

اینهمه در حالیست که موج تازه گرمای هوا اکثر نقاط ایران را فرا گرفته و دمای پنج شهر در استان خوزستان و شهرستان دهلران در ایلام به بالای ۵۰ درجه رسیده و اداره کل هواشناسی این استان‌ها هشدار نارنجی اعلام کرده است. اداره کل هواشناسی استان خوزستان از اوج‌گیری گرمای بالای ۵۰ درجه در اهواز و چهار شهر دیگر استان یعنی امیدیه، شوش، رامهرمز و آغاچاری خبر داده و گفته است این وضعیت تا روز یکشنبه، ۲۵ تیرماه، ادامه خواهد داشت.

ناصر اسکندری معاون راهبری تولید نیروی برق حرارتی وزارت نیرو هفته گذشته در ۱۹ تیر با اعلام اینکه مصرف برق «شدیدا افزایش داشته» و از ۷۲ هزار مگاوات گذشته است، هشدار داد که افزایش فشار، تجهیزات نیروگاهی و شبکه برق را تهدید می‌کند.

عدم توان شبکه تولید و توزیع برق کشور برای تأمین برق مورد نیاز در فصول گرم در سال‌های گذشته مشکلاتی را در پی

داشته و سبب قطع برق گسترده در بخش صنعتی، کشاورزی و خانگی شده است. دولت بیشتر اعلام کرده بود که برق بخش خانگی قطع نخواهد شد و بار کمیبود برق با سهمیه‌بندی برق صنایع و کشاورزی تأمین خواهد شد.

با وجود اینکه برق بخش صنایع و کشاورزی از اوایل فصل بهار سهمیه‌بندی شده بود و از ابتدای خردادماه ساعت کار ادارات و مراکز دولتی تغییر کرده بود، اما اکنون کمیبود برق به حدی بحران‌ساز شده که طی روزهای گذشته در بسیاری از شهرهای کشور برق محلات مختلف شهری نیز قطع می‌شود. در بسیاری شهرها از جمله تهران نیز مدیریت برق به دلیل تشدید بحران به صورت روزانه ادامه دارد و در روزهایی که مصرف بیشتر است، برق ادارات بطور کلی قطع می‌شود.

رامین پوریا مدیر دفتر مدیریت مصرف شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ روز شنبه ۲۴ تیر ۱۴۰۲ اعلام کرد که ۴۵ دستگاه اجرایی شهر تهران که همکاری مناسبی در اجرای طرح‌های مدیریت مصرف برق نداشته و به اخطارهای داده شده توجهی نکرده‌اند مشمول قطع برق شده‌اند.

به گفته او سازمان حفاظت محیط زیست، سازمان اوقاف، بانک شهر، ساختمان اداری دانشگاه آزاد تهران غرب و ساختمان اداری دانشگاه تربیت‌مدرس از جمله این ادارات هستند

در پایتخت همچنین مراکز خرید بزرگ خصوصا در شمال شهر با قطع برق روبرو شده و نامه الزام به تأمین برق با ژنراتور دریافت کرده‌اند.

این روند در دیگر شهرهای ایران نیز ادامه دارد. مدیرعامل شرکت توزیع برق گیلان روز پنجشنبه ۲۲ تیر از قطع برق «هوشمند» ۵۰ دستگاه دولتی به دلیل «عدول از محدوده مصرف تعیین شده» خبر داده بود. مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق اهواز نیز بیستم تیرماه و با وجود دمای نزدیک به ۵۰ درجه در این شهر از قطع برق ۳۷ اداره این شهر طی یک روز و به دلیل عدم رعایت دستورالعمل کاهش مصرف خبر داد.

آمار دیگری از استان خراسان نشان می‌دهد طی یک هفته‌ی گذشته برق دست‌کم ۲۴۸ اداره و بانک «پر مصرف» در شهر

مشهد نیز قطع شد.

ریشه کمیبود و عدم تمایل برای سرمایه‌گذاری در صنعت تولید برق از آنجاست که قیمت‌گذاری برق توسط دولت انجام می‌شود و خریدار برق نیز خود دولت است؛ در اغلب موارد نیز پرداخت پول برق خریداری شده توسط دولت با تأخیر بسیار زیادی به دست تولیدکنندگان می‌رسد.

از سوی دیگر ریسک سرمایه‌گذاری در صنعت برق ایران به دلیل تورم و انتظارات تورمی بالا محاسبه می‌شود. به بیان دیگر فعالان اقتصادی بخش خصوصی تمایل ندارند در صنعتی سرمایه‌گذاری کنند که در آن هزینه‌ها با تورم افزایش پیدا می‌کند، اما درآمدها با تورم افزایش نمی‌یابد و دولت با قیمت‌گذاری دستوری و اکثرا غیراصولی درآمد سرمایه‌گذار را تعیین می‌کند.

به ویژه آنکه دولت در سال‌های اخیر همیشه با کسری بودجه روبرو بوده و به نظر نمی‌رسد که توان سرمایه‌گذاری در صنعت برق را داشته باشد. این در حالیست که برای جبران کاستی‌ها در تولید برق، کشور حداقل به ۱۰ هزار مگاوات افزایش تولید نیاز دارد.

جدیدترین آمارهای وزارت نیرو نیز نشان می‌دهد که در بهار سال جاری تنها پنج درصد از اهداف رشد تولید برق در کشور برای کل سال ۱۴۰۲ محقق شده است.

بر اساس آمارها در سه ماهه ابتدایی سال ۳۲۵ مگاوات نیروگاه جدید راه‌اندازی شده است؛ در حالی که وزارت نیرو راه‌اندازی ۶۱۱۴ مگاوات نیروگاه جدید برای کل سال ۱۴۰۲ را هدف‌گذاری کرده بود.

بدین ترتیب تنها پنج درصد از هدف کل سال در سه ماهه ابتدایی سال محقق شده است. همچنین آمارهای وزارت برق نشان می‌دهد هیچ یک از نیروگاه‌های تازه راه‌اندازی شده از نوع چرخه ترکیبی با راندمان بالا نیستند؛ بطوری که طی بهار سال جاری ۲۱/۴ مگاوات نیروگاه جدید تجدیدپذیر راه‌اندازی شده و بقیه نیروگاه‌ها پراکنده و گازی با راندمان پایین هستند. دولت سیزدهم برای سال جاری راه‌اندازی ۱۳۵۰ مگاوات نیروگاه تجدیدپذیر خورشیدی و بادی را هدف‌گذاری کرده بود

اما در بهار امسال تنها ۱/۵ درصد از این هدف محقق ←

شده است. →

ایران بیش از ۳۰۰ روز آفتابی و مناطق بادگیر گسترده در کشور دارد، اما سهم نیروگاه‌های بادی و خورشیدی از تولید برق ایران تنها حدود نیم درصد است. کارشناسان معتقدند نادیده گرفتن پتانسیل‌های سرزمینی یکی از دلایل عقب‌افتادن ایران در تأمین انرژی است.

پیشتر علیرضا کلاهی رئیس اسبق سندیکای برق و رئیس کمیسیون صنایع اتاق بازرگانی ایران به تازگی با همدار نسبت به وضعیت صنعت برق ایران گفته بود که «در بخش‌هایی همچون نیروگاه‌سازی سرمایه‌گذاری‌هایی هرچند اندک صورت گرفته اما در شبکه انتقال و توزیع ما در طول سال‌های گذشته سرمایه‌گذاری جدی صورت نگرفته و ما با خطر فروپاشی جدی در این حوزه مواجه هستیم. اگر فکر جدی به حال شبکه زیر ساخت‌های انتقال و توزیع صورت نگیرد، پیش‌بینی می‌شود که خاموشی‌های گسترده و طولانی خواهیم داشت.»

علیرضا کلاهی توضیح داده که «در سال‌های گذشته تقریباً سرمایه‌گذاری در این حوزه صورت نگرفته و شبکه ایجاد شده در تهران مربوط به سال ۵۲ است. در آن سال‌ها نه جمعیت تا این اندازه افزایش یافته بود، نه دمای هوا تا این اندازه گرم شده بود و نه مصرف تا این حد رشد پیدا کرده بود.»

قطع برق صنایع که در سال‌های گذشته «راهکار» دولت برای مدیریت برق کشور بوده نیز زبان‌های گسترده اقتصادی در پی داشته است.

جواد حسینی عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی گفته که ز دست رفتن بازارهای صادراتی سیمان و ... و از بین رفتن تراز تجاری کشور دیگر مشکل ناشی از قطعی برق واحدهای صنعتی است.

نماینده مجلس شورای اسلامی افزوده که «در حال حاضر با کمبود حدود ۱۵ هزار مگاوات برق روبرو هستیم که این موضوع در ماه‌های گرم سال موجب محدودیت در تأمین برق موردنیاز واحدهای صنعتی و تولیدی می‌شود از سوی دیگر در فصل زمستان نیز ناترازی در گاز موجب بروز برخی مشکلات در تأمین انرژی موردنیاز صنایع شده است.»

صنایع ایران در تابستان ۱۴۰۰ زبانی معادل ۷ تا ۱۰ میلیارد دلار به دلیل قطع برق متحمل شدند. این زیان با توجه به تغییر سیاست دولت درباره افزایش قطع برق صنایع در بهار و تابستان امسال، در سال ۱۴۰۱ خیلی بیشتر از زیان سال گذشته خواهد شد.

یک منبع مطلع در وزارت صمت که خواست نامش عنوان نشود به روزنامه «ایران» گفته که «در برخی از گزارش‌ها خسارت قطعی برق در تابستان ۱۴۰۰ حدود ۷ میلیارد دلار اعلام شده است اما اگر وضعیت صنایع بزرگ به دقت بررسی شود این عدد به بیش از ۱۰ میلیارد دلار می‌رسد؛ متأسفانه برخی از صنایع بزرگ به جهت مباحث سیاسی از اعلام دقیق خسارت خود پرهیز می‌کنند. اما مطمئناً خسارت وارده به صنایع عدد بزرگتری است.»

احمد مهدوی ابهر دبیر انجمن صنفی کارفرمایی صنعت پتروشیمی ایران نیز شهریور گذشته گفته بود که صنعت پتروشیمی با قیمت‌های جهانی سال گذشته، ۶۸۲ میلیون دلار یا ۱۶ هزار میلیارد تومان به دلیل قطع گاز و برق زیان یا سود از دست رفته داشته است.

دبیر انجمن صنفی کارفرمایی صنعت پتروشیمی ایران تأکید کرده که «بر خلاف تصریح قانون که گفته شده اگر دولت به خواسته خود، گاز پتروشیمی‌ها را قطع کند، باید از همان محل گاز خسارت را تأمین کند و حتی قانون محل جبران را هم مشخص کرده، ولی در هیچ‌کدام از سال‌های اخیر قانون اجرا نشده است.»

سکوت سرداران سپاه پاسداران در مقابل «نامردی روس‌ها»؛ هشدار به «روسوفیل»‌ها و «چاینافیل»‌های نظام



دیدار خامنه‌ای و پوتین در تهران / تیرماه ۱۴۰۱

نداشته است... هیچ کشوری به اندازه روسیه حقوق ما را تضييع نکرده است. در چنین شرایطی به نظر من سیاست موازنه‌ای که باید در حوزه دیپلماسی خارجی وجود داشته باشد یک ضرورت انکارناپذیر است و همانطور که آمریکوفیل بودن و انگلوفیل بودن آسیب جدی در حوزه سیاست خارجی است به همان نسبت روسوفیل و چاینافیل بودن ما را دچار مشکل می‌کند.»

هرچند در داخل حکومت انتقادهای روسیه بالا گرفته است اما همچنان فرماندهان ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سکوت کرده‌اند و به نظر می‌رسد درون دولت نیز در مورد روسیه شکاف‌ها عمیق‌تر شده است.

پس از انتقاد خفیف وزارت خارجه جمهوری اسلامی از روسیه به دلیل همصدایی با امارات در مورد جزایر سه‌گانه و احضار سفیر روسیه در تهران، روزنامه «ایران» رسانه رسمی دولت، در دفاع تمام‌قد از روس‌ها روسیه تأکید کرده که انتقادات داخلی به موضع این کشور درباره جزایر سه‌گانه با چرخ‌سبز آمریکا و با هدف تخریب روابط تهران-مسکو صورت گرفته است و باید سفیر امارات احضار شود نه سفیر روسیه! وبسایت «خبرآنلاین» می‌نویسد روزنامه «ایران» سعی کرده تا زیر سؤال بردن حاکمیت قطعی ایران بر جزایر سه‌گانه را توجیه کند و آن را موضوعی کم‌اهمیت جلوه دهد.

با بالاگرفتن انتقادات در ایران از همصدایی مسکو با ادعای کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس درباره مالکیت جزایر سه‌گانه، روزنامه «جمهوری اسلامی» چاپ تهران نیز در یادداشتی روسیه را «نامرد تمام» خواند و نوشت ایرانیان هنوز «جای دندان‌های روسی را در گلستان و ترکمانچای» بر دست دارند. این روزنامه با اشاره به «هزینه‌های بسیار» که ایستادن در کنار روسیه برای جمهوری اسلامی به بار آورده تأکید کرده است که «نامرد تمام» بهترین نشانی است که می‌شود بر سینه روس‌ها زد. این روزنامه همچنین از «اعتقاد تمام ساحتی برخی از حضرات» جمهوری اسلامی به روس‌ها انتقاد کرده و آن را «تکیه بر باد» توصیف نموده است.

ناتوانی جمهوری اسلامی در دفاع از منافع ملی ایران با انتقادات گسترده از سوی مخالفان حکومت مواجه شده است. شاهزاده رضا پهلوی در یادداشتی که اخیراً در کیهان لندن منتشر شد در اینباره می‌نویسد «این رژیم مفهوم استقلال را نیز چون بسیاری مفاهیم دیگر از معنا تهی و امنیت و منافع ملی ایران را وابسته‌ی چین و روسیه کرده است!» وی بار دیگر از نیروهای نظامی و انتظامی کشور خواست که حساب خود را از این رژیم و رویکردهای خائنانه و ضدایرانی آن که مایه ننگ تاریخ ایران است جدا سازند.

● راهبرد «نگاه به شرق» و «پرهیز از نگاه به غرب» که علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی آن را برای حکمرانی به مسئولان و مجریان حکومت دیکته کرده است به یکی از اهرم‌های اصلی ضربه به منافع ملی ایران تبدیل شده است.

● قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی در نشست علنی روز یکشنبه ۲۵ تیرماه در دفاع از تمامیت ارضی ایران با تأخیری طولانی به بیانیه مشترک روسیه و شورای همکاری خلیج فارس در مورد جزایر سه‌گانه ایران واکنش نشان داد و بدون محکوم کردن مواضع روس‌ها صرفاً اعلام کرد «مجلس این بیانیه را قویاً رد می‌کند.»

● روزنامه «جمهوری اسلامی» در مطلبی با اشاره به «هزینه‌های بسیار» که ایستادن در کنار روسیه برای جمهوری اسلامی به بار آورده تأکید کرد «نامرد تمام» بهترین نشانی است که می‌شود بر سینه روس‌ها زد.

راهبرد «نگاه به شرق» و «پرهیز از نگاه به غرب» که علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی آن را برای حکمرانی به مسئولان و مجریان حکومت دیکته کرده است به یکی از اهرم‌های اصلی ضربه به منافع ملی ایران تبدیل شده است.

رئیس مجلس شورای اسلامی در نشست علنی روز یکشنبه ۲۵ تیرماه در دفاع از تمامیت ارضی ایران با تأخیری طولانی به بیانیه مشترک روسیه و شورای همکاری خلیج فارس در مورد جزایر سه‌گانه ایران واکنش نشان داد و بدون محکوم کردن مواضع روس‌ها صرفاً اعلام کرد «مجلس این بیانیه را قویاً رد می‌کند.»

سردار پاسدار محمدباقر قالیباف محتاطانه گفت: «به همسایگان ایران از جمله روسیه اعلام می‌کنیم که حفظ ثبات و توسعه اقتصادی منطقه تنها بر مبنای رعایت اصول حسن همسایگی از جمله احترام به تمامیت ارضی کشورمان میسر است.» قالیباف با بیان اینکه «تمامیت ارضی ایران با خون صدها هزار تن از پاک‌ترین و شجاع‌ترین جوانان این آب و خاک حفظ شده است» تأکید کرد: «ما در این خصوص با هیچ طرفی مباحثات نمی‌کنیم. بعلاوه، روسیه که خود قربانی توسعه‌طلبی‌های ژئوپلیتیکی غرب و ناتو و در حال نبرد علیه آن است، نباید به برنامه ژئوپلیتیکی غرب برای بی‌ثبات‌سازی خلیج فارس کمک کند، آنهم در حالی که ایران تنها ضامن ثبات در خلیج فارس و خنثی‌کننده برنامه‌های خطرناک غرب در این منطقه حساس است.»

در همین ارتباط معین‌الدین سعیدی نماینده جابهار در مجلس شورای اسلامی می‌گوید: «هیچ کشوری در طول تاریخ اینگونه مانند روسیه به نوعی سرناسازگاری با منافع ایران

کارنامه جنبش‌های مدنی در یکصد سال اخیر



اعتراضات در ایران / آبان ۱۴۰۱

● دکتر «اریکا چنووت» استاد علوم سیاسی دانشگاه هاروارد در کتاب اخیر خود تحت عنوان «جنبش‌های مدنی» به ارزیابی کارنامه جنبش‌های مدنی در یکصد سال اخیر پرداخته است. تحقیقات وی که خلاصه آن در این کتاب آمده است، نشان می‌دهد که موثرترین روش برای تغییرات سیاسی و اجتماعی، جنبش یا مقاومت مدنی است.

● تحقیقات وی نشان می‌دهد در ۶۲۷ جنبش از سال ۱۹۰۰ تا ۲۰۱۶، میزان موفقیت جنبش مدنی دو برابر جنبش‌های خشونت‌آمیز بوده است. به ویژه در ۵۰ سال اخیر میزان جنبش‌های مدنی و موفقیت آنان در مقایسه با جنبش‌های خشونت‌آمیز رو به افزایش است.

● سوال مهمی که وی به دنبال آن است، علت این پدیده است. علت اصلی این پدیده، قدرت مردم است. مطالعات وی نشان می‌دهد که هیچ جنبش مدنی که حداقل ۵/۳ درصد افراد جامعه در آن شرکت کرده‌اند با شکست مواجه نشده است. میزان مشارکت مردمی در جنبش‌های مدنی چهار برابر جنبش‌های خشونت‌آمیز یا مسلحانه بوده است. جالب اینکه مشارکت مردمی در جنبش‌های مدنی با همکاری طیف گسترده‌تری از افراد جامعه از لحاظ جنس، سن، جنسیت، نژاد و تفاوت‌های دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی همراه بوده است.

● شمار زیاد شرکت‌کنندگان در جنبش، ریزش افراد در نیروهای امنیتی و نظامی و انتظامی، ابتکار در روش‌های مبارزه، ضرورت داشتن نظم و برنامه چهار عامل پیروزی جنبش‌های مدنی هستند. اما هر جنبشی با وجود داشتن همه این عوامل، به سازماندهی و رهبری نیز برای موفقیت نیاز دارد.

دکتر رضا سعیدی فیروزآبادی - جنبش مدنی به روشی از مقاومت گفته می‌شود که در آن شهروندان غیرمسلح از روش‌هایی نظیر اعتصاب، اعتراض، تظاهرات، نافرمانی مدنی و یا تحریم به منظور نیل به اهداف خود استفاده می‌کنند. جنبش مدنی برخلاف جنبش‌های خشونت‌آمیز یا مسلحانه به مخالفان خود آسیب جسمی وارد نمی‌آورد.

دکتر «اریکا چنووت» استاد علوم سیاسی دانشگاه هاروارد در کتاب اخیر خود تحت عنوان «جنبش‌های مدنی» به ارزیابی کارنامه جنبش‌های مدنی در یکصد سال اخیر پرداخته است. تحقیقات وی که خلاصه آن در این کتاب آمده است، نشان می‌دهد که موثرترین روش برای تغییرات سیاسی و اجتماعی، جنبش یا مقاومت مدنی است. او به ویژه تأثیر جنبش‌های مدنی با جنبش‌های خشونت‌آمیز را در یکصد سال اخیر مقایسه کرده است.

تحقیقات وی نشان می‌دهد در ۶۲۷ جنبش از سال ۱۹۰۰ تا ۲۰۱۶، میزان موفقیت جنبش مدنی دو برابر جنبش‌های خشونت‌آمیز بوده است. به ویژه در ۵۰ سال اخیر میزان جنبش‌های مدنی و موفقیت آنان در مقایسه با جنبش‌های خشونت‌آمیز رو به افزایش است.

سوال مهمی که وی به دنبال آن است، علت این پدیده است. علت اصلی این پدیده، قدرت مردم است. مطالعات وی نشان می‌دهد که هیچ جنبش مدنی که حداقل ۵/۳ درصد افراد جامعه در آن شرکت کرده‌اند با شکست مواجه نشده است. میزان مشارکت مردمی در جنبش‌های مدنی چهار برابر جنبش‌های خشونت‌آمیز یا مسلحانه بوده است.

جالب اینکه مشارکت مردمی در جنبش‌های مدنی با همکاری طیف گسترده‌تری از افراد جامعه از لحاظ جنس،

دردِ دگردیسی؛

مقاله دهم:

فرجام

دگردیسی

● جوامع در حال دگردیسی نیز در مرحله فرجام دگردیسی‌شان از الگوی پیله و پروانه پیروی می‌کنند. جامعه‌ای که از پس قرن‌ها کوشش برای خودآگاهی و پیشرفت به ضرورت یک تحول بنیادین رسیده و در مسیر دگردیسی پا نهاده، همواره با امکان این خطر روبروست که حتی اگر مراحل مختلف دگردیسی را به سلامت بگذراند، در فرجام این تحول دچار آسیب و شکست شود.

● خیزش ۱۴۰۱، مجموعه‌ای از درخشش‌ها و تاریکی‌ها را پیش چشم جامعه‌ی تشنه‌ی تغییر ایران نمایش داد. در این خیزش بی‌نهایت انسانی، برای نخستین بار پس از جنبش مشروطه، بخش‌های بزرگی از جامعه ایران، مقابل ارزش‌های کهنه و واپس‌گرای مذهب حاکم قیام کردند. در این قیام ملی، نسلی جوان- اما رسیده و پخته- به عرصه مبارزه پا گذاشت که عاصی از جباریت طبقه حاکم، جلودار و سلسله‌چینان جنبش شد.

● به برکت خیزش ملی ۱۴۰۱، جدایی میان ایرانیان پراکنده در سراسر گیتی کمتر از همیشه شد و بطلان دوگانه‌ی کاذب داخل/ خارج‌نشین آشکار شد. شبه‌رسانه‌های فارسی‌زبان وابسته به بیگانه هرچند در آغاز این خیزش از جو پرتلاهاب پیش آمده نهایت سوء استفاده را کردند و موجب ظهور و نمایش فرصت‌طلبان تجزیه‌طلب ایران‌ستیز و شارلاتان‌های سودجوی خطرناکی در عرصه مبارزه شدند اما به برکت استمرار و اصالت خیزش، خود و دست‌آموزان حقه‌بازشان پیش چشم عموم ایرانیان رسوا و بی‌آبرو شدند.

● خیزش ملی رخ داده در نیمه دوم سال ۱۴۰۱، شکاف بزرگی در پیله ضخیم استبداد حاکم بر جامعه ایران ایجاد کرد. از پس این خیزش تاریخی، تبهکاران حاکم بر جامعه ایران کمابیش دریافته‌اند که با هیچ ترفندی قادر به ترمیم این شکاف بزرگ نیستند. زمان به نفع دگردیسی جامعه در گذر است و دیر نیست که پروانه‌ی در حال تحول جامعه ایران، در خیزشی دیگر به کلی از پیله بیرون آید و نظام تبهکار جمهوری اسلامی را براندازد.

- همچنانکه از پیله درآمدن، فرجام دگردیسی پروانه نیست، برافتادن جمهوری اسلامی هم فرجام دگردیسی جامعه ایران نخواهد بود. فرجام این دگردیسی با به سلامت سر کردن دوران گذار از حکومت تبهکار جمهوری اسلامی و رسیدن به آزادی آراسته به نظمی نوین میسر است؛ چنانکه فرجام دگردیسی پروانه‌ها، بال گشودن به سوی زندگانی نو در آزادی است.

یوسف مصدقی- آخرین مرحله از دگردیسی پروانه‌ها شکافتن پیله و بیرون آمدن از این حصار خودساخته ←

سن، جنسیت، نژاد و تفاوت‌های دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی همراه بوده است.

نکته جالب دیگر این کتاب این است که جنبش‌های مدنی در تثبیت صلح و دموکراسی به مراتب از جنبش‌های خشونت‌آمیز موفق‌تر بوده‌اند. جنبش‌های مدنی در مقایسه با جنبش‌های خشونت‌آمیز، احتمال جنگ داخلی را به مراتب کمتر کرده‌اند. این کتاب نشان می‌دهد که موفقیت جنبش‌های مدنی به چهار عامل اصلی بستگی دارد:

اول، تعداد افراد شرکت‌کننده در جنبش است. جنبش‌های مدنی با همکاری طیف وسیعی از افراد جامعه از لحاظ سن، جنس، قومیت و تفاوت‌های اجتماعی و سیاسی همراه بوده‌اند. این تفاوت‌ها منجر به قدرت اجتماعی جنبش شده است، بطوری که باعث ریزش در افراد گروه مخالف و طبقه حاکم به ویژه نیروهای امنیتی می‌شود.

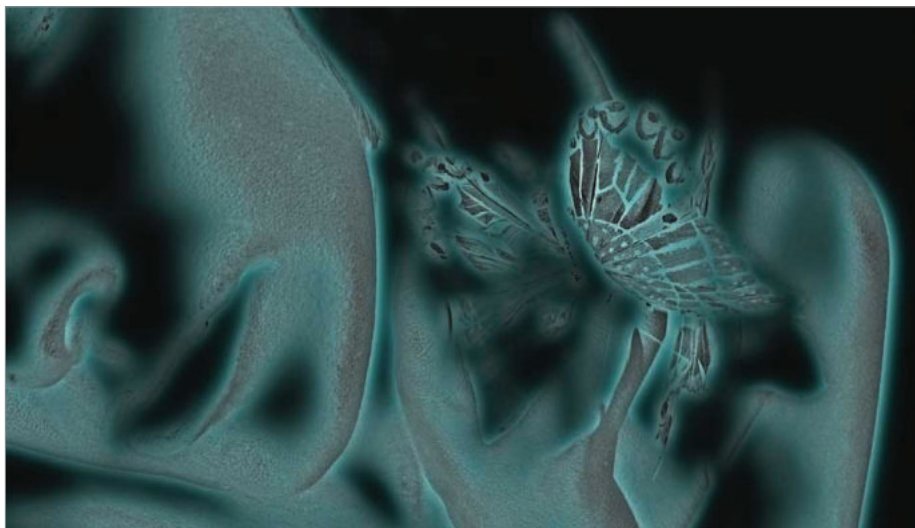
دوم، ریزش افراد در نیروهای امنیتی و نظامی و انتظامی؛ به عنوان مثال در انقلاب ۵۷ و یا جنبش مدنی در صربستان بسیاری از نیروهای امنیتی حاضر به شلیک علیه مردم نشدند، چون افراد خانواده و فرزندان خودشان را در میان مردم می‌دیدند و این عامل دوم موفقیت جنبش‌های مدنی است. سوم، ابتکار در روش‌های مبارزه است. به علت تفاوت‌های موجود در افراد مشارکت‌کننده در جنبش مدنی این جنبش‌ها به ابتکار عمل برای موفقیت نیاز دارند. به عنوان مثال تنها تظاهرات روزانه گاهی مؤثر نیست. ابتکارهایی نظیر نافرمانی مدنی یا بایکوت اقتصادی به موفقیت جنبش‌های مدنی کمک کرده است.

چهارم، ضرورت داشتن نظم و برنامه است. جنبش‌های مدنی که با وجود چالش‌های متعدد به هدف خود وفادار بوده و با پشتکار و تمرکز راهکارهای جدیدی را در طول زمان مقاومت خود ابداع کرده‌اند با موفقیت‌های بیشتری همراه بوده‌اند.

اما هر جنبشی با وجود داشتن هر چهار عامل به سازماندهی و رهبری نیز برای موفقیت نیاز دارد.

*دکتر رضا سعیدی فیروزآبادی پزشک متخصص پیوند اعضا و عضو کنونی هیئت هماهنگی پروژه ققنوس ایران است.

◆ ← انتشار مطالب دریافتی در «دیدگاه» و «تریبون آزاد» به معنی همکاری با کیهان لندن نیست.



→ نیست. در حقیقت، فرجام دگردیسی یک پروانه طی دو ساعت نخست پس از خروج از پیله، بیرون از پیله رخ می‌دهد. در این مرحله فرجامین از دگردیسی، پروانه‌ی نورسیده، خسته از کوشش جانفرسای دریدن پیله، جسم مرطوب و درهم‌پیچیده‌اش را به قشر خارجی پیله می‌آویزد و معلق میان زمین و آسمان می‌ماند تا جریان هوا و نیروی جاذبه زمین، بال‌های خیس و نارس‌اش را خشک، کشیده و بالغ کند.

این دو ساعت، سرنوشت‌سازترین و خطرناک‌ترین لحظات زندگی یک پروانه است. در این لحظات آویختگی، پروانه در مهم‌ترین و در عین حال بی‌دفاع‌ترین وضعیت تمام دوران حیاتش قرار می‌گیرد. ناتوان از حرکت، در انتظاری ناگزیر، خارج از قفس امن پیله، پروانه‌ی نورس، فرجام دگردیسی‌اش را تجربه می‌کند. اگر پروانه‌ی خسته نتواند این دو ساعت را به سلامت به سر ببرد و در امنیت و دور از خطرات محیطی نیروی مورد نیازش برای بال‌گشودن را فراهم آورد، فرجام دگردیسی‌اش مرگ و نیستی است.

جوامع در حال دگردیسی نیز در مرحله فرجام دگردیسی‌شان از همین الگو پیروی می‌کنند. جامعه‌ای که از پس قرن‌ها کوشش برای خودآگاهی و پیشرفت به ضرورت یک تحول بنیادین رسیده و در مسیر دگردیسی یا نهاد، همواره با امکان این خطر روبروست که حتی اگر مراحل مختلف دگردیسی را به سلامت بگذراند، در فرجام این تحول دچار آسیب و شکست شود.

احتمال آسیب و شکست در فرجام یک دگردیسی اجتماعی رابطه‌ای مستقیم با میزان خستگی، فرسودگی و ناامیدی باشندگان یک جامعه‌ی در حال تحول دارد. جامعه‌ای که در جدال با ارزش‌های کهن و پوسیده‌ی حاکم، دچار تعارضات و درگیری‌های شدید درونی شده و بخش‌های مختلف و متنوع آن بر سر وجود و عدم این ارزش‌ها با نظام حاکم پنجه در انداخته‌اند، دچار خستگی و فرسودگی ناگزیری می‌شود. حتی اگر تلاش جامعه منجر به برانداختن نظام حاکم شود، خستگی و فرسودگی حاصل از این کوشش جانفرسا، امکان رخ دادن آسیب‌های اساسی و حتی خطر فروپاشی جامعه را بالا می‌برد.

در یک جامعه‌ی در حال دگردیسی، دوران گذار میان برافتادن نظام پوسیده پیشین و برآمدن نظم نوین، به همان دو ساعتی می‌ماند که پروانه‌ی از پیله درآمده برای کامل شدن دگردیسی‌اش، ناگزیر از تحمل آن است. فرجام خوش برای دگردیسی یک جامعه، تنها با تدبیر و مدیریت این دوران گذار است که ممکن می‌شود. جامعه‌ای که حصار استبداد قدیم را شکسته، خسته از تعارضات، انتظارات و تلفات، نیاز به بازیابی توش و توانش دارد. در چنین وضعیتی، جامعه از یکسو به عرصه تاخت و تاز نیروهایی با منافع متعارض تبدیل می‌شود و از سوی دیگر، چنین شرایطی همسایگان و رقبای منطقه‌ای و قدرت‌های جهانی را به طمع سوء استفاده از این وضعیت می‌اندازد.

چنانکه در مقالات پیشین این مجموعه شرح داده شد، جامعه ایران پس از خیزش سراسری ۱۴۰۱ در آستانه فرجام یک چنین دگردیسی است. خیزش ۱۴۰۱، مجموعه‌ای از درخشش‌ها و تاریکی‌ها را پیش چشم جامعه‌ی تشنه‌ی تغییر ایران نمایش داد. در این خیزش بی‌نهایت انسانی، برای نخستین بار پس از جنبش مشروطه، بخش‌های بزرگی از جامعه ایران، مقابل ارزش‌های کهنه و واپس‌گرای مذهب حاکم قیام کردند. در این قیام ملی، نسلی جوان- اما رسیده و پخته- به عرصه مبارزه پا گذاشت که عاصی از جباریت طبقه حاکم، جلودار و سلسله‌جنبان جنبش شد. این نسل با شجاعت شگفت‌آوری، به دیگر ناراضیان جامعه ایران انگیزه

بخشید تا به طغیانی عمیق و دامنه‌دار علیه وضع موجود پیبوندند.

به برکت خیزش ملی ۱۴۰۱، جدایی میان ایرانیان پراکنده در سراسر گیتی کمتر از همیشه شد و بطلان دوگانه‌ی کاذب داخل/ خارج‌نشین آشکار شد. شبه‌رسانه‌های فارسی‌زبان وابسته به بیگانه هرچند در آغاز این خیزش از جو پرالتهاپ پیش آمده نهایت سوء استفاده را کردند و موجب ظهور و نمایش فرصت‌طلبان تجزیه‌طلب ایران‌ستیز و شارلاتان‌های سودجوی خطرناکی در عرصه مبارزه شدند اما به برکت استمرار و اصالت خیزش، خود و دست‌آموزان حقه‌بازشان پیش چشم عموم ایرانیان رسوا و بی‌آبرو شدند.

خیزش سراسری ۱۴۰۱ همچنین موجب شد که پیشینه‌ی ایرانیان دریابند که برای برانداختن حکومت تبهکار جمهوری اسلامی جز همت خودشان سرمایه و پشتیبان دیگری ندارند. این جنبش، نقاب از سیاست‌های ریاکارانه دولت‌های غربی و رقبای منطقه‌ای جمهوری اسلامی برداشت و این نکته را به عموم معترضان برانداز به عینه ثابت کرد که این دولت‌های دروغگو و دودوزه‌باز تنها به منافع کوتاه‌مدت و گذرای خود توجه دارند و تمامی شعر و شعارهای فریبنده‌شان در باب حقوق بشر، دموکراسی و انسان‌گرایی تنها به کار بزرگ چهره‌های ریاکار دولتمردان‌شان می‌آید.

جوانان برومند و آزاده‌ای که جسم و جانشان را در خیزش ۱۴۰۱ فدای دگردیسی جامعه ایران کردند، تصاویری نو از ایثار و شهادت در خاطره‌ی جمعی ملت ایران به یادگار گذاشتند. این تصویرها، نسلی از جوانان ایرانی را نمایندگی می‌کنند که در عین آگاهی، با عشق به زندگی، برای آزاد زیستن رو در روی جنایتکارانی هستند که مفهوم شهادت را برای سال‌ها مصادره کرده و چهره شهید را به نام و تصویر موجوداتی عقب‌مانده و امی سند زده‌اند. گلگون‌کفنان خیزش ملی ۱۴۰۱، نشان دادند که چهره‌ی آنانی که به راستی برای میهن و آزادی، جان شیرین می‌سپارند، با آن شهدای «امت» و «امام» که تصاویر باسمة‌ای‌شان هر روز از بام تا شام خوراک دستگاه تبلیغات دروغ‌پراکن جمهوری تبهکار اسلامی هستند، یکسره و از بنیاد تفاوت دارند.

خیزش ملی رخ داده در نیمه دوم سال ۱۴۰۱، شکاف بزرگی در پیله ضخیم استبداد حاکم بر جامعه ایران ایجاد کرد. از پس این خیزش تاریخی، تبهکاران حاکم بر جامعه ایران کمابیش دریافته‌اند که با هیچ ترفندی قادر به ترمیم این شکاف بزرگ نیستند. زمان به نفع دگردیسی جامعه در گذر است و دیر نیست که پروانه‌ی در حال تحول جامعه

ایران، در خیزشی دیگر به کلی از پیله بیرون آید و نظام تبهکار جمهوری اسلامی را براندازد. همچنانکه از پیله درآمدن، فرجام دگردیسی پروانه نیست، برافتادن جمهوری اسلامی هم فرجام دگردیسی جامعه ایران نخواهد بود. فرجام این دگردیسی با به سلامت سر کردن دوران گذار از حکومت تبهکار جمهوری اسلامی و رسیدن به آزادی آراسته به نظمی نوین میسر است؛ چنانکه فرجام دگردیسی پروانه‌ها، بال‌گشودن به سوی زندگانی نو در آزادی است.

تاریخ پر فراز و نشیب سرزمین ما، داستان شکل‌گیری هویتی یگانه و بی‌بدیل را روایت می‌کند. این هویت یکتا و بی‌نظیر، آراسته به زیباترین واژه جهان، یعنی «ایران» است. اگر ایرانیان به درک هستی ایران و فهم ارجمندی ایرانی بودن برسند، آماده خواهند بود تا از انتظار، خستگی و خطرات دوران گذار از جمهوری اسلامی به سلامت عبور کنند و دگردیسی پیش روی جامعه ایران را با پیروزی به فرجام برسانند.

فهم این نکته- که فروغی بزرگ پیش چشم ما گذاشته- که: «مملکت ما ایران است و ما ایرانی هستیم»، پادزهر تمام سموم و چاره تمام مشکلات و مخاطراتی است که پس از براندازی حکومت تبهکار جمهوری اسلامی دامنگیر جامعه ما خواهند شد. تکیه بر هویت ایرانی و ترویج بی‌وقفه میهن‌دوستی نه تنها از فروپاشی جامعه ما در دوران گذار جلوگیری خواهد کرد بلکه علاوه بر آن، درد دگردیسی جامعه ما را به فرجام خواهد رساند. چنانکه مهدی اخوان ثالث آرزو کرده، باشد که تا جهان باقیست سرنوشت ایران ما برومندی، بیداری و بهروزی باشد:

ز پوچ جهان هیچ اگر دوست دارم
تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم
تو را ای کهن پیر جاوید برنا
تو را دوست دارم، اگر دوست دارم
تو را ای گرافامیه، دیرینه ایران
تو را ای گرامی گهر دوست دارم
...

دگر باره برشو به اوج معانی
که‌ت این تازه رنگ و صور دوست دارم
نه شرقی، نه غربی، نه تازی شدن را
برای تو، ای بوم و بر دوست دارم
جهان تا جهان است، پیروز باشی
برومند و بیدار و بهروز باشی

تداوم فلاکت ناشی از گرانی؛ دولت مدعی کاهش تورم و مهار قیمت ارز!



گذشته قیمت گوشت ۲۸۵ درصدی، قیمت مرغ ۶۷۰ درصدی و قیمت برنج ۵۹۲ درصد گران شده است. حمید آذرمنند کارشناس و تحلیلگر اقتصادی اما ریشه مشکل را از پیش از اجرای طرح «جراحی اقتصادی» و از اقدامات دولت حسن روحانی در زمینه ارز ۴۲۰۰ تومانی ارزیابی می‌کند. به عقیده این تحلیلگر اقتصادی «زنجیره تامین محصولات کشاورزی به شدت آسیب دیده است.» حمید آذرمنند با انتشار مطلبی در کانال تلگرامی‌اش نوشته که «از مرداد ۹۷ که گروه‌های هدف ارز ۴۲۰۰ معین شد، همزمان با افزایش سختگیری در تخصیص ارز، دخالت‌ها و نظارت‌های مربوط به واردات و توزیع نهاده و توزیع محصولات کشاورزی بیشتر شد و قیمت‌گذاری محصولات غذایی تشدید شد. هدایت شرکت‌ها به تامین نهاده از طریق سامانه بازارگاه هم مزید بر مشکلات شد.» این تحلیلگر اقتصادی افزوده که «تولیدکنندگان محصولات غذایی بطور خاص زنجیره‌های بزرگ طیور در این ۵ سال با چالش جدی برای تامین ارز، تامین نهاده، فروش محصول و تامین مالی مواجه بودند. درواقع چالش اصلی صنایع غذایی، آسیبی است که به زنجیره تامین این صنعت و ظرفیت‌های تولید این بخش وارد شده است.» حمید آذرمنند نوشته که «در این شرایط، اگر برای مدیریت بازار، بجای رفع چالش‌ها و مشکلات صنایع غذایی و کمک به بازسازی زنجیره تامین، فشار مضاعف برای کنترل قیمت وارد شود، بنگاه‌های تولیدی با آسیب بیشتر مواجه شده و به تبع آن ظرفیت عرضه بیش از پیش آسیب خواهد دید.» به عقیده این تحلیلگر اقتصادی، با توجه به اینکه ظرفیت صنایع غذایی کشور به ویژه در زنجیره طیور و محصولات پروتئینی، لبنیات، غلات و روغن، ظرفیتی کافی و قابل اتکا است، با کاهش دخالت‌ها و افزایش انعطاف در فرایند تامین نهاده، توزیع و مدیریت بازار، امکان تعادل بخشی به منابع و مصارف این بخش و ثبات بازار وجود دارد. اینهمه در حالیست که دولت همچنان بر کاهش

درصدی قیمت مرغ نیز ثبت شده است. طبق بررسی‌ها، قیمت برنج در سال ۱۳۹۹ حدود ۲۶ هزار تومان بوده است، اما قیمت آن در کمترین بها در بازار به قیمت ۱۳۰ تا ۱۸۰ هزار تومان هم می‌رسد. قیمت یک لیتر شیر نیز در سال ۱۳۹۹ از سوی دولت ۶ هزار تومان اعلام شده بود اما این محصول در تابستان جاری به قیمت ۳۰ هزار تومان در لبنیاتی‌ها به فروش می‌رسد. این گزارش تاکید کرده است که قیمت تن ماهی، تخم‌مرغ، روغن، حبوبات، پنیر و سایر اقلام و حتی نان هم در این دو سال با چنان افزایشی مواجه بوده که در طول ۴ دهه گذشته بی‌سابقه است. احسان سلطانی کارشناس و پژوهشگر اقتصاد نیز در توییت خود نوشت: «بر اساس آمارهای دولتی، قیمت غذا در مرداد ۱۴۰۱ نسبت به سال ۱۳۹۶، بیش از ۷ برابر افزایش یافته، آنهم در شرایطی که حقوق و دستمزدها حداکثر بین ۳ تا ۵ برابر بالا رفته است.» او با بیان اینکه «تورم بالای مواد غذایی برای چهار سال مستمر» در تاریخ ایران حتی در زمان قحطی‌های بزرگ و وقوع جنگ و حتی اشتغال کشور، بی‌سابقه است افزود: «در چارچوب اقتصاد سیاسی ایران و رویکرد و اقدامات دولت و مجلس، روند رشد قیمت مواد غذایی همچنان ادامه خواهد یافت و آنچه در بازار اتفاق افتاده توقف کشتی قیمتی و ناتوانی مردم از خرید است.» گزارش دیگری از بررسی تورم نقطه‌ای مواد خوراکی در خرداد امسال نشان می‌دهد متوسط قیمت اقلام خوراکی در خردادماه، ۷۱ درصد نسبت به سال قبل افزایش یافته است. گوشت ۸۲ درصد، لبنیات ۸۱ درصد، نان و غلات ۶۶ درصد گران شده‌اند. آمار دیگری که از سوی وبسایت «اقتصادنیوز» منتشر شده نشان می‌دهد پس از طرح «جراحی اقتصادی» دولت ابراهیم رئیسی برای حذف ارز ترجیحی تورم اساسی در قیمت مواد خوراکی آغاز شده است. در طول سه سال

متوسط قیمت اقلام خوراکی در خردادماه، ۷۱ درصد نسبت به سال قبل افزایش چشمگیری داشته است. گوشت ۸۲ درصد، لبنیات ۸۱ درصد، نان و غلات ۶۶ درصد گران شده‌اند. تورم و به ویژه تورم مواد خوراکی زندگی بیش از ۲۰ میلیون خانواده کارگری و بازنشسته و حداقل‌بگیر را با بحران‌های گسترده روبرو کرده است. احسان سلطانی کارشناس و پژوهشگر اقتصاد: در چارچوب اقتصاد سیاسی ایران و رویکرد و اقدامات دولت و مجلس، روند رشد قیمت مواد غذایی همچنان ادامه خواهد یافت و آنچه در بازار اتفاق افتاده توقف کشتی قیمتی و ناتوانی مردم از خرید است. محمود جامسار اقتصاددان معتقد است یکی از دلایل افزایش مداوم تورم ناترازی بودجه است که ریشه در «ساختار معیوب اقتصادی» دارد. در شرایطی که به ظاهر افزایش قیمت دلار در دو هفته گذشته مدیریت شده و دولت نیز مدعی کاهش تورم است، مردم در روند روزانه زندگی هیچ اثری از وضعیت رو به بهبود را تجربه نمی‌کنند. هزینه زندگی به ویژه در اقلام خوراکی همچنان روند افزایشی دارد و ارزش واقعی درآمدها نیز با کاهش روبروست. روزنامه اینترنتی «فراز» در گزارشی درباره گرانی اقلام خوراکی نوشته تورم مواد خوراکی در ۴ ماه اول سال آنقدر هولناک است که نه تنها در تصورات کسی نمی‌گنجد بلکه تقریباً همه قدرت پردازش ارقام را از دست داده‌اند. بر اساس این گزارش، نرخ گوشت گوسفند به ازای هر کیلو به رقمی بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان رسیده و در یکسال افزایش ۱۷۷ درصدی داشته است. مصرف گوشت قرمز در ایران در ده سال گذشته بطور پیوسته کاهش یافته و به ۴ کیلوگرم در پایان سال ۱۴۰۱ رسیده است. به این ترتیب مصرف سرانه گوشت در ایران نسبت به سرانه مصرف جهانی، ۱۷/۱ درصد کمتر است. در همین دوره گرانی ۶۷۰

افزایش شاخص فلاکت در ایران انتقاد رسانه‌های حکومتی به دولت رئیسی



جمهوری اسلامی است و تورم ۴۸/۵ درصد خرداد ۱۴۰۲ نشان می‌دهد که نرخ فلاکت در هشت استان ایران بالاتر از ۶۰ درصد و مابقی استان‌ها بالاتر از ۵۵ درصد ایستاده است.

در سال ۱۳۹۵ شاخص فلاکت ۱۹/۳ درصد بود و رکورد این شاخص در سال ۱۳۷۴ با رقم ۵۸/۴ درصد ثبت شده بود.

شاخص فلاکت یکی از شاخص‌های مهم از دید اقتصاددانان است که نه تنها تصویری از وضعیت اقتصاد را به نمایش می‌گذارد بلکه افزایش رقم آن نشانه افزایش ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی مانند جرم و جنایت، فقر، خودکشی، کاهش نرخ رشد جمعیت و افزایش طلاق است.

شرایط اسفناک اقتصادی سبب انتقادهای رسانه‌های اصولگرا و اصلاح‌طلب به عملکرد دولت شده است و با نزدیک شدن به انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، برخی نمایندگان نیز انتقاد از دولت را برای بسترسازی رقابت انتخابی و تحت تأثیر قرار دادن مردم به کار گرفته‌اند.

روزنامه «جهان صنعت» با هشدار به حکومت نوشته که «وقتی خط فقر در یک کشور بطور قابل توجهی بالاتر از پایه حقوق کارگران و شهروندان آن باشد، دولت‌مردان باید بدانند چندین مشکل اجتماعی به وجود می‌آید که در نهایت چون بومرنگ به سمت مدیریت دولتی برمی‌گردد و ضربه وارد می‌کند. درآمد زیر خط فقر سلامت جسمی و روحی افراد و خانواده را دچار مشکلات جدی می‌کند، این در حالی است که دولت را هم در حل معضلات و مشکلات اقتصادی و اجتماعی وارد چالش‌های پیچیده می‌کند.»

در این مطلب آمده که برای افراد کم‌درآمد انجام فعالیت‌های تفریحی یا دسترسی به امکاناتی مانند مراکز ورزشی و مکان‌های فرهنگی دشوار می‌شود که به انزوای اجتماعی و آسیب‌های ناشی از آن می‌انجامد،

بر اساس تازه‌ترین محاسبات از شاخص فلاکت، این شاخص به رقم هشدارآمیز ۵۷/۷ درصد رسیده است. در سال ۱۳۹۵ شاخص فلاکت ۱۹/۳ درصد بود و رکورد این شاخص در سال ۱۳۷۴ با رقم ۵۸/۴ درصد ثبت شده بود.

شاخص فلاکت یکی از شاخص‌های مهم از دید اقتصاددانان است که نه تنها تصویری از وضعیت اقتصاد را به نمایش می‌گذارد بلکه افزایش رقم آن نشانه افزایش ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی است.

روزنامه «جهان صنعت»: «وقتی خط فقر در یک کشور بطور قابل توجهی بالاتر از پایه حقوق کارگران و شهروندان آن باشد، دولت‌مردان باید بدانند چندین مشکل اجتماعی به وجود می‌آید که در نهایت چون بومرنگ به سمت مدیریت دولتی برمی‌گردد و ضربه وارد می‌کند.»

روزنامه «جوان»: «وزارتخانه‌های کلیدی مرتبط با این بخش‌ها یعنی «جهاد کشاورزی»، «صنعت، معدن و تجارت» و «سازمان برنامه و بودجه» طی ۲۰ ماه گذشته با مدیریت متزلزل و تغییرات مکرر همراه بوده‌اند و نتیجه این «بی‌مدیریتی» در سفره مردم ظاهر شده است.»

جلال محمودزاده: از وعده‌های اقتصادی رئیسی رسیده‌ایم به صف‌های عریض و طویل کالا و مرغ و نان، گرانی چند برابری، تورم ۱۰۰ درصدی، افت شدید ارزش پول ملی و فلاکت غذایی و اقتصادی کشور!

در ادامه رکود تورمی و گرانی فزاینده در ایران، شاخص فلاکت با افزایش قابل توجهی روبرو شده است. گرانی کالاها و خدمات مردم را زیر فشارهای شدیدی قرار داده و پدیده‌های ناشی از فقر در کشور رو به افزایش است.

بر اساس تازه‌ترین محاسبات از شاخص فلاکت، این شاخص به رقم هشدارآمیز ۵۷/۷ درصد رسیده است. شاخص فلاکت از افزودن نرخ بیکاری به نرخ تورم به دست می‌آید. بررسی گزارش رسمی خرداد مرکز آمار ایران از میانگین نرخ بیکاری ۹ درصد سال ۱۴۰۱ که مورد ادعای

تورم اصرار دارد؛ موضوعی که کارشناسان آن را رد می‌کنند و معتقدند هر زمان در آینده نزدیک احتمال انفجار تورمی وجود دارد مگر اینکه دولت تغییر نگرش و رویه زیربنایی در مدیریت اقتصادی داشته باشد. محمود جامسار اقتصاددان معتقد است یکی از دلایل افزایش مداوم تورم ناترازی بودجه است که ریشه در «ساختار معیوب اقتصادی» دارد.

جامساز در گفتگو با وبسایت «فرارو» تأکید کرده است که «ارزش پول ملی طی ۴۴ سال گذشته بیش از ۴۶۰۰ برابر کاهش یافته، نرخ ارز هفت هزار برابر شده و حجم نقدینگی از ۲۵۸ میلیارد تومان به بیش از ۶ هزار و ۲۰۰ تریلیون تومان در پایان ۱۴۰۱ رسیده است.»

دولت اما مدعی است که توانسته نرخ ارز را مهار کند. در دو هفته گذشته بازار ارز ایران با تنش‌های افزایشی قیمت روبرو نبوده است. هادی حق‌شناس در گفتگو با وبسایت «اقتصاد ۲۴» درباره ثابت ماندن قیمت ارز طی روزهای گذشته گفته «اینکه نرخ دلار این روزها ثابت مانده است، باید ببینیم وضعیت بهتر شده است یا بدتر؟ در واقع بازار منتظر است، اتفاقی مثبت یا منفی بیفتد تا واکنش نشان بدهد. بطور مشخص درباره وضعیت اقتصاد ایران باید گفت، معلوم است که فضای اقتصادی ارتباطی ۱۰۰ درصدی با روند مذاکره‌هایی دارد که بین ایران و غرب در حال انجام است.» این تحلیلگر اقتصادی افزوده «شرایطی که در اقتصاد شکل می‌گیرد، منتظر تصمیم‌های سیاسی در سطح کلان است. به این دلیل که فضای دیپلماسی در ایران با نوعی بلاتکلیفی مواجه است و شاهد رکود در مراودات اقتصادی هستیم. در واقع گره‌های اقتصادی دلایل غیراقتصادی دارند، یعنی اگر قرار بود نرخ تورم و رشد نقدینگی در نرخ ارز تأثیرگذار باشد، شاهد اتفاقات دیگری بودیم.»

هادی حق‌شناس با تأکید بر اینکه «در نتیجه تاجدل با غرب، محدودیت‌های اقتصادی روز به روز بیشتر می‌شود» گفته که «شرح این شرایط ما را به این نتیجه ملموس می‌رساند که اگر تنازع ایران با نظام بین‌الملل تمام شود یا حداقل کم‌رنگ‌تر باشد و امکان داد و ستد با کشورهای دیگر برای ما میسر شود، همزمان با ثبات ارز می‌توانیم در انتظار باز شدن گره‌های اقتصادی باشیم. با این توضیح که مشاهدات، مؤید این موضوع است که تاجدل ایران با غرب، به ویژه با آمریکا نقطه پایانی ندارد و در نتیجه، موانع اقتصادی روز به روز بلندتر و بازم در نتیجه محدودیت‌های اقتصادی روز به روز بیشتر و دردسرسازتر خواهند شد.»

در آنسو تورم و به ویژه تورم مواد خوراکی زندگی بیش از ۲۰ میلیون خانواده کارگری و بازنشسته و حداقل‌بگیر را با بحران‌های گسترده روبرو کرده است.

فرامرزی توفیقی فعال کارگری با انتقاد از آمارهای مورد ادعای دولت درباره نرخ تورم گفته که «تورم یک‌شبه کاهش نمی‌یابد و کاهش تورم نقطه به نقطه که اعلام می‌کنند، بیشتر بازی با اعداد است تا واقعیت؛ ادعا می‌کنند تورم نقطه به نقطه کم شده اما اگر آقای خاندوزی سری به بازار بزنند، می‌بینند که حتی مرغ هم اعتنایی به تورم نقطه به نقطه‌ای آقایان نمی‌گذارد! قیمت هر کیلو مرغ در شهرهای بزرگ به ۱۰۰ هزار تومان رسیده است. پس حتی مرغ هم اعتنایی به داده‌های رسمی و اعلامی وزارت اقتصاد ندارد چه برسد به اقلام دیگر!»

فرامرزی توفیقی افزوده که «در این بین کارگران تنها مانده‌اند و همه نمک بر زخم مزدبگیران می‌پاشند؛ مرکز آمار باید مؤلفه‌های تأثیرگذار بر نرخ تورم و سبد تورمی خود را اعلام کند تا بدانیم چطور نرخ‌های رسمی را محاسبه می‌کنند.»

محکومیت یک سال زندان برای نماینده افشاگر رشوه اتومبیل شاسی‌بلند به مقامات

● احمد علی‌رضا بیگی گفته تنها یک روز از برگزاری دادگاه گذشته بود که با وجود درخواست او برای رسیدگی به پرونده‌اش در دادگاه سیاسی، حکم یک سال زندان علیه او صادر شد.

● نماینده تبریز در مجلس شورای اسلامی: من در جایگاه نمایندگی مردم از حقوق آنها دفاع کردم و در این راه از چیزی کوتاهی نکرده‌ام و برای هر سرنوشتی هم آماده‌ام.

● این عضو مجلس شورای اسلامی اوایل اردیبهشت‌ماه از رشوه‌دهی ۳۰۰ دستگاه اتومبیل شاسی‌بلند به نمایندگان مجلس، امامان جمعه و فرمانداران و دیگر مقامات خبر داده بود.

احمد علی‌رضاییگی نماینده مجلس شورای اسلامی که خبر رشوه‌دهی به مقامات حکومتی با واگذاری اتومبیل‌های شاسی‌بلند را افشا کرده بود به یک سال زندان محکوم شده است.

احمد علی‌رضاییگی از برگزاری دومین جلسه دادگاه خود در روز یکشنبه هفته جاری به اتهام نشر اکاذیب خبر داد و گفت تنها یک روز از برگزاری دادگاه گذشته بود که با وجود درخواست او برای رسیدگی به پرونده‌اش در دادگاه سیاسی، حکم یک سال زندان علیه او صادر شد.

به گفته این نماینده مجلس شورای اسلامی، در صورت تأیید رأی در دادگاه تجدید نظر به دلیل اینکه هیئت نظارت بر رفتار نمایندگان این پرونده را خارج از وظایف نمایندگی تشخیص داده است، یک سال حبس او از زمان تأیید حکم قابل اجرا خواهد بود.

احمد علی‌رضا بیگی همچنین گفته به دلیل ادله‌ای که در اختیار دارد، دادگاه او باید به صورت علنی در محکمه سیاسی با حضور هیئت منصفه تشکیل شود. چرا که به اعتقاد او اتهامات وارده به او جزو اتهامات سیاسی است و دادگاه فعلی صلاحیت رسیدگی به این پرونده را ندارد.

نماینده تبریز در مجلس شورای اسلامی افزوده که «من در جایگاه نمایندگی مردم از حقوق آنها دفاع کردم و در این راه از چیزی کوتاهی نکرده‌ام و برای هر سرنوشتی هم آماده‌ام و از طریق دستگاه قضا حقانیت خود را پیگیری خواهم کرد. ضمن اینکه طی ۲۰ روز که برای اعتراض فرصت قانونی دارم اعتراض خود به رأی صادره را اعلام خواهم کرد.»

به عقیده او «اشکالات زیادی به پرونده فوق وارد است، اما متأسفانه دادگاه درصدد کشف حقیقت نیست تا مشخص شود خانی که در کوهشدت لرستان به دامداری مشغول است، بر چه مبنایی با یک شرکت خودرویی قرارداد امضا کرده و این شرکت چرا این قرارداد را به انضمام امضای مدیر کل منابع انسانی مجلس که تعدادی را برای دریافت خودرو معرفی کرده، اجرا کرده است؟»

بر اساس توضیحاتی که محمد علی‌رضا بیگی ارائه داده شاکي خصوصي او رضا فاطمي امين وزير عزل شده صمت است. رضا فاطمی امین وزیر پیشین صمت در کابینه ←

خودمان در داخل عزت مردم را نشکنیم هیچ قدرتی در خارج توانایی آن را ندارد.»

دولت رئیسی اما مدعی کاهش شدن روند تورم است. موضوعی که روزنامه «اطلاعات» آن را رد کرده و گفته برای مردم «مظنه‌ای» به نام یخچال وجود دارد: «فراموش نکنیم، در هر خانه در کنار تلویزیون «مظنه»‌ای به نام یخچال هست که مردم عیار سخنان هیجانزده مسئولان را با آن می‌سنجند و نهایتاً در تناقض سخنان تلویزیون و یخچال، حرف یخچال را باور می‌کنند.»

غلامرضا نوری قزلیچه نماینده مجلس شورای اسلامی نیز در واکنش به ادعای کاهش تورم که از سوی دولت مطرح شده گفته که «مسئولان مدام می‌گویند تورم ۴۰ درصد است، این در حالی است که می‌بینیم تورم ۱۲۰ درصد است، پس بطور می‌گویند تورم ۴۰ درصد است. واقعیت امر همان است که در عمل اتفاق می‌افتد و بازی کردن با این اعداد و رقم‌ها چیزی نیست که بر مردم پوشیده باشد، چراکه مردم هر روز خرید می‌کنند و روزانه این مسائل را می‌بینند و کاش تصمیم‌گیران و کسانی که پست دارند، کمی در بیان آمارها دقت کنند که بی‌اعتمادی در جامعه بیشتر نشود.»

علی رضایی عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی نیز در گفتگو با وبسایت «فرارو» گفته «آنچه که واقعیت جامعه است و کف بازار و به شکل ملموس می‌بینیم نشان از فشار تورمی جدی روی دوش مردم دارد. اگر رئیس جمهور بگوید نسبت به ماه قبل یا بر اساس تورم نقطه به نقطه، تورم کشور کم شده است، قاضی‌های اصلی صحت این مدعاها، مردم کف کوچه و خیابان خواهند بود. مردم باید تغییرات تورمی را بر سفره‌های خود ببینند. وقتی مردم این تغییرات تورمی را تأیید نکنند، عدد گذاری، خواه ۴۰ درصد و خواه ۱۲۰ درصد بی معنا خواهد شد.»

علی رضایی افزوده که «حداقل بخشی از مردم ما درگیر مشکلات حاد معیشتی هستند، اما، چون محجوبند، داد و فریاد نمی‌زنند. همه مسئولان و افرادی که در بدنه اقتصادی دولت هستند باید برای نجات مردم تلاش کنند و اجازه ندهند مردم نجیب ایران بیش از حد درگیر فشار باشند. من معتقدم کلید همه چیز در دستان دولت است. اگر دولت اراده‌ای برای تغییر شرایط مردم داشته باشد، وضعیت اقتصاد کشور کنترل می‌شود.»

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی تأکید کرده که «حقیقت این است که در حوزه نظارت نیز ضعیف عمل می‌شود؛ هم در حوزه قانون گذاری که نقد به ما نمایندگان وارد است و برخوردی مجلس از بازدارندگی کافی برخوردار نیست و افراد سوءاستفاده‌گر به کار خود ادامه می‌دهند و هم در حوزه اجرایی که متأسفانه دولت مدام «قیمت دستوری» را پیشنهاد می‌دهد. اما با دستور دادن کاری انجام نمی‌شود. این، سیستم عرضه و تقاضاست که نرخ و قیمت‌ها را تعیین می‌کند.»

در این میان آیت الله محمدعلی ایزای عضو مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم نیز گفته که «استفاده ابزاری از شعائر دینی در زمانی که مردم با فقر و فلاکت روبرو هستند، دامن زدن به نارضایتی‌ها است.»

به گفته این آخوند «بریز و پباش‌هایی که فراوان اتفاق می‌افتد، چه از بودجه عمومی باشد، و چه توسط مردم، قابل قبول نیست. نهادهای فرهنگی، مردم را به خطرات و مضرات این گونه مخارج غلط و نادرست آگاه سازند الا شاهد ناراحتی مردم از برخی از اینگونه هزینه‌ها هستیم که برای آنان قابل پذیرش نیست.»

→ محدودیت‌های مالی شرکت در رویدادهای اجتماعی، سرگرمی‌ها و گردهمایی‌های اجتماعی را محدود می‌کند و بطور بالقوه منجر به افزایش انزوای اجتماعی می‌شود و خشم اجتماعی را می‌افزاید.

«جهان صنعت» افزوده که فقر مالی یعنی شکل‌گیری نابرابری سلامت و بهداشت و درمان، درآمد کم در برابر هزینه کلان مراقبت‌های بهداشتی، مراقبت‌های پیشگیرانه و داروهای ضروری، گسترش بیماری‌ها که هزینه زندگی سالم را هم برای شهروندان زیاد می‌کند و هم به دولت ضرر می‌رساند. از سوی دیگر نابرابری درآمد با تورم، نابرابری‌های بهداشتی را تشدید می‌کند و منجر به پیامدهای سلامت ضعیف‌تر در میان جمعیت‌های حاشیه‌نشین می‌شود.

روزنامه اصولگرای «جوان» هم در مطلبی نوشته که این روزها به هر فروشگاه، میوه‌فروشی، مرغ‌فروشی و قصابی که مراجعه می‌کنیم، یخچال‌ها و پیشخوان مغازه‌ها مملو از کالا است. عرضه‌کنندگان از نبود مشتری و کاهش قدرت خرید مردم سخن می‌گویند و فراوانی کالا را با کاهش سطح عرضه مرتبط می‌دانند، اما آمار وزارت جهاد کشاورزی از افزایش تولید میوه، مرغ، گوشت و لبنیات در سال جاری حکایت دارد. اکنون سؤال این است، چرا به رغم فراوانی عرضه، قیمت‌ها گران است؟

این مطلب افزوده که گرانی قیمت مواد غذایی از میوه و صیفی گرفته تا لبنیات و مرغ و گوشت حتی در ایام افزایش تولید نوبر است. اکنون در روزهای قرار داریم که فصل نوبرانه‌های میوه تمام شده است و هیچ توجیهی برای عرضه میوه گران پذیرفته نمی‌شود، اما قیمت انواع میوه همچنان بالاست. علاوه بر میوه‌فروشان محله‌ها، همه کوچه‌ها، میادین و حتی حاشیه اتوبان‌ها و بزرگراه‌ها مملو از نپسان‌های عرضه‌کننده میوه است، اما با قیمت‌های گران. واقعیت این است که میوه به وفور در سراسر کشور وجود دارد، اما با قیمت گران و نجومی.

«جوان» در ادامه با کنایه به ادعای پیهود روابط بین‌الملل از سوی دولت رئیسی نوشته که به نظر می‌رسد به همان اندازه که در ارتباط با کشورهای همسایه و حتی کشورهای آفریقایی و امریکای لاتین موفق عمل شده و در حوزه دیپلماسی اقتصادی و انرژی نیز گام‌هایی برداشته شده، در حوزه معیشتی مخصوصاً در بخش کالاهای اساسی و البته مرغ و گوشت، میوه و تره‌بار و شیر و لبنیات به شدت ضعیف عمل شده است.

این مطلب در پایان افزوده که «مع‌الاسف وزارتخانه‌های کلیدی مرتبط با این بخش‌ها یعنی «جهاد کشاورزی»، «صنعت، معدن و تجارت» و «سازمان برنامه و بودجه» طی ۲۰ ماه گذشته با مدیریت متزلزل و تغییرات مکرر همراه بوده‌اند و نتیجه این «بی‌مدیریتی» در سفره مردم ظاهر شده است. انتظار می‌رود دولت با همت و اراده بیشتری نسبت به رفع مشکلات مردم مخصوصاً در حوزه معیشت گام بردارد و در برخورد با مدیران نالایق و درگیر تعارض منافع مباحثات نکند.»

جلال محمودزاده نماینده مهاباد در مجلس شورای اسلامی نیز روز گذشته با انتقاد شدید از عملکرد دولت ابراهیم رئیسی در صفحه توئیترش نوشت: «از ۷۰ وعده و برنامه ۷۰۰۰ صفحه‌ای جناب رئیسی در جریان مبارزات انتخاباتی و تشکیل دولت قوی! رسیده‌ایم به صف‌های عریض و طویل کالا و مرغ و نان، گرانی چند برابری، تورم ۱۰۰ درصدی، افت شدید ارزش پول ملی و فلاکت غذایی و اقتصادی کشور!»

این نماینده مجلس شورای اسلامی تأکید کرده که «اگر

او افزوده بود که «در گزارشی محرمانه، دستگاه‌ها و افراد متخلف را به رئیس‌جمهور معرفی کردیم و در همان بدو امر مدیرعامل ایران خودرو نیز در همین رابطه برکنار شد. البته این شرکت در گذشته نیز با مصوبه داخلی درصد واگذاری تعدادی خودروی شاسی بلند (هایما ۸۸ وارداتی CKD) قبل از عرضه عمومی به مردم و با رانت قابل توجه به مدیران خود بود که با ورود به موقع بازرسی ویژه منتفی شد.»

حسن درویشیان حتی از دستوراتی به اتومبیل‌سازان برای توقف رانت‌پاشی و رشوه‌دهی خبر داده و گفته بود که «تحت هیچ شرایطی حق واگذاری بی ضابطه خودرو به مدیران و کارکنان دستگاه‌های اجرایی در سه قوه و یا

او درباره جزئیات اتومبیل‌های رشوه داده شده گفته بود که «در حال حاضر قراردادی در اختیار دارم که حاکی است، شرکت مجعول، قرارداد خرید ۳۰۰ دستگاه خودرو را با یکی از خودروسازان امضا کرده است. اسامی که من در اختیار دارم از وجود ۱۴۷ پوکه (قابل شمارش) حکایت می‌کند و هنوز سرنوشت سایر خودروها مشخص نیست. آیا این خودروها تحویل شده است؟ این خودروها به چه کسانی تحویل داده شده‌اند؟ و... باید به این ابهامات پاسخ درستی داده شود.»

همچنین ابوالفضل ابوترابی یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی فاش کرده که برخی از اتومبیل‌های رشوه‌ای

سیزدهم، از حلقه نزدیکان ابراهیم رئیسی در آستان قدس رضوی بود که اردیبهشت امسال با وجود حمایت گسترده رئیسی از وی و تلاش‌های لابی دولت در مجلس، با رأی نمایندگان عزل شد.

احمد علیرضاییگی نخستین بار در هفته نخست اردیبهشت و چند روز پیش از جلسه استیضاح رضا فاطمی امین وزیر پیشین صمت از واگذاری ۷۰ تا ۷۵ اتومبیل شاسی‌بلند ساخت یکی از شرکت‌های اتومبیل‌سازی داخلی به نمایندگان مجلس به عنوان «هدیه» خبر داد.

با گذشت چند روز ابعاد تازه‌ای از این پرونده روشن و مشخص شد شمار اتومبیل‌های رشوه داده شده ۳۰۰ دستگاه



احمد علیرضا بیگی

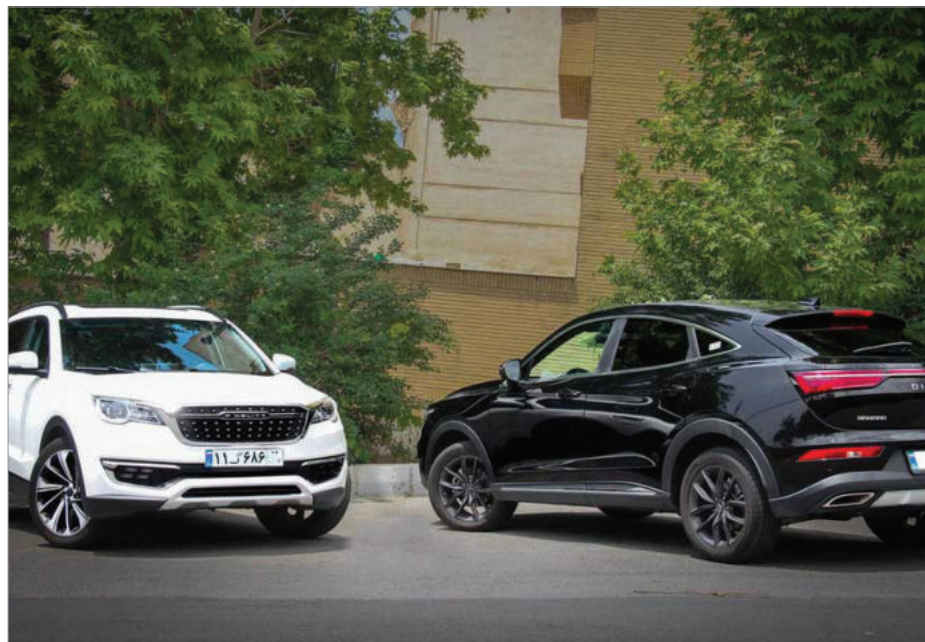
سایر اشخاص حقیقی یا حقوقی خصوصی را مغایر با روال عادی فروش به آحاد مردم ندارند و از وزیر وقت صمت هم خواسته شد ضمن توقف تفاهم‌نامه‌های خودروسازان با دستگاه‌های اجرایی نظارت مضاعف و جدی‌تری داشته باشند تا شاهد تکرار این مسأله نباشیم.»

مصطفی میرسلیم نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی که از جمله فعالان در مافیای اتومبیل‌سازی است هم در توجیه چنین فساد دیگری گفته که «اخیرا هیچ موضوعی اتفاق نیفتاده است. اگر موردی بوده برای دو تا سه سال پیش است. حقیقت مشخص است اصل قضیه به یکسری از خودروها برمی‌گردد که اوایل این دوره مجلس بوده و طبق یک روالی به برخی افراد داده شد و اصلا به استیضاح وزیر صمت ربط نداشته است.»

احمد علیرضا بیگی همچنین در هفته سوم خردادماه خبر داد که با حکم شورای نظارت بر رفتار نمایندگان «ممنوع النطق» شده است.

این نماینده مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه از حق نطق هفت دقیقه‌ای در جلسات مجلس شورای اسلامی محروم شده است، گفته بود که این مسئله خلاف قانون است، در حوزه اختیارات هیات نظارت بر رفتار نمایندگان و حتی هیات رئیسه مجلس یک چنین اختیاری منظور نشده است و این تحدید حقوق ملت است.»

او گفته بود «این مسئله یک بدعت است که آقای قالیباف دارد در مجلس این را اعمال و اجرا می‌کند و این ممکن است برای تک تک نمایندگان رخ دهد، لذا انتظار این است که نمایندگان مردم در مقابل این اتفاق بایستند.»



سر از خانه امامان جمعه و فرمانداران درآورده است و برخی از این ۵۷ نماینده اتومبیل شاسی بلند را برای اقوام، دوستان و آشنایان و برخی برای امامان جمعه یا فرمانداران تحویل گرفتند.

این نماینده با تأکید بر اینکه «اسامی نمایندگان که خودرو دریافت کرده اند دست خود هیات رئیسه و هیات نظارت است» گفته است: «اینکه هیئت رئیسه رد کرد درست نیست چرا که این خودرو که رانت است به نمایندگان داده شده است.»

پس از افشای پرونده رشوه‌گیری اتومبیل، محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی آن را تکذیب و چنین ادعایی را «هجمه جدید به دولت و مجلس» عنوان کرد، اما طولی نکشید که بازرسی ویژه رئیس دولت موضوع را تأیید نمود.

حسن درویشیان درباره واگذاری شاسی‌بلندها گفت «بر اساس تفاهم‌نامه‌ای از سال ۱۴۰۰ این موضوع مطرح بوده و ۱۰۰ خودرو به نمایندگان بدون قرعه‌کشی واگذار شده است.»

او درباره آخرین اخبار پیگیری پرونده واگذاری رانتی اتومبیل‌ها توضیح داده بود که «در پی دستور رئیس‌جمهور برای بررسی موضوع، بلافاصله با وزارت صمت و خودروسازان مکاتبه کردیم و از آنها در این خصوص توضیح خواستیم. پس از ارزیابی دقیق ابعاد موضوع و احراز تخلف، در گام اول از ادامه واگذاری خودروهای درخواستی به اشخاص که در قالب تفاهم‌نامه و امتالهم خارج از روال فروش خودرو به عموم مردم بوده جلوگیری کردیم.»

بوده است. این اتومبیل‌ها به شمار زیادی از نمایندگان مجلس، امامان جمعه شهرهای مختلف، فرمانداران و دیگر مقامات حکومتی رشوه داده شده است. برخی از نمایندگان این اتومبیل‌ها را به اسم دفترداران، رانندگان، عروس و دامادشان رشوه گرفتند تا نامی از آنها در این پرونده بزرگ فساد باقی نماند.

احمد علیرضا بیگی درباره این پرونده گفته که «امضای رئیس منابع انسانی معاونت اجرایی وقت مجلس پای نامه خامی که شرکت صوری و جعلی به نام وی تشکیل شده دیده می‌شود.»

او همچنین توضیح داده بود که «امضای یک مقام ارشد اداری مجلس» در کنار امضای خامی است که در کوهشدت در حال زراعت است و شرکت به نام این خانم و خواهرش ثبت شده و روح‌شان هم از این موضوع خبر ندارد.

احمد علیرضاییگی با بیان اینکه «این اقدام جز با زمینه چینی ساختار اداری مجلس نمی‌توانست رخ دهد و این تخلف از جانب شاکیه اداری مجلس سازماندهی شد» و گفته که «آنچه رخ داد در خوش‌بینانه‌ترین حالت ممکن محصول سوءمدیریت رئیس مجلس بود. این سوءمدیریت سبب این وضعیت شد چرا که پیش‌بینی نکردند این موضوع می‌تواند برای نهاد مجلس چه تبعاتی داشته باشد. هر چند که کسانی که سازماندهی این تخلف را برعهده داشتند می‌دانستند چه تبعاتی به دنبال این قضیه است و این موضوع به یک رسوایی می‌انجامد. دقیقاً به همین دلیل هم کسانی که در این تخلف دست داشتند با اسامی غیر این خودروهای را دریافت کردند.»

بیانیه گروهی از فعالان سیاسی و مدنی داخل و خارج کشور در حمایت از فراخوان کارزار سه ماهه و اعتصابات سراسری فراگیر و همزمان



گرافیک از کیهان لندن

● ما امضاکنندگان این بیانیه حمایت صریح و قاطع خود را از شاهزاده رضا پهلوی اعلام می‌داریم و ضمن حمایت کامل از فراخوان کارزار سه ماهه شاهزاده رضا پهلوی صراحتاً خواستار اتحاد اصناف و اعتصابات سراسری هستیم.

● و همچنین قویا اعلام می‌داریم با هرگونه تهدید و خشونت و برخورد با دانشجویان و زندانیان سیاسی و خانواده‌های دادخواه صراحتاً برخورد نموده و پشتیبان دانشجویان دانشگاه‌های سراسر کشور که امتحانات را تحریم نموده و دست به اعتصاب زده یا خواهند زد هستیم و از هم‌میهنان به ویژه اولیای گرامی می‌خواهیم با گسترش اعتصابات از فرزندان خود دانشجویان و دانش‌آموزان حمایت نمایند.

بیانیه جمع کثیری از فعالین و زندانیان سیاسی و صنفی و مدنی سراسر ایران (درومترز و برومترز) در حمایت از بیانیه و فراخوان کارزار سه ماهه شاهزاده رضا پهلوی و دعوت از هم‌میهنان عزیز و گرامی به دست کشیدن فوری از کار و تحصیل و پیوستن فراگیر و همزمان به اعتصابات سراسری ما امضاکنندگان این بیانیه حمایت صریح و قاطع خود را از شاهزاده رضا پهلوی اعلام می‌داریم و ضمن حمایت کامل از فراخوان کارزار سه ماهه شاهزاده رضا پهلوی صراحتاً خواستار اتحاد اصناف و اعتصابات سراسری هستیم و از شما هم‌میهنان عزیز و گرامی و کلیه اصناف اعم از ناوگان حمل و نقل و رانندگان کلیه وسایط نقلیه و همچنین بازاریان و کارگران و کارمندان و بازنشستگان، پزشکان و پرستاران و اساتید و معلمان فهیم و فرهیخته و دانش‌آموزان و دانشجویان سراسر کشور تقاضا می‌کنیم برای پس گرفتن مام میهن از رژیم اشغالگر و غیرقانونی فرقه تبهکار جمهوری اسلامی و شورشیان ۵۷ و برای نجات ایران و حفظ تمامیت ارضی از همین امروز همه با هم و همزمان دست از کار و تحصیل بکشید و به اعتصابات و اعتراضات سراسری بپیوندید.

و همچنین قویا اعلام می‌داریم با هرگونه تهدید و خشونت و برخورد با دانشجویان و زندانیان سیاسی و خانواده‌های دادخواه صراحتاً برخورد نموده و پشتیبان دانشجویان دانشگاه‌های سراسر کشور که امتحانات را تحریم نموده و دست به اعتصاب زده یا خواهند زد هستیم و از هم‌میهنان به ویژه اولیای گرامی می‌خواهیم با گسترش اعتصابات از فرزندان خود دانشجویان و دانش‌آموزان حمایت نمایند.

پاینده ایران و ایرانی و برافراشته باد پرچم سه‌رنگ شیروخورشیدنشانشان
تاریخ انتشار: دوشنبه ۲۶ تیر ۲۵۸۲ شاهنشاهی (۱۴۰۲ شمسی)

امضا کنندگان:
۱- شهلا جهانیان
۲- عباس واحدیان شاهرودی
۳- آرشام رضایی
۴- مسعود شکاری پدر
جاویدنام محسن شکاری
۵- رضا نوروزی
۶- سیاوش آذری
۷- مهندس سهراب نبوی
۸- کوروش رادمنش
۹- دکتر میترا بابک
۱۰- دکتر نامدار بقایی یزدی
۱۱- سمانه نوروز مرادی
۱۲- محمد منظرپور
۱۳- پرستو امیری
۱۴- همایون نادری فر

- | | | | |
|---------------------------|---------------------------|--------------------------|--------------------------|
| ۱۱۱- امید خلیلی | ۷۹- فربود عطائی | ۴۷- سجاد بخشعلی | ۱۵- میثم غلامی |
| ۱۱۲- محمدحسین باستانی | ۸۰- کاوه مرتضوی | ۴۸- حامد محقق | ۱۶- دکتر بهرام آبار |
| ۱۱۳- سیروس قرچه | ۸۱- علی ساعدی | ۴۹- مجتبی عامری شهبازی | ۱۷- اکبر رضایی کوشا |
| ۱۱۴- حسام شهبازی | ۸۲- اشکان نوری | ۵۰- ارمین سورانی | ۱۸- مازیار فرزاد |
| ۱۱۵- حامد رنجبران | ۸۳- داریوش درشتی | ۵۱- نوشین خواجه | ۱۹- اردشیر بابکان |
| ۱۱۶- استر سلیمی | ۸۴- حمیدرضا سوار | ۵۲- حامد رنجبران | ۲۰- بهروز فرشادفر |
| ۱۱۷- مهدیه ستوده نظر | ۸۵- پویان وستا | ۵۳- مژگان محمدی | ۲۱- کوروش باقری |
| ۱۱۸- فائزه زندگی | ۸۶- بهمن سلحشور | ۵۴- سارا آذری | ۲۲- کیوان کوروش آریامهر |
| ۱۱۹- کمال پورحنیفه | ۸۷- عارف سرابی | ۵۵- دکتر نازک توکلی | ۲۳- کاوه خسرومهر |
| ۱۲۰- شهرزاد محمودی | ۸۸- مهران دلفان آذری | ۵۶- ماهان قاسم‌پور | ۲۴- زهره سرو |
| ۱۲۱- سینا ترابی | ۸۹- طیب آزموده | ۵۷- نساء قاسم‌پور | ۲۵- محمدرضا کامرانی نژاد |
| ۱۲۲- نیلوفر اسلامی | ۹۰- زینا تهرانی | ۵۸- فرحناز کیخسروی | ۲۶- مسعود وظیفه |
| ۱۲۳- روحی لطیفی | ۹۱- مزدک مصاحب | ۵۹- مرتضی محمدی | ۲۷- بهزاد آسیایی |
| ۱۲۴- مسعود بابادی | ۹۲- شهاب سلطانیان | ۶۰- داریوش عمران زاده | ۲۸- سهراب حسنجانی |
| ۱۲۵- احمد یوسفی | ۹۳- رضا ضرابی | ۶۱- افشین پیروی | ۲۹- مهدی شفیع |
| ۱۲۶- نسرین زیربندیان | ۹۴- آفرین مهاجر | ۶۲- پانته‌آ رسولی | ۳۰- رضا صلواتی |
| ۱۲۷- علی اسلامپور | ۹۵- آرزو جمالی پور | ۶۳- عباد آحادی | ۳۱- ناصر حسنی |
| ۱۲۸- علی پوررمضان | ۹۶- مینا رضوانی | ۶۴- دانیال استخر | ۳۲- مجتبی توکل |
| ۱۲۹- نوشین طهماسبی | ۹۷- مهدی قراگوزلو | ۶۵- بهفر لاله‌زاری | ۳۳- پروین میرشاهی |
| ۱۳۰- کوروش قراچینی | ۹۸- الهام نجفی | ۶۶- سیما پارسای | ۳۴- فرانک کیخسروی |
| ۱۳۱- پریچهر طیبی | ۹۹- بهادر میرزایی | ۶۷- پندار مولایی | ۳۵- رضوانه خانجیگی |
| ۱۳۲- ابراهیم فیروزه | ۱۰۰- احمدرضا حسنی | ۶۸- بابک هروی | ۳۶- مهدی مشهدی |
| ۱۳۳- حدیث صبوری | ۱۰۱- محمد رفیعی | ۶۹- سامان رضایی | ۳۷- حامد وظیفه |
| ۱۳۴- محمدرضا چهارلنگ | ۱۰۲- میلاد حسنلوئی | ۷۰- دکتر نادر فلاح | ۳۸- نسرین غیاث |
| ۱۳۵- ماندانا زیربندیان | ۱۰۳- امیر کوروش جم | ۷۱- محمد صالح بختیاری | ۳۹- مرتضی سامی نوا |
| ۱۳۶- سیامک پورنعمت | ۱۰۴- سیمین بحرینی پور | ۷۲- احمد حاتم‌ی سوها | ۴۰- یاشار قضایی |
| ۱۳۷- مرضیه طهماسبی | ۱۰۵- نثار حسامی | ۷۳- پردیس حسینی | ۴۱- شهریار خلاصی |
| ۱۳۸- یونس قاضی جهانی | ۱۰۶- مرتضی قناعتی | ۷۴- حجتاله رافعی | ۴۲- خلیل حاج نصیری |
| ۱۳۹- سینا شهبازی | ۱۰۷- کشیش نوری قیبتی زاده | ۷۵- حمید مصدق | ۴۳- محسن غیاسی |
| ۱۴۰- مارک رفیع زاده | ۱۰۸- دکتر حسین رحیمی | ۷۶- کیان مهر | ۴۴- محسن حاج محمدی |
| ۱۴۱- دکتر سیامک رفیع زاده | ۱۰۹- شهرام صمدی | ۷۷- رسول ابوترابی گودرزی | ۴۵- کاظم علینژاد بارانلو |
| ۱۴۲- دکتر ایرج امیری | ۱۱۰- سعید نسیمی | ۷۸- علی اصغر حسنی راد | ۴۶- نرگس باقری |

تعطیلی مؤسسه «گاج» به علت اشعاری همسو با اعتراضات سراسری



● معاون وزیر آموزش و پرورش: مؤسسه آموزشی گاج در اغتشاشات پارسال سوالاتی برای دانش‌آموزان طرح کرده بود که جهت‌گیری و تحریک به سمت اغتشاشات داشت و تعطیل شد.

● وزیر آموزش و پرورش در نامه‌ای به رسانه‌های مختلف خواستار توقف تبلیغات مؤسسه گاج شده است.

● روزنامه «فرهیختگان» آذرماه گذشته در مطلبی با عنوان «کاسبان کنکور به شعر و ایران هم رحم نکردند» نوشته بود مؤسسه گاج در جریان اعتراضات سراسری در آزمون ادبیات اشعاری «هدف‌دار و سیاه» انتخاب کرده است.

مؤسسه گاج از معروف‌ترین منتشرکننده کتاب‌های کمک‌درسی و کنکور در ایران به دلیل استفاده ابیاتی انتقادی-اجتماعی از جمله از فرخی یزدی شاعر و روزنامه‌نگار مشهور دوران مشروطیت در آستانه‌ی سالگرد اعتراضات سراسری سال گذشته تعطیل شده است. جمهوری اسلامی این ابیات را «جهت‌گیری و تحریک به سمت اغتشاشات» ارزیابی کرده است.

احمد محمودزاده معاون وزیر آموزش و پرورش و رئیس سازمان مدارس غیردولتی امروز دوشنبه ۲۶ تیر ۱۴۰۲ در یک برنامه تلویزیونی از تعطیلی مؤسسه گاج خبر داد و گفت: «مؤسسه آموزشی گاج در اغتشاشات پارسال سوالاتی برای دانش‌آموزان طرح کرده بود که جهت‌گیری و تحریک به سمت اغتشاشات داشت و تعطیل شد.»

رئیس سازمان مدارس غیردولتی گفته که این موضوع در سوالات ادبیات یک آزمون از دانش‌آموزان در یک امتحان مطرح شده است.

معاون وزیر آموزش و پرورش همچنین از توقف تبلیغات کتاب‌ها و خدمات آموزشی این مؤسسه خبر داده است: «طی هفته گذشته دو مجموعه بزرگ که در صدا و سیما تبلیغ می‌شود با امضای وزیر آموزش و پرورش نامه نوشتیم که تبلیغ آن متوقف شود چرا که تخلف داشته است. در این زمینه حکم صادر و رأی عمومی اعلام شده است.»

همچنین به گفته احمد محمودزاده، وزیر آموزش و پرورش در نامه‌ای به رسانه‌های مختلف خواستار توقف تبلیغات مؤسسه گاج شده است.

بخشی از نمونه سوالاتی که «جهت‌گیری و تحریک به سمت اغتشاشات» خوانده شده از اشعار کتب درسی کنونی دبیرستان انتخاب شده بود.

یکی از اشعار فرخی یزدی شاعر و روزنامه‌نگار مشهور دوران مشروطیت که مصداق جرم شناخته شده اینست:

پافشاری پی حق خود اگر ملت داشت
مال او غارت یک دسته عیاش نبود

هم رحم نکردند» منتشر شد آمده بود که در آزمون جمعه ۱۸ آذرماه مؤسسه گاج برای پایه دوازدهم علوم انسانی اشعاری «هدف‌دار و سیاه» انتخاب شده انتقاد کرده است. این مطلب تأکید کرده بود که این اشعار «در دوره‌ای خاص گفته شده اما با هدف در کنار هم قرار گرفته و مطمئناً کسی که طراحی سوالات را بر عهده داشته، با نگاهی خاص این اشعار برای آزمون انتخاب کرده است.»

روزنامه «فرهیختگان» نوشته بود که نباید با این نوع اشعار جوانان را «تهییج کرد و به خیابان‌ها» فرستاد، بلکه باید آنها را «آرام کنیم. حرف‌شان را بشنویم و برایشان وقت بگذاریم»، چرا که نیازمند «گفتگو» هستیم.

پس از انتشار گزارش «فرهیختگان» مؤسسه گاج در توضیحی در وبسایت خود نوشت: «پیرامون برخی سوالات رشته علوم انسانی مراتب عذرخواهی خود را ابراز می‌ماییم؛ گاج پایبند به قوانین جمهوری اسلامی ایران است.»

مؤسسه گاج دارای سابقه‌ای نسبتاً طولانی در انتشار کتاب‌های کمک آموزشی از پیش‌دبستانی تا کنکور است که علاوه بر انتشار کتاب، به برگزاری آزمون‌هایی برای آمادگی دانش‌آموزان برای کنکور نیز می‌پردازد.

این مؤسسه در حالی تعطیل شده که مدیران این مؤسسه بارها از دست مقامات جمهوری اسلامی برای این فعالیت‌ها جایزه گرفته‌اند.

پول تصویبی مجلس نبد از ماه به ماه
گرد آن کهنه حریف این همه کلاش نبود
معنی دولت قانونی اگر این باشد
نامی از دولت و قانون به جهان کاش نبود

همچنین از دیگر نمونه ابیاتی که «جهت‌گیری و تحریک به سمت اغتشاشات» خوانده شده‌اند و در کتاب‌های درسی دبیرستان که از سوی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی تدوین شده است آمده‌اند عبارتند:

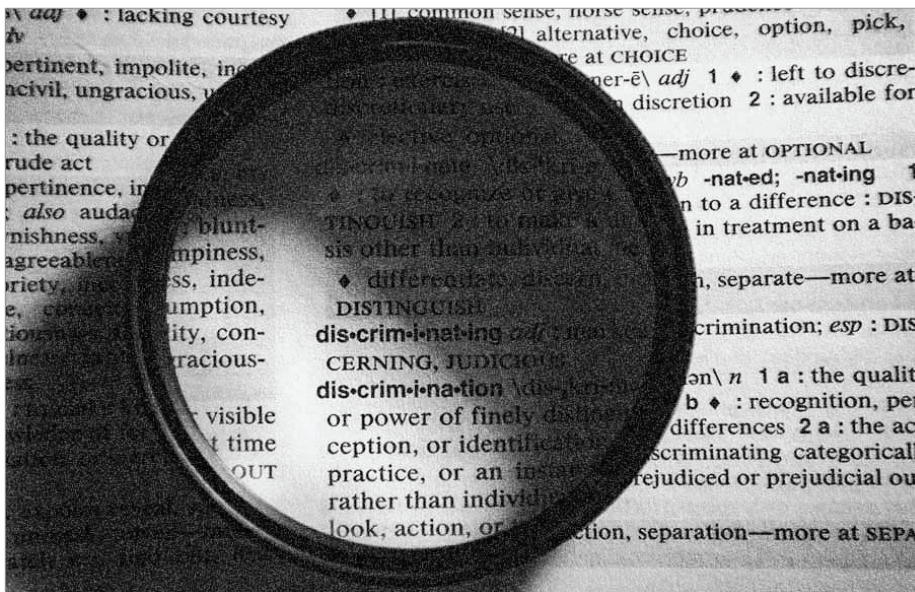
خونریزی ضحاک در این ملک فزون گشت
کو کاوه که چرمی به سر چوب نماید؟

و یا:
ر سایه استبداد پژمرده شد آزادی
این گلبن نورس را بی‌ریشه نباید کرد
ز انتخاب چو کاری نمی‌رود از پیش
به پور کاوه بگو فکر انقلاب کند

در حالی که هنوز مشخص نیست مؤسسه گاج چه زمانی و با شکایت کدام نهاد یا سازمانی تعطیل شده اما روزنامه «فرهیختگان» نزدیک به دانشگاه آزاد اسلامی، در شماره روز سه‌شنبه، ۲۲ آذرماه ۱۴۰۱ مطلبی انتقادی علیه این مؤسسه منتشر کرده بود.

در این مطلب که با عنوان «کاسبان کنکور به شعر و ایران

۱۸۵- دکتر آویده مطمئن فر	۱۷۵- لیلیا حسن پور	۱۶۴- سعید طهماسبی	۱۵۳- وحید سرخ گل
۱۸۶- دکتر احمد مصطفی لو	۱۷۶- مرجان روزبهانی	۱۶۵- میشل بابایی	۱۵۴- نرگس ادیب
۱۸۷- دکتر بهار بهاری	۱۷۷- حامد سپهری	۱۶۶- افسانه رستمی	۱۵۵- سپیده صفاریان
۱۸۸- فرخ گودرز	۱۷۸- محبوبه مهرادشیر	۱۶۷- شیوا مقدم	۱۵۶- مسعود ابراهیمی
۱۸۹- دکتر بهمن شاهنگیان	(حسینپور)	۱۶۸- پویا بهرامی	۱۵۷- سهیلا آراین
۱۹۰- مهدی وکیلی	۱۷۹- آرشیا ساجدی	۱۶۹- مجتبی موسوی	۱۵۸- سورنا اردلان
اسامی تشکله‌ها:	۱۸۰- کمال مرکزی	۱۷۰- لاله کمالی فرد	۱۵۹- شبنم اسداللهی
۱- حزب ایران نو	۱۸۱- صحرا سجادی	۱۷۱- احمد فراستی	۱۶۰- شیرین بخشی
۲- جنبش پیشاهنگان ایران	۱۸۲- دکتر امیرشهرام ماکوئی	۱۷۲- دکتر ملیحه روزبه	۱۶۱- امیرحسین صدیقی
۳- نافرمانی مدنی ایرانیان	۱۸۳- دکتر شهاب پرنیانچی	۱۷۳- دکتر پریسا قاسمی نژاد	۱۶۲- شهربانو زرگر
(جنبش توسعه و تمدن ایران)	۱۸۴- محبوبه بیات	۱۷۴- زهرا عزیزی	۱۶۳- ماری خانی
۴- گروه پیاخیز			۱۴۳- فیدوس اسماعیلپور
۵- گروه رستاخیز ملی			۱۴۴- حسام شهسواری
۶- جبهه فراگیر ملی			۱۴۵- لاله کمیلی فرد
۷- حزب سکولاردمکرات			۱۴۶- سروش صفاوودی
۸- سازمان رستاخیز آریامهر			۱۴۷- الهه سرکوبی
(آلمان)			۱۴۸- محمدسعید دوکوهکی
۹- سازمان زنان ایران			۱۴۹- طاهای دیلمی زاده
(آلمان)			۱۵۰- امیر بیگی
۱۰- ستاد یاران شاه (شهیاران)			۱۵۱- سوسن جعفری
۱۱- سازمان به ایران			۱۵۲- هوشنگ جاوید



اولویت‌های مردم ایران و نقش رسانه‌های فارسی‌زبان؛ نظرسنجی «مؤسسه پژوهش و پیش‌بینی تجربی»

موافقت با انقلاب ۵۷ نداشته و ۹۵/۲ درصد از جمعیت ایران با برکناری یا استعفای علی خامنه‌ای از مقام رهبری جمهوری اسلامی مخالفت ندارند.

در گزارش مربوط به این نظرسنجی آمده که بر اساس یافته‌های مربوطه مشخص شده که اکثریت قابل توجه یعنی تقریباً ۹۵ درصد از مردم ایران به علی خامنه‌ای اعتماد ندارند. عوامل متعددی در این عدم اعتماد نقش بازی می‌کند. نخست آنکه تثبیت قدرت و اقتدار علی خامنه‌ای در نقش رهبری مانع تکثر سیاسی در کشور شده است. یکی دیگر از دلایل عدم اعتماد به رهبر جمهوری اسلامی، سرکوب مخالفان و تضعیف نهادهای دموکراتیک توسط اوست.

در بخشی از این نظرسنجی وضعیت باورها و اعتقادات مذهبی مردم مورد بررسی قرار گرفته است. اعتقادات مذهبی با این تعریف مبنا قرار داده شده: «اعتقادات فردی یا جمعی در مورد معنویت و ایمان که ارزش‌ها، جهان‌بینی و اعمال افراد را هدایت می‌کند.» نتایج این بخش قابل توجه است؛ مسلمانان شیعه باورمند با ۱۳/۳ درصد در اقلیت هستند در حالی که آنتیست‌ها ۲۸ درصد از پاسخ‌دهندگان را شامل شده‌اند.

بر اساس نتایج این نظرسنجی، ۲۵/۲ درصد از جمعیت کشور اعتقادات و باورهای مذهبی از جمله به اسلام، مسیحیت و یهودیت دارند؛ ۲۵/۱ درصد ندانم‌گرا (آگنوستیک)، ۲۸/۲ درصد خداناباور (آنتیست) هستند و ۲۱/۵ درصد از شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی نیز گزینه «غیره» را انتخاب کرده‌اند.

در میان باورمندان به مذاهب مختلف که نشان از تنوع دینی در ایران دارد، بهاییانی که در این نظرسنجی شرکت کرده‌اند ۰/۷۵ درصد را تشکیل داده‌اند. ۲/۹ درصد از شهروندان به دین زرتشت که مذهب دیرینه ایران است باور دارند. مسلمانان سنی ۵/۳ درصد و مسلمانان شیعه با وجود بیش از چهار دهه حکومت مذهبی ۱۳/۳ درصد را در بر می‌گیرند.

در بخش تبعیض‌های جنسیتی، نتایج نظرسنجی نشان می‌دهد ۳۴/۳ درصد از شرکت‌کنندگان اعلام کردند در ایران تبعیض جنسیتی وجود ندارد اما در مقابل ۵۵/۶ درصد می‌گویند که مواردی از نابرابری جنسیتی را تجربه کرده‌اند. ۱۰ درصد از شرکت‌کنندگان هیچ پاسخی به وجود نابرابری جنسیتی در ایران ندانده‌اند. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از پاسخ‌دهندگان

تازه‌ترین نظرسنجی «ارفی» نشان از فاصله عمیق مردم با جمهوری اسلامی و همچنین انقلاب ۵۷ دارد. یافته‌های این نظرسنجی بیانگر آگاهی بر وجود تبعیض به ویژه تبعیض جنسیتی علیه زنان در ایران است. این نظرسنجی توانسته اولویت‌های مردم ایران را استخراج کرده و نقش رسانه‌های فارسی‌زبان در آگاهی‌رسانی و همسویی با اولویت‌های واقعی مردم را مشخص کند.

«ارفی»، مؤسسه پژوهش و پیش‌بینی تجربی، گزارش یافته‌های تازه‌ترین نظرسنجی خود را با موضوع «پرده برداشتن از لایه‌ها؛ بررسی تبعیض در جمهوری اسلامی ایران» منتشر کرده است. این نظرسنجی با مشارکت بیش از ۵۲۰۰ شرکت‌کننده در ماه مه ۲۰۲۳ برابر با اردیبهشت ۱۴۰۲ انجام شده است. «ارفی» یک مرکز تحقیقاتی مستقل و مستقر در ایالات متحده است.

دکتر تقی آل‌رضا در پیشگفتار گزارش مربوط به نظرسنجی نوشته این پژوهش شیوه اعمال تبعیض‌آمیز در ایران را در ابعاد مختلف از جمله مذهبی، قومی و سیاسی، و همپوشانی آنها با یکدیگر را نشان می‌دهد.

به نوشته دکتر تقی آل‌رضا، یافته‌های آماری این پژوهش نشان می‌دهد بخش قابل توجهی از جمعیت ایران تبعیض‌های عمیقی را تجربه کرده که توسط گروه اقلیت مذهبی حاکم اعمال می‌شود. تبعیض‌هایی که بها و مجازات‌های سنگینی برای کسانی که دیدگاه‌های متفاوت و مخالف با این اقلیت حاکم دارند به همراه دارد.

همچنین تأکید شده جمهوری اسلامی که اقلیت پنج درصدی از جمعیت کشور را شامل می‌شود با اقدامات سرکوبگرانه کشور را کنترل می‌کند. شیوه‌های تبعیض‌آمیز برای همه جنسیت‌ها اعمال می‌شود اما زنان ایرانی با انواع مختلفی از ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های قانونی و اجتماعی در زمینه ازدواج، طلاق، حضانت فرزند، ارث، تحصیل و فرصت‌های برابر شغلی و اقتصادی روبرو هستند.

نتایج این نظرسنجی نشان می‌دهد تنها ۱/۱ درصد از مردم ایران از علی خامنه‌ای و انقلاب اسلامی حمایت می‌کنند. همچنین ۵/۹ درصد از جمعیت ایران برابر با سه میلیون و ۶۸ هزار نفر حامی انقلاب اسلامی هستند. ۴/۷ درصد از جمعیت ایران برابر با دو میلیون و ۴۴۴ هزار نفر مخالف استعفا یا برکناری احتمالی علی خامنه‌ای از مقام رهبری جمهوری اسلامی هستند. به بیان دیگر ۹۴/۱ درصد از جمعیت ایران همسویی و

● نتایج این نظرسنجی نشان می‌دهد تنها ۱/۱ درصد از پاسخ‌دهندگان از علی خامنه‌ای و انقلاب اسلامی حمایت می‌کنند.

● ۲۵/۲ درصد از جمعیت کشور اعتقادات و باورهای مذهبی از جمله به اسلام، مسیحیت، یهودیت دارند، ۲۵/۱ درصد ندانم‌گرا (آگنوستیک) و ۲۸/۲ درصد خداناباور (آنتیست) هستند.

● ۵۵.۶ درصد از شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی گزارش دادند که مواردی از نابرابری جنسیتی را تجربه کرده‌اند.

● بخش قابل توجهی از ایرانیان با مواردی از تبعیض مذهبی روبرو بوده‌اند.

● ۶۵/۸ درصد از شرکت‌کنندگان گفته‌اند که تبعیض قومی را تجربه نکردند، ۲۵ درصد نیز تبعیض قومی را تجربه کردند.

● ۸۸/۷ درصد از پاسخ‌دهندگان به شدت برای وطن خود اولویت قائل هستند.

● ۸۶/۴ درصد از پاسخ‌دهندگان بر همبستگی ملی به عنوان اولویت بالا تأکید کرده‌اند.

● یافته‌های نظرسنجی نشان می‌دهد که تنها ۰/۸۶ درصد از جمعیت ایران برابر با ۴۴۶ هزار و ۶۸۰ نفر با خودمختاری و یا تجزیه‌طلبی موافق هستند.

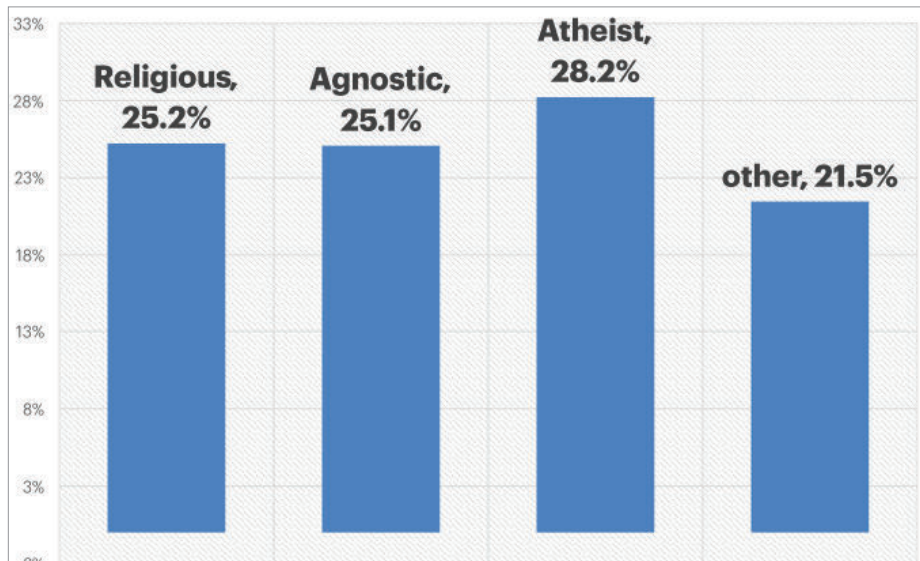
● از نظر اقتصادی کیهان لندن بیشتر تأثیر مثبت و همسو با اولویت‌ها را داشته و درباره تبعیض جنسیتی در ایران آگاهی‌رسانی بالایی دارد.

● در زمینه همبستگی ملی و میهن‌دوستی تلویزیون «منوتو» بیشترین نفوذ رو به رشد را در میان مردم دارد که نشانگر نقش بالقوه این رسانه در تقویت وحدت ملی میان مردم است.

● «ایران اینترنشنال» تأثیر معکوس بر اولویت همبستگی ملی و میهن‌دوستی دارد و در تقویت مسائل قومی تأثیر داشته است.

● تلویزیون «بی‌بی‌سی» فارسی نیز در زمینه تقویت مسائل قومی الگویی مشابه با «ایران اینترنشنال» دارد و نظرات «اردوگاه اصلاحات» را حمایت می‌کند و بازتاب می‌دهد.

● مهم‌ترین اولویت‌ها برای مردم ایران شامل آزادی، میهن، همبستگی ملی، ثبات اقتصادی، دسترسی به خدمات و امکانات اولیه، عدالت اجتماعی، پاسداری از فرهنگ، بهبود استانداردهای زندگی و حقوق بشر است.



پوشیدن لباس آستین بلند و گشاد و مانتو و چادر مورد پرسش قرار گرفته و ۸۵/۴ درصد از پاسخ‌دهندگان اعلام کردند که با حجاب مخالف و یا برای آنها دارای اولویت بسیار کمی است. ۴/۵ درصد درباره حجاب نظری نداشتند و ۱/۳ تا ۱/۵ درصد رعایت حجاب را از اولویت‌های خود ارزیابی کردند و همچنین ۷/۳ درصد نیز دارای سطوحی از اختلاف نظر درباره مفهوم حجاب اسلامی هستند.

حقوق بشر

نتایج این بخش نشانگر اختلاف نظر اساسی در

Priority_Human_Rights				
	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid 1	33	2.3	2.3	2.3
2	12	.8	.8	3.1
3	34	2.3	2.3	5.4
4	278	19.0	19.0	24.4
5	1105	75.6	75.6	100.0
Total	1462	100.0	100.0	

دیدگاه‌های پاسخ‌دهندگان درباره حقوق بشر است. ۲/۳ درصد با اولویت قرار گرفتن حقوق بشر مخالف بوده، ۷۵/۶ درصد قاطعانه موافق تأکید بر نگرانی‌های وضعیت حقوق بشر در ایران بوده و حدود ۱۹ درصد موضعی خنثی یا میانه درباره حقوق بشر دارند.

مذهب

نتایج نظرسنجی نشان می‌دهد که ۸۹/۹ درصد از

Priority_Religion				
	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid 1	1064	72.8	72.8	72.8
2	191	13.1	13.1	85.8
3	103	7.1	7.1	92.9
4	66	4.5	4.5	97.4
5	38	2.6	2.6	100.0
Total	1462	100.0	100.0	

پاسخ‌دهندگان مذهب را دارای اولویت پایینی در جامعه ایران دانسته و ۲/۶ درصد از پاسخ‌دهندگان نیز مذهب را از اولویت‌های اصلی خود ارزیابی می‌کنند.



تبعیض جنسیتی را در یکی از فرم‌های آن درک می‌کنند.

این نظرسنجی همچنین نشان داده که در ایران تفاوت معناداری در میزان تبعیض مذهبی بین زنان و مردان وجود ندارد. داده‌های نظرسنجی نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از ایرانیان با مواردی از تبعیض مذهبی روبرو بوده‌اند و ۵۲ درصد از شرکت‌کنندگان در نظرسنجی گفته‌اند که بطور مستقیم جانبداری مذهبی از سوی حکومت را تجربه کرده‌اند و ۳۰/۵ درصد گفته‌اند که چنین چیزی را تجربه نکرده‌اند. همچنین ۱۷/۴ درصد به این بخش پاسخی ندادند اما آنچه نتایج نظرسنجی نشان داده اینست که تبعیض مذهبی در ایران فراگیر، و نیازمند بررسی بیشتر است.

در مورد درک تبعیض قومی نیز ۶۵/۸ درصد از شرکت‌کنندگان گفته‌اند که تبعیض قومی را تجربه نکردند، ۲۵ درصد نیز تبعیض قومی را تجربه کردند و ۹/۲ درصد به پرسش مربوطه پاسخی ندادند. البته ۶۰/۹ درصد پاسخ‌دهندگان در این نظرسنجی خود را فارس و ۳۹ درصد خود را متعلق به «سایر» گروه‌های قومی معرفی کرده‌اند. یافته‌های نظرسنجی حاکی از آنست که تفاوت قابل توجهی از تبعیض قومی در میان فارس‌ها و سایر گروه‌های قومی وجود دارد که بیانگر تجربیات یا برداشتهای متفاوت این دو گروه از تبعیض بر اساس قومیت است. در مجموع نتیجه‌گیری شده که تبعیض قومی در ایران وجود دارد و توسط ۱۳ میلیون و ۷۵۰ هزار شهروند درک شده است.

شرکت‌کنندگان همچنین درباره اینکه «آیا رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور درباره تبعیض در ایران آگاهی‌رسانی می‌کنند؟» پاسخ داده‌اند. نتایج نظرسنجی نشان می‌دهد «کپهان لندن» درباره تبعیض جنسیتی در ایران آگاهی‌رسانی بالایی دارد و «ایران اینترنشنال» بر تبعیض قومی متمرکز است.

یافته‌های این نظرسنجی بطور کلی تبعیض قومی، مذهبی و جنسیتی در ایران را به عنوان یک واقعیت تأیید کرده بطوری که ۱۹ درصد از شرکت‌کنندگان بطور مستمر تبعیض قومی یا مذهبی را تجربه کرده و ۳۲ درصد نیز تبعیض جنسیتی را تجربه می‌کنند.

«اولویت‌های کلیدی مردم ایران چیست؟» این موضوع بخش دیگری از نظرسنجی است که نشان می‌دهد مهمترین اولویت‌ها برای مردم ایران شامل آزادی، میهن، همبستگی ملی، ثبات اقتصادی، دسترسی به خدمات و امکانات اولیه، عدالت اجتماعی، پاسداری از فرهنگ، بهبود استانداردهای زندگی و حقوق بشر است.

آزادی

۸۳/۸ درصد از شرکت‌کنندگان اهمیت زیادی به مفهوم آزادی داده‌اند که بیشتر «آزادی‌های فردی» مورد نظرشان بوده است. ۱۳/۶ درصد از شرکت‌کنندگان نیز آزادی را «بسیار مهم» ارزیابی کرده، ۰/۷ درصد از شرکت‌کنندگان معتقد به اهمیت حداقلی برای آزادی بوده، و ۰/۹ درصد نیز آزادی را حاشیه‌ای دانسته‌اند.

امنیت
۸۹/۳ درصد از شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی برای حفاظت از شهروندان، جامعه و ملت ایران در برابر

Priority_Security				
	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid 1	16	1.1	1.1	1.1
2	6	.4	.4	1.5
3	5	.3	.3	1.8
4	130	8.9	8.9	10.7
5	1305	89.3	89.3	100.0
Total	1462	100.0	100.0	

تهدیدات مختلف و تضمین امنیت و ثبات اهمیت بالایی قائل بودند. ۸/۹ درصد از پاسخ‌دهندگان اهمیت امنیت را در اولویت‌های خود برجسته کردند.

انقلاب اسلامی

۹۰/۱ درصد از پاسخ‌دهندگان با «انقلاب اسلامی» بسیار مخالف هستند و اکثریت پاسخ‌دهندگان انقلاب اسلامی،

Priority_Islamic_Revolution				
	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid 1	1317	90.1	90.1	90.1
2	41	2.8	2.8	92.9
3	67	4.6	4.6	97.5
4	9	.6	.6	98.1
5	28	1.9	1.9	100.0
Total	1462	100.0	100.0	

ارزش‌ها و اهداف آن را در اولویت‌های خود دسته‌بندی نکرده‌اند. رقمی بین ۰/۶ درصد تا ۱/۹ درصد درجاتی از همسویی با انقلاب اسلامی دارند.

حجاب اسلامی

حجاب اسلامی به معنای پوشاندن مو، گردن، بدن، و

Priority_Islamic_Hijab				
	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid 1	1249	85.4	85.4	85.4
2	106	7.3	7.3	92.7
3	66	4.5	4.5	97.2
4	21	1.5	1.5	98.7
5	19	1.3	1.3	100.0
Total	1462	100.0	100.0	

Priority_Freedom				
	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid Not at all important	10	.7	.7	.7
Slightly important	14	.9	.9	1.6
Moderately important	14	.9	.9	2.6
Quite important	198	13.6	13.6	16.2
Extremely important	1226	83.8	83.8	100.0
Total	1462	100.0	100.0	

میهن

یافته‌های این گزارش اهمیت قابل توجه میهن در

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid 1	23	1.6	1.6	1.6
2	26	1.8	1.8	3.4
3	13	.9	.9	4.3
4	104	7.1	7.1	11.3
5	1296	88.7	88.7	100.0
Total	1462	100.0	100.0	

ذهن ایرانیان را آشکار می‌کند بطوری که ۸۸٪ درصد از پاسخ‌دهندگان به شدت برای وطن خود اولویت قائل هستند و ۷/۱ درصد نیز سطح بالایی از آگاهی ملی برای میهن‌پرستی را اعلام کرده‌اند. در مقابل تنها ۱/۶ درصد از پاسخ‌دهندگان میهن را در اولویت‌های کلیدی خود ارزیابی نمی‌کنند.

همبستگی ملی

یافته‌های نظرسنجی نشان می‌دهد همبستگی ملی به عنوان یک اولویت کلیدی برای ایرانیان به شمار می‌رود.

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid 0	0	.0	.0	.0
1	32	2.2	2.2	2.2
2	13	.9	.9	3.1
3	36	2.4	2.4	5.5
4	117	8.0	8.0	13.6
5	1264	86.4	86.4	100.0
Total	1462	100.0	100.0	

۸۶/۴ درصد از پاسخ‌دهندگان بر همبستگی ملی به عنوان اولویت بالا تأکید کرده و قاطعانه بر رویای جمعی برای رشد هماهنگ و انسجام در جامعه تأکید کرده‌اند. ۸ درصد از پاسخ‌دهندگان برای همبستگی ملی سطح متوسطی از اهمیت را قائل بوده و ۲/۲ درصد سطح کمتری از اهمیت را برای همبستگی ملی در نظر دارند.

عدالت

برای ۷۸/۲ درصد از شرکت‌کنندگان در نظرسنجی، عدالت از اولویت بالایی برخوردار بوده و ۱۶ درصد سطح متوسطی از عدالت و ۱/۶ درصد سطح پایینی از اولویت را برای عدالت در نظر گرفتند.

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid 1	16	1.1	1.1	1.1
2	6	.4	.4	1.5
3	5	.3	.3	1.8
4	130	8.9	8.9	10.7
5	1305	89.3	89.3	100.0
Total	1462	100.0	100.0	

بخش دیگری از این نظرسنجی به «تأثیر رسانه‌ها بر اولویت‌های کلیدی ایرانیان و مواضع سیاسی آنها در برابر جمهوری اسلامی» زیر عنوان «تفرقه بینداز و حکومت کن» پرداخته است.

یافته‌های این بخش نشان می‌دهد در زمینه همبستگی ملی و میهن‌دوستی تلویزیون «منوتو» بیشترین نفوذ رو به رشد را در میان مردم دارد که بیانگر نقش بالقوه این رسانه در تقویت وحدت ملی میان مردم است و از سوی دیگر برخلاف احساسات تجزیه‌طلبی در افکار عمومی حرکت می‌کند. برعکس، «ایران اینترنشنال» تأثیری معکوس بر اولویت

	Trust in Ali Khamenei	IRGC as a terrorist organization	Stance toward the Islamic Republic	Reformation Camp	National Unity Sence of Urgency
(Constant)	1.009	1.973	1.032	1.34	4.585
VoA	0.016	0.044	-0.01	-0.012	-0.034
BBC	0.054	-0.002	0.058	0.251	-0.194
Manoto	-0.083	-0.021	-0.066	-0.226	0.306
IRIB	0.175	0.02	0.117	0.241	-0.254
Iran International	-0.006	0.038	-0.001	0.087	-0.115
Deutsche Welle	-0.005	0.007	0.008	-0.005	0.017
Radio Farda	-0.001	-0.051	-0.023	0.011	-0.001
Kayhan London	-0.013	0.02	0.003	-0.083	0.118

قرار داده است. یافته‌های نظرسنجی نشان می‌دهد که تنها ۰/۸۶ درصد از جمعیت ایران برابر با ۴۴۶ هزار و ۶۸۰ نفر با «خودمختاری» و یا تجزیه‌طلبی موافق هستند.

این گزارش تأکید کرده که به دلیل حاشیه‌نشینی و ظلم، جنبش‌های تجزیه‌طلبانه خواهان «استقلال» یا خودمختاری قومی محدود به مناطق و استان‌های خاص هستند. یک سیستم غیرمتمرکز در ایران می‌تواند با حفظ ساختار منسجم، خواسته‌های ساکنان این استان‌ها را برآورده و تلاش‌های گروه‌های خاص برای دامن زدن به تجزیه‌طلبی را خنثی کند. تمرکززدایی از برخی مسئولیت‌ها و دادن اختیارات برای تصمیم‌گیری‌های محلی به نهادهای استانی با حفظ یک دولت مرکزی قدرتمند برای مسائل ملی از جمله گزینه‌های مطرح شده در این گزارش است.

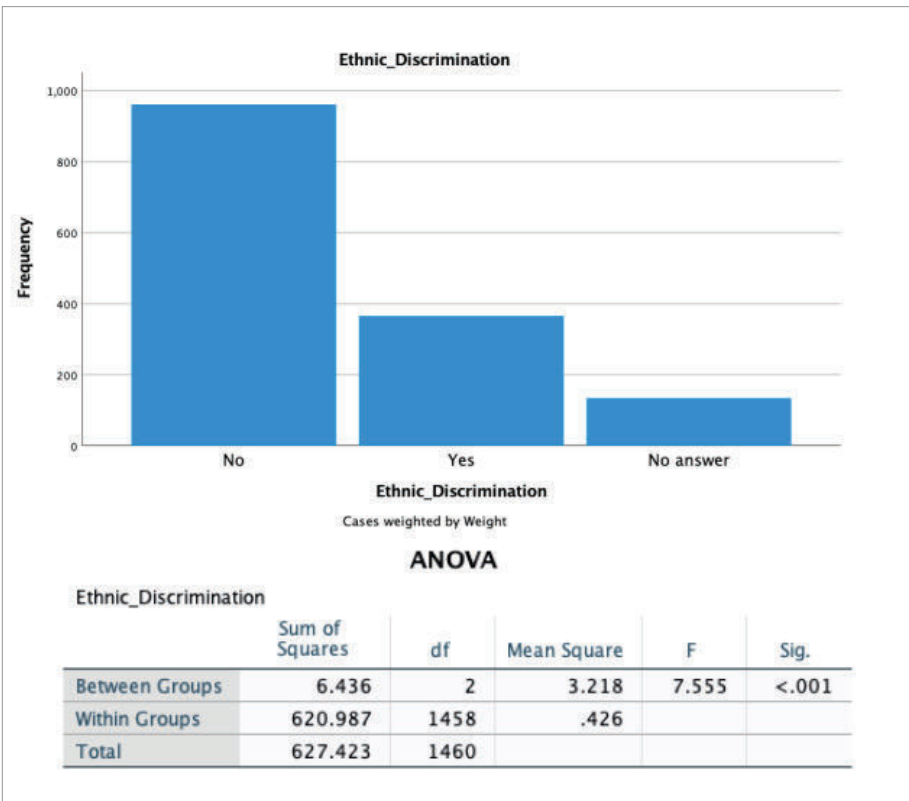
همچنین توزیع عادلانه‌ی قدرت، ترویج مشارکت و گفتگو میان گروه‌های مختلف انواع اقلیت‌ها، بازنگری کامل و تدوین قانون اساسی بر همین مبنا و برای رسیدن به یک نظام سیاسی متعادل و فراگیر، حمایت از حقوق فردی و آزادی بیان شهروندان از پیشنهادات مطرح شده در این گزارش است.

همبستگی ملی و میهن‌دوستی دارد و در تقویت احساسات «استقلال‌طلبی» تأثیر داشته است. تلویزیون «بی‌بی‌سی» فارسی نیز در زمینه تقویت «استقلال‌طلبی» الگویی مشابه با «ایران اینترنشنال» دارد و بر اساس نظرات ارائه شده از سوی پاسخ‌دهندگان، «بی‌بی‌سی» فارسی بیشترین تأثیر را در اولویت قرار گرفتن «استقلال‌طلبی» داشته است.

از نظر اقتصادی، کیهان لندن بیشتر تأثیر مثبت و همسو با اولویت‌های پاسخ‌دهندگان داشته و صداوسیما جمهوری اسلامی بیشترین تأثیر منفی بر حقوق بشر و آزادی و بیشترین اثر را بر اولویت قرار دادن مذهب و انقلاب اسلامی داشته است. در زمینه تأثیر رسانه‌ها بر مسائل سیاسی نیز نتایج این نظرسنجی نشان می‌دهد از نظر «اعتماد به علی خامنه‌ای» صداوسیما حکومت اثر زیادی دارد. همچنین این رسانه اثر منفی بر ضرورت همبستگی ملی داشته است.

«بی‌بی‌سی» فارسی نیز بطور کلی نظرات «اردوگاه اصلاحات» را حمایت می‌کند و بازتاب می‌دهد.

از سوی دیگر تلویزیون «منوتو» در صدر ایجاد همبستگی ملی، ملی‌گرایی و ترویج افکار علیه رژیم آخوندی قرار دارد. بخش دیگری از نظرسنجی، پرسش «آیا ایران با تهدید جدی جنبش‌های تجزیه‌طلبانه روبروست؟» را مورد بررسی



افزایش قاچاق گونه‌های حیات وحش در سایه قوانین و نظارت ناکارآمد



و غرب هم کشورهای هستند که عملاً نظارت درستی بر مرزهای آن‌ها نیست و دچار نابسامانی داخلی هستند و برای همین شرایط قاچاق از مرزهای شرقی و غربی مساعد شده است. الان شاهد این هستیم که میمون‌های «رزوس» به راحتی از پاکستان و هندوستان وارد ایران می‌شوند.»

این فعال محیط زیست گفته که «قاچاق حیوانات وحشی با چنین گستردگی و سازمان‌یافتگی به نظر می‌رسد عملاً رها شده است. متولی این وضعیت هم سازمان محیط زیست است و این سازمان هم با این مقابله با این نوع قاچاق را ندارد یا انگیزه‌ای ندارد یا اینکه ممکن است دست‌هایی در کار باشد که به نظر می‌آید از قاچاق منتفع می‌شوند. برای مبارزه با چنین پدیده‌ای باید نظارت و مبارزه خیلی قوی باشد.»

سپهر سلیمی افزوده که «متأسفانه می‌شنویم خیلی از ماهیان آب شور که در آکواریوم‌فروشی‌ها هستند و به فروش می‌رسند از ماهیانی هستند که از خلیج فارس دزدیده شدند. این مساله کاملاً در باغ‌های پرندگان هم صدق می‌کند. متخصصان این پرندگان معتقد هستند عملاً این باغ‌ها از پرندگان دزدیده شده از طبیعت ایران پر می‌شود و برای همین است برای آن‌ها اهمیت قائل نیستند و اگر مردند دنبال پرندگان دیگر می‌روند.»

به گفته سپهر سلیمی «تا وقتی قوانین بازدارنده نباشد یا برای کسانی که دستگیر می‌شوند مجازات کافی در نظر گرفته نشود افراد بیشتری برای ورود ترغیب می‌شوند و این چرخه ادامه پیدا می‌کند. خود باغ‌وحش‌ها از مراکز اصلی قاچاق حیات‌وحش هستند؛ این چیزی است که پلیس اینترپل و دفتر مقابله با مواد مخدر و جرایم سازمان ملل عنوان کرده است که باغ‌وحش‌ها یکی از مقاصد قاچاق حیات وحش هستند.» او افزوده است «اگر بروید در باغ‌وحش‌های ایران بپرسید که از دو شیری که دارید توله‌های آن‌ها کجا هستند عملاً می‌بینید هیچ پاسخی به شما نمی‌دهند. خود سازمان حفاظت از محیط زیست چند سال پیش اعلام کرد که حدود ۱۰۵ شیر در باغ وحش ایران زندگی می‌کنند. شما اگر تصور کنید نیمی از آن‌ها ماده باشد و سالی ۶ توله به دنیا بیایند عملاً ۱۰۰ توله شیر به دنیا می‌آید. هیچ‌وقتی هیچ آماری نیست. مشخص است خیلی از حیوانات سر از باغ وحش‌های خصوصی در می‌آورند یا قاچاق می‌شوند یا به علت نگهداری بد می‌میرند.»

رئیس اداره حفاظت محیط زیست شیراز گفته که گونه‌های حیات وحش به صورت قاچاق در یک باشگاه اسب‌سواری و گونه‌های تاکسیدرمی نیز در یک منزل نگهداری می‌شدند که در بازرسی از این محل‌ها کشف و ضبط شدند.

روزنامه «اعتماد» نیز خردادماه در مطلبی با عنوان «قاچاق اتوبوسی توله خرس‌های سیاه بلوچی» درباره قاچاق حیوانات در استان سیستان و بلوچستان نوشته بود «هر ساله در فصل زاد و ولد خرس سیاه بلوچی موارد متعددی از زنده‌گیری و قاچاق این حیوان که از گونه‌های بسیار نادر و در معرض خطر انقراض جانوری دنیاست در سایه غفلت‌ها و حاشیه امن ایجاد شده برای متخلفان، اتفاق می‌افتد که متأسفانه طی ماه‌های گذشته به گونه کم سابقه و نگران‌کننده‌ای تشدید یافته است.»

در این مطلب آمده بود که «اکنون این وضعیت چنان بغرنج شده که در ماه‌های اخیر چهار توله خرس سیاه بلوچی در حوزه پراکنشی جغرافیای بلوچستان زنده‌گیری، کشف یا از محدوده زیستی خود خارج شده و با روش اتوبوسی به استان‌های دیگر قاچاق شده که همین موارد رو به افزایش اینچنینی بر نگرانی‌های علاقه‌مندان به محیط زیست و دوستداران حیات وحش افزوده و نیز زنگ خطر جدی انقراض کامل این حیوان کم‌شمار و کمیاب را بلندتر از هر زمان دیگر به صدا درآورده است.»

اواخر سال گذشته علیرضا مزینانی مدیر کل حفاظت محیط زیست استان تهران خبر داده بود که در عملیات کلانتری ۱۷۹ خلیج و همکاری اداره کل حفاظت محیط زیست استان تهران محموله قاچاق حیات وحش از یک مخفی‌گاه در حوالی جنوب تهران ضبط و به اداره کل حفاظت محیط زیست استان تهران منتقل شد.

او گفته بود که این گونه‌ها مشتمل بر یک گربه کاراکال بالغ به همراه دو گربه ماهی‌گیر بالغ و دو توله بوده که این گربه‌های ماهی‌گیر در فهرست گونه‌های سایتهای قرار دارند. سپهر سلیمی فعال محیط زیست روز چهارشنبه ۲۸ تیر ۱۴۰۲ مرزهای شرقی و غربی ایران را از جمله عوامل افزایش آمار قاچاق اعلام کرده و گفته که «متأسفانه ما در منطقه‌ای هستیم که از طرفی در مرزهای جنوبی کشورهای معمولی وجود دارند که خواهان حیوانات مختلف هستند و در شرق

● ماه گذشته گونه‌هایی کم‌نظیر از حیات‌وحش و تاکسیدرمی و گونه‌های در معرض خطر انقراض در دو عملیات جداگانه در شیراز کشف شدند.

● گونه خرس سیاه بلوچی زنده شکار شده و با اتوبوس از مرزهای شرقی کشور به خارج قاچاق می‌شوند.

● سپهر سلیمی فعال محیط زیست: تا وقتی قوانین بازدارنده نباشد یا برای کسانی که دستگیر می‌شوند مجازات کافی در نظر گرفته نشود افراد بیشتری برای ورود به این قاچاق ترغیب می‌شوند و این چرخه ادامه پیدا می‌کند.

گزارش‌های مختلف از افزایش قاچاق گونه‌های حیات وحش از ایران حکایت دارند؛ از خرس و گربه‌سانان تا لاک‌پشت و انواع پرندگان قربانی قاچاق هستند. مرزهای شرقی و غربی ایران از مهم‌ترین مسیرهای قاچاق حیوانات وحشی به شمار می‌روند که کشورهای حوزه خلیج فارس یکی از مقاصد آنهاست.

سعید شفیعیان رئیس اداره حفاظت محیط زیست خواف در استان «خراسان رضوی» روز چهارشنبه ۲۸ تیر ۱۴۰۲ از دستگیری دو شکارچی غیرمجاز در این شهرستان خبر داد. بر اساس توضیحات رئیس اداره حفاظت محیط زیست خواف، این دو شکارچی غیرمجاز با سوء استفاده از تشنگی حیوانات و هوای گرم در کنار چشمه اقدام به شکار پرندگان وحشی می‌کردند.

ابوالفضل شعبانی فرمانده یگان حفاظت محیط زیست خراسان «رضوی» به تازگی از بازداشت ۲۵۰ قاچاقچی در این استان طی سه ماهه گذشته خبر داد.

او همچنین از «کشف ۲ خرس سیاه، ۱۳ طوطی و ۶ میمون» خبر داده و گفته مهم‌ترین مورد در زمینه قاچاق، دو رأس خرس سیاه بلوچی بود که در شهرستان گناباد کشف شدند. در تربت حیدریه ۱۳ طوطی سبز و شش میمون قاچاق کشف شدند. در بازدید از فروشگاه‌ها ۶۸ لاک‌پشت آبی، ۳۰ مینا و سه قلابه میمون از داخل شهر کشف شدند.

کامران اسلاملو رئیس اداره حفاظت محیط زیست شیراز نیز ماه گذشته خبر داد که گونه‌هایی کم‌نظیر از حیات وحش و تاکسیدرمی و گونه‌های در معرض خطر انقراض در دو عملیات جداگانه کشف شدند.

چرا زور علی خامنه‌ای به گرفتن هواپیما و جنگنده از روسیه نمی‌رسد؟!

تحلیلگران حکومتی عنوان می‌کردند با ورود این جنگنده‌ها به نیروهای مسلح ایران، جمهوری اسلامی در مقابله با اسرائیل «دست برتر هوایی» پیدا می‌کند. حتا اعلام شد روس‌ها پول سوخوها را از روی پول خرید نفت ایران برمی‌دارند. حالا عدم تحویل سوخو-۳۵ به ایران با واکنش‌های زیادی روبرو شده است. برخی کاربران در توییتر نوشته‌اند جمهوری اسلامی در ابعاد مختلف به روسیه باج داد اما مدام از روسیه خنجر می‌خورد.

هیرش سعیدیان پژوهشگر و روزنامه‌نگار در توییتری می‌نویسد «گفتند اگر تبعات اقتصادی مشارکت پهبادی در جنگ اوکراین را بپذیریم، در عوض مسکو به ایران سوخو ۳۵ و اس ۴۰۰ می‌دهد، نه تنها سلاح ندادند، حاکمیت بر جزایر سه گانه را هم منکر شدند. در سیاست بین‌الملل هرکس بر اساس وزن و جایگاهش امتیاز می‌گیرد، نه بر اساس هارت و پورت، نوچگی و خوش خدمتی.»

مقامات ارشد جمهوری اسلامی همواره در این توهم بوده و هستند که روسیه در ساخت هواپیما و هلی‌کوپتر به آنها کمک می‌کند. یک هفته پیش از ناامیدی از دریافت هواپیماهای سوخو، کاظم جلالی سفیر جمهوری اسلامی در مسکو تأکید کرد که ایران در حال همکاری با روسیه در خصوص هواپیماهای مسافربری «سوخو سوپر جت ۱۰۰» است!

به نظر می‌رسد فعلاً نیروهای ارتش می‌بایست کارزار

جنگنده سوخو را آموزش دیده‌اند.

دو ماه بعد، در بهمن‌ماه ۱۴۰۱ پس از رونمایی از پایگاه زیرزمینی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی با عنوان «عقاب ۴۴» منابع غربی تصویری ماهواره‌ای از این پایگاه منتشر کردند که در آن دو ماکت سوخو-۳۵ کنار یکی از آشیانه‌ها مشخص بود.

تحلیلگران ادعا کردند این ماکت‌ها نشان می‌دهد تهران در حال «جامنایی» و آماده شدن برای دریافت این جنگنده‌هاست. چند هفته پس از آن نیز هیئت نمایندگی جمهوری اسلامی در سازمان ملل اسفند ۱۴۰۱ از «نهایی شدن» قرارداد خرید جنگنده‌های سوخو-۳۵ روسیه خبر داد اما از بیان جزئیات بیشتر در این باره خودداری کرد و آن را محرمانه خواند. در همان مقطع رسانه‌های اسرائیلی به نقل از مقامات اطلاعاتی غربی گزارش دادند که روس‌ها قصد دارند ۲۴ فروند از این نوع جنگنده را به ایران تحویل دهند. عنوان شده بود این هواپیماها ابتدا قرار بود به مصر فروخته شود، اما آمریکا مانع این فروش شد.

فرمانده نیروی هوایی: از جزئیات اطلاعی ندارم

حمید واحدی فرمانده نیروی هوایی ارتش اواسط خرداد ۱۴۰۲ در برنامه «صف اول» در مورد دریافت سوخو-۳۵ از روسیه گفت که خود او نیز در جریان جزئیات این معامله

● محمدرضا آشتیانی وزیر دفاع جمهوری اسلامی تلویحاً دریافت جنگنده سوخو-۳۵ از روسیه را رد کرد و گفت «زمانی ما قراری را برای خرید می‌گذاریم، اما به این نتیجه می‌رسیم که توانمندی تولید در داخل برای خودمان به وجود آمده است.»

● برخی منابع غیررسمی می‌گویند روسیه در اوج جنگ با اوکراین از نظر تسلیحاتی با کمبود روبروست و بسیار بعید است در چنین شرایطی بتواند به ایران یا هر کشور دیگری سلاح بدهد. برخی شنیده‌ها حاکیست شرکت سازنده سوخوها حتا نتوانسته قراردادش را با ارتش خود روسیه اجرا کند.

● دریافت تسلیحات استراتژیک آنهم در مناطق حساس ژئوپلیتیک مثل خاورمیانه علاوه بر پول، رهبران جدی و تأثیرگذار می‌خواهد که در نظام بین‌الملل از اعتبار برخوردارند و علی‌خامنه‌ای فاقد اینهمه است.

با وجود اینکه رسانه‌ها و مقامات حکومتی در ایران حساب ویژه‌ای روی خرید جنگنده‌های سوخو-۳۵ از روسیه باز کرده بودند اما وزیر دفاع جمهوری اسلامی صحبت‌هایی کرده که به نظر می‌رسد تهران از تحویل گرفتن آنها منصرف یا احتمالاً ناامید شده است بطوری که علی‌خامنه‌ای به عنوان فرمانده کل قوا زورش به دریافت جنگنده از روسیه نمی‌رسد.



ماکت دو هواپیمای «سوخو ۳۵» روسی در پایگاه هوایی «عقاب ۴۴» ارتش / نیویورک تایمز



بازدید علی‌خامنه‌ای از نمایشگاه دستاوردهای بومی / بهمن ۱۴۰۱

«عمردهی انقلابی» به هواپیماهای از رده خارج شده‌ی سوخو ۲۴ مربوط به دوران شوروی را ادامه دهند زیرا روس‌ها قصد تحویل سوخوهای نسل جدید به جمهوری اسلامی را ندارند. به ویژه آنکه اروپایی‌ها اعلام کرده‌اند که تحریم‌های تسلیحاتی جمهوری اسلامی را در پاییز ۱۴۰۲ لغو نخواهند کرد.

برخی منابع غیررسمی می‌گویند روسیه در اوج جنگ با اوکراین از نظر تسلیحاتی با کمبود روبروست و بسیار بعید است در چنین شرایطی بتواند به ایران یا هر کشور دیگری سلاح بدهد. برخی شنیده‌ها حاکیست که شرکت سازنده سوخوها حتا نتوانسته قراردادش را با ارتش خود روسیه اجرا کند. فرای این مسائل، دریافت تسلیحات استراتژیک آنهم در مناطق حساس ژئوپلیتیک مثل خاورمیانه علاوه بر پول، رهبران جدی و تأثیرگذار می‌خواهد که در نظام بین‌الملل از اعتبار برخوردارند و علی‌خامنه‌ای فاقد اینهمه است.

احتمالی قرار ندارد.

وی اظهار داشت «ما به عنوان نیروی هوایی ارتش یک کاربر هستیم. البته ما باید نیروی هوایی ارتش را به‌روزرسانی کنیم. هواپیمایی که الان مطرح شده، هواپیمای نسل چهارم است و ما آماده تصمیم مقامات عالی‌رتبه هستیم. این موضوع در دستور کار ما قرار دارد ولی از جزئیات آن اطلاعی ندارم. هنوز اطلاع نداریم که این جنگنده چه موقع وارد اسکاادران ما می‌شود و هر موقع این جنگنده‌ها خریداری شد آماده استفاده از آن هستیم.»

با اینهمه رسانه‌های حکومتی به ویژه خبرگزاری‌های نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روی این معامله احتمالی خیلی مانور دادند. خبرگزاری فارس از «نگرانی غرب از ورود سوخو ۳۵ به ایران» نوشت و وبسایت «مشرق» گزارش داد که «صهیونیست‌ها از ورود سوخو ۳۵ به ایران عصبانی هستند!»

محمدرضا آشتیانی ۲۹ تیرماه در مصاحبه با خبرگزاری «دانشجو» در مورد آخرین وضعیت تحویل سوخو-۳۵ از روسیه گفت: «وقتی ما یکسری توانمندی داریم، شاید در خیلی از زمینه‌ها احساس نیاز به خرید تجهیزات نکنیم و یا حتا دیگر کشورهای برای خرید به ایران مراجعه می‌کنند.»

وی با این ادعا که «اداری شرایط بسیار خوبی هستیم» و در همه زمینه‌ها «جزو کشورهای برتر دنیا هستیم» عنوان کرد: «اگر زمانی احساس نیاز کنیم امکان دارد این کار را ساماندهی کنیم یا دنبال کنیم.»

این مقام نظامی توضیح داد: «زمانی ما قراری را برای خرید می‌گذاریم، اما به این نتیجه می‌رسیم که توانمندی تولید در داخل برای خودمان به وجود آمده است منتها ما در حال بررسی شرایط هستیم.»

جان کربی سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا آذرماه ۱۴۰۱ گفته بود، خلبانان ایران از بهار امسال در مسکو نحوه پرواز با

رئیس مرکز آمار ایران برکنار شد انتشار و تکذیب خبر عزل رئیس سازمان تأمین اجتماعی



● جواد حسین‌زاده از ریاست مرکز آمار ایران برکنار و با حکم رئیس سازمان برنامه و بودجه، داریوش ابوحوزه به عنوان سرپرست جدید مرکز آمار ایران منصوب شده است.

● بخش زیادی از کارشناسان و تحلیلگران اقتصادی خروجی آماری این مرکز درباره تورم را قبول ندارند و معتقدند این آمارها دستکاری شده و کمتر از ارقام واقعی است.

● داریوش ابوحوزه سرپرست جدید مرکز آمار ایران در دی‌ماه گذشته در اظهاراتی عجیب و غیرواقعی مدعی شده بود خط فقر در ایران چهار میلیون تومان است.

● خبر عزل رئیس سازمان تأمین اجتماعی نیز در چند رسانه منتشر شد اما روابط عمومی این سازمان آن را تکذیب کرده است.

جواد حسین‌زاده رئیس مرکز آمار ایران از مقام خود برکنار شد. خبر دیگری از عزل میرهاشم موسوی از ریاست سازمان تأمین اجتماعی نیز منتشر شده است.

خبرگزاری «تسنیم» روز دوشنبه ۲۶ تیر خبر داده که جواد حسین‌زاده از ریاست مرکز آمار ایران برکنار و با حکم رئیس سازمان برنامه و بودجه داریوش ابوحوزه به عنوان سرپرست جدید مرکز آمار ایران منصوب شده است.

در این خبر آمده که «پیگیری‌ها از سازمان برنامه و بودجه کشور نشان می‌دهد، جواد حسین‌زاده رئیس مرکز آمار ایران از ریاست مرکز آمار ایران به عنوان یکی از زیر مجموعه‌های سازمان برنامه کنار رفته است.»

مرکز آمار ایران زیرمجموعه سازمان برنامه و بودجه و یک نهاد دولتی است. جواد حسین‌زاده در سال ۱۳۹۶ و در دولت حسن روحانی با انتخابات درون سازمانی به سمت معاون اقتصادی و محاسبات ملی برگزیده شد. او پس از انتخابات درون هیئت رئیسه مرکز آمار ایران، از ۱۰ تیر ۱۳۹۸ با حکمی از طرف محمدباقر نوبخت معاون رئیس جمهور و رئیس وقت سازمان برنامه و بودجه به ریاست مرکز آمار ایران منصوب شد.

جواد ابوحوزه دو ماه قبل به عنوان معاون اقتصادی سازمان برنامه و بودجه منصوب شده بود. در زمان ریاست مسعود میرکاظمی بر سازمان برنامه، دو معاونت اقتصادی و بودجه به صورت مشترک و تحت یک معاونت با حضور رحیم ممینی اداره می‌شدند.

ابراهیم رئیسی اواخر فروردین‌ماه در حکمی داوود منظور را به سمت معاون خودش و رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور منصوب کرد. یکی از نخستین اقدامات داوود منظور در ریاست سازمان برنامه بودجه تفکیک دو معاونت اقتصادی و بودجه بود.

هنوز از علت برکناری جواد حسین‌زاده از ریاست مرکز آمار ایران اطلاعات رسمی منتشر نشده اما به نظر می‌رسد این اقدام در پی تحولات ماه‌های گذشته در سازمان برنامه و بودجه و برای چیدن مهره‌های نزدیک‌تر به تیم اقتصادی ابراهیم رئیسی صورت گرفته باشد.

خبر برکناری رئیس مرکز آمار ایران در حالی منتشر شده که در ماه‌های گذشته انتقادهای زیادی به عملکرد این مرکز و همچنین سرپرست جدید آن وجود داشته است.

مرکز آمار ایران گزارش‌های آماری تورم را از بهمن‌ماه گذشته با تأخیر منتشر می‌کند. از سوی دیگر بخش زیادی از کارشناسان و تحلیلگران اقتصادی خروجی آماری این مرکز

هدف دولت‌ها همراهی می‌کنند که متأسفانه بی‌اعتبارسازی آمارها را به دنبال خواهد داشت.»

خبر دیگری نیز امروز از برکناری رئیس سازمان تأمین اجتماعی منتشر شد. وبسایت روزنامه «اعتماد» صبح امروز دوشنبه ۲۶ تیر نوشت که «شنیده‌ها از منابع موثق حاکی از آن است که عصر دیروز یکشنبه ۲۵ تیر میرهاشم موسوی از ریاست تأمین اجتماعی عزل و یکی از معاونین وی موقتا به عنوان سرپرست سازمان انتخاب شده است.»

وبسایت روزنامه «اعتماد» نوشت که «بعد از گذشت دو سال از انتصاب میرهاشم موسوی، عضو جوان جبهه پایداری به ریاست تأمین اجتماعی و انتقادات و حواشی بسیار بالاخره وزیر کار و رفاه اجتماعی تصمیم به تغییر او گرفت.» این گزارش افزوده که در جریان این تغییرات در زیرمجموعه تأمین اجتماعی برخی اعضای هیئت مدیره هلدینگ شستا هم تغییر کرده‌اند و «احمدی، بنکدار، چناری و شاکری به عنوان اعضای هیات مدیره شستا انتخاب شدند.»

خبر عزل رئیس سازمان تأمین اجتماعی در چند رسانه دیگر از جمله وبسایت روزنامه «شرق» و وبسایت «فرارو» منتشر شد اما روابط عمومی سازمان تأمین اجتماعی این خبر را تکذیب کرده است. این در حالیست که از شب گذشته خبرهای غیررسمی نیز درباره برکناری میرهاشم موسوی منتشر شده بود.

روابط عمومی سازمان تأمین اجتماعی با اعلام اینکه میرهاشم موسوی در سفر استانی به هرمزگان رفته، نوشته که «این شایعات از اساس کذب بوده و این دست اقدامات ناشایسته خللی در زمینه مبارزه با فساد و صیانت از حقوق ذینفعان در جهت اهداف والای دولت انقلابی و مردمی ایجاد نخواهد کرد.»

میرهاشم موسوی در سال ۱۴۰۰ توسط حجت‌الله عبدالمملکی وزیر وقت تعاون، کار و رفاه اجتماعی منصوب شد.

درباره تورم را قبول ندارند و معتقدند این آمارها دستکاری شده و کمتر از ارقام واقعی است.

با اینهمه عملکرد داریوش ابوحوزه که به عنوان سرپرست جدید مرکز آمار ایران انتخاب شده که به شدت مورد انتقاد قرار دارد و البته در این میان چند روز است وبسایت مرکز آمار ایران حتی در درون کشور از دسترس خارج شده است. داریوش ابوحوزه در دی‌ماه گذشته در اظهاراتی عجیب و غیرواقعی مدعی شده بود خط فقر در ایران چهار میلیون تومان است. این سخنان در حالی که تحلیلگران پیشتر خط فقر در تهران را برای یک خانواده سه تا چهار نفره ماهانه ۳۲ میلیون تومان و برای دیگر نقاط کشور بطور میانگین ۲۰ میلیون تومان برآورد کرده بودند، با موجی از انتقادات روبرو شد.

وی دانش‌آموخته اقتصاد دانشگاه تهران است و پیشتر معاون دفتر مطالعات بخش عمومی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی بوده است.

سهراب دل‌انگیزان اقتصاددان و استاد دانشگاه درباره سرنوشت آمارهای ارائه شده از سوی مرکز آمار با ریاست داریوش حمزه گفته که «بعد از مرحوم دکتر عادل آذر، افراد مطرح و موجهی به‌عنوان ریاست مرکز آمار ایران انتخاب نشدند. افراد ضعیف و بدون تجربه که از هیچ‌گونه کاریزما، سابقه مرتبط و شایستگی درخور برخوردار نیستند، متأسفانه سازمان‌های استخوان‌دار و مهم کشور را به نابودی می‌کشاند.»

به گفته سهراب دل‌انگیزان «در طول سالیان اخیر، دولت‌ها برای تحمیل نظرات خود به سازمان‌های مهم اقتصادی و تولید گزارش‌هایی منطبق با اهداف خود، دست به چنین گزینش‌هایی می‌زنند. برای مثال، آمارهای مربوط به تورم، بیکاری و تولید ناخالص ملی توسط دولت‌ها دستکاری می‌شوند، بنابراین افراد قوی و استخوان‌دار زیر بار این موضوع نمی‌روند ولی افراد ضعیف با این انگیزه و

افزایش تجمعات اعتراضی در آستانه سالگرد اعتراضات جنبش ملی



هزار تن از بازنشستگان، کمتر از چهار میلیون تومان حقوق دریافت می‌کنند.»

همزمان در روز سه‌شنبه ۲۷ تیرماه جمعی از توانخواهان در اعتراض به واگذاری سامانه حمل و نقل توانخواهان به بخش خصوصی و عدم تحقق وعده‌های این بخش دست به تجمع اعتراضی زدند.

همچنین در استان خوزستان تعدادی از کارگران نیشکر هفت‌تپه به نمایندگی از سایر همکاران خود و در ادامه تجمعات اعتراضی در خصوص نحوه اجرا و بازنگری طرح طبقه‌بندی مشاغل در مقابل ساختمان مرکزی شرکت طرح توسعه نیشکر و صنایع جانبی در اهواز تجمع اعتراضی برگزار کردند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران گزارش داده که در این تجمع کارگران تأکید داشتند تا رسیدن به خواسته و مطالبات قانونی خود به اعتراض ادامه داده و در صورت عدم رسیدگی مسئولین تجمع خود را با حداکثر نیرو در مقابل استانداری خوزستان ادامه خواهند داد.

روز سه‌شنبه همچنین، جمعی از معلمان در شهر شیراز نیز در اعتراض به زندانی کردن فعالان صنفی معلمان و عدم رسیدگی به مشکلاتشان دست به تجمع اعتراضی زدند.

«معلم زندانی آزاد باید گردد»، «معیشت، منزلت، حق مسلم ماست» و «معلم داد بزن، حق تو فریاد بزن» از جمله شعارهای آموزگاران معترض است.

«جای معلمانتان زندان نیست، کمک کنید به حقشان برسند» نیز از نمونه دستنوشته‌هایی بود که آموزگاران معترض در دست داشتند.

این تجمع اعتراضی در حالی شکل گرفت که ماه گذشته برای ۸ نفر از معلمان استان فارس مجموعاً حکم ۳۴ سال حبس صادر شده بود. بر این اساس، ۲ سال حبس با پایبند برای عبدالرزاق امیری و زهرا اسفندیاری و همچنین ۵ سال حبس تعزیری برای ایرج رهنما، افشین رزمجویی، مژگان باقری، غلامرضا غلامی کندازی، محمدعلی زحمتکش و اصغر امیرزادگان صادر شد.

کانون صنفی معلمان ایران (تهران) نیز با صدور بیانیه‌ای و در اعتراض به این احکام نوشته بود که موج جدید احضارها، پرونده‌سازی‌ها، احکام انفصال از خدمت، اخراج و زندان،

«ما کارمندان بازنشسته وزارت کشاورزی هستیم، ۳۷ سال قبل مطابق قانونی که دولت را موظف به تأمین مسکن کارمندان می‌کند، زمینی در محدوده سرخه حصار تحت عنوان شهرک زیتون با سندی شش دانگ منگوله دار دریافت کرده ایم اما عواملی طی این سالها نگذاشته‌اند به دارایی قانونی خود به عنوان سرپناه دسترسی پیدا کنیم. تمام مسیرهای قانونی طی شد هر اعتراضی بی‌نتیجه ماند و به جایی نرسید.»

همچنین ویدیویی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که در آن اعلام شده، پرسنل نیروی انتظامی به زودی تجمع اعتراضی برگزار خواهند کرد تا علیه «فساد، تبعیض، خفقان و هزاران ناهق دیگر» مبارزه کنند. در این ویدیو از مردم خواسته می‌شود تا در کنار «سربازان خود» باشند و «صدای حق طلبی» را در سراسر کشور نشر دهند.

جمعی از بازنشستگان تأمین اجتماعی روز سه‌شنبه ۲۷ تیرماه ۱۴۰۲، مانند هفته‌های گذشته در چند شهر ایران تجمع اعتراضی برگزار کردند.

بازنشستگان در شهرهای شیراز، همدان، البرز، کرمانشاه، یزد، شیراز، سنج، اردبیل و کرج در اعتراض به اجرا نشدن همسان‌سازی حقوق، وضعیت بد معیشتی و عدم رسیدگی به مطالباتشان، گرانی و تورم دست به تجمع اعتراضی زدند. این تجمع به‌دنبال فراخوان «کانون عالی بازنشستگان» برگزار شد. بازنشستگان در این اعتراضات عمدتاً مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی شهرها و در مواردی نیز در مقابل استانداری حضور می‌یابند.

«بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن»، «عدالت، معیشت، شعار پررنگ ما»، «گرانی، تورم، بلای جان مردم» و «کشوری، لشکری، تأمین اجتماعی، اتحاد اتحاد» از جمله شعارهای بازنشستگان است.

تجمع اخیر بازنشستگان در حالی برگزار شد که محمدحسن آصفری نایب رئیس کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها در مجلس، روز سه‌شنبه گفت: «گرانی‌ها سبب شده تا قدرت خرید مردم کاهش یابد.»

او با اعلام اینکه «وضعیت حقوق بازنشستگان مناسب نیست و قدرت خرید آنها پایین است» افزود: «می‌توان نسبت به این موضوع بی‌تفاوت بود. در حال حاضر، ۸۰۰

● «بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن»، «عدالت، معیشت، شعار پررنگ ما»، «گرانی، تورم، بلای جان مردم» و «کشوری، لشکری، تأمین اجتماعی، اتحاد اتحاد» از جمله شعارهای بازنشستگان است.

● «جای معلمانتان زندان نیست، کمک کنید به حقشان برسند» از نمونه دستنوشته‌هایی است که آموزگاران معترض در دست داشتند.

● طی تنها چند روز بیش از ۱۳ هزار تن از معلمان و فرهنگیان شاغل و بازنشسته با امضای بیانیه به کمپین آزادی معلمان زندانی پیوستند.

در روزهای گذشته تجمعات اعتراضی از سوی اصناف و گروه‌هایی که هر یک به شکلی قربانی ناکارآمدی و سوء مدیریت جمهوری اسلامی هستند افزایش پیدا کرده است. در روزهای گذشته اقشار مختلفی از آموزگاران و بازنشستگان تا مالباختگان و کارگران در شهرهای مختلف ایران تجمع اعتراضی برگزار کردند.

شماری از پرسنل بیمارستان «خاتم» و بیمارستان «ایران» دیروز چهارشنبه ۲۸ تیرماه ۱۴۰۲ در شهرستان ابراهیم‌شهر دست به اعتصاب زدند.

این اعتصاب از روز دوشنبه ۲۶ تیرماه و در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و حق بیمه صورت گرفته است. به گفته فعالان صنفی این بیمارستان، مدت چهار ماه است که پرسنل حقوق دریافت نکرده‌اند و مسئولین از پرداخت حقوق امتناع کرده و به جای حل مشکل، آنها را تهدید به اخراج کرده‌اند.

روز گذشته همچنین شماری از دانشجویان خوابگاهی دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی در محوطه ساختمان مرکزی این دانشگاه واقع در تهران دست به تجمع زدند.

تجمع این دانشجویان در اعتراض به عدم تأمین غذا در ایام تابستان از سوی مسئولان دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی و با حضور ده‌ها دانشجو انجام شد.

همزمان جمعی از مالکان زمین‌های مسکونی شهرک زیتون در محدوده سرخه حصار در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان در مقابل ساختمان وزارت راه و شهرسازی دست به تجمع زدند.

در این گزارش به نقل از نماینده این معترضین آمده است



پهپاد مهاجر-۶

والاستریت ژورنال: شرکت «سرمد الکترونیک سپاهان» سازنده قطعاتی از پهپادهای ارسالی جمهوری اسلامی به روسیه است

تحقیقات نشان می‌دهد جمهوری اسلامی برای ساخت این قطعات به شرکت‌های داخلی متکی است و همین موضوع کار را برای آمریکا و متحدانش دشوارتر می‌کند تا با تحریم‌ها روند ساخت پهپادها را مختل کنند. این شرکت در حال حاضر در فهرست تحریم‌های آمریکا یا اتحادیه اروپا قرار ندارد.

شرکت «سرمد الکترونیک سپاهان» در سال ۱۳۷۴ در اصفهان تأسیس شد و محور فعالیت آن تولید تجهیزات و ابزار الکترونیک و الکترومکانیک است.

دیمین اسپلیترز معاون مدیر عملیات در مؤسسه «پژوهش تسلیحات جنگی» به وال‌استریت ژورنال گفت با توجه به فشار تحریم‌ها، جمهوری اسلامی به تولید هرچه بیشتر قطعات مورد استفاده در پهپادهای خود در داخل کشور نیاز دارد.

در اوایل سال ۲۰۲۳ اسپلیترز دریافت که دو قطعه مورد استفاده در یک پهپاد ایرانی ساقط شده در اوکراین، کپی قطعات ژاپنی هستند که جمهوری اسلامی در پهپادهایی که برای حوثی‌های یمن ارسال کرده بود از آنها استفاده می‌کرد. این قطعات با مهندسی معکوس از نمونه‌های ژاپنی ساخته شده‌اند.

پیشتر شرکت «ننگاوا سیکو» در سال ۲۰۲۱ متهم به صادرات غیرقانونی ۱۵۰ عدد موتور فرمان‌یار (سروموتور) کوچک به چین شده بود.

موتورهای تولیدشده توسط این شرکت ژاپنی در سال ۲۰۱۸ در راه یمن توسط امارات توقیف شدند. همچنین نیروی دریایی آمریکا در سال ۲۰۲۰ محموله‌ای مشابه را که در راه یمن بود، در دریای عدن توقیف کرد. به گفته اسپلیترز به نظر می‌رسد موتور مورد استفاده در یک پهپاد «مهاجر-۶» کپی ایرانی این قطعه از شرکت «ننگاوا سیکو» باشد.

این محقق پس از بررسی بقایای یک پهپاد «شاهد-۱۳۱» ساقط شده در اوکراین، دریافت که جریان سنج (فلومتر) این پهپاد شبیه قطعه تولیدشده از سوی یک شرکت دیگر ژاپنی به نام «اوال» است. دیمین اسپلیترز می‌گوید روی این قطعه لوگوی شرکت «سرمد الکترونیک سپاهان» ثبت شده است. این در حالیست که بازرسان سازمان ملل در سال ۲۰۱۹ جریان سنج‌های تولیدی شرکت «اوال» را در لاشه پهپادهای حمله‌کننده به تاسیسات نفتی عربستان سعودی پیدا کرده بودند.

● شرکت «سرمد الکترونیک سپاهان» توانسته دو قطعه مورد استفاده در پهپادها را که قبلاً از ژاپن خریداری می‌شد با مهندسی معکوس، شبیه‌سازی کند.

● این شرکت در سال ۱۳۷۴ در اصفهان تأسیس شد و محور فعالیت آن تولید تجهیزات و ابزار الکترونیک و الکترومکانیک است.

● دیمین اسپلیترز معاون مدیر عملیات در مؤسسه «پژوهش تسلیحات جنگی» به وال‌استریت ژورنال گفت با توجه به فشار تحریم‌ها، جمهوری اسلامی به تولید هرچه بیشتر قطعات مورد استفاده در پهپادهای خود در داخل کشور نیاز دارد.

● در اوایل سال ۲۰۲۳ اسپلیترز دریافت که دو قطعه مورد استفاده در یک پهپاد ایرانی ساقط شده در اوکراین، کپی قطعات ژاپنی هستند که جمهوری اسلامی در پهپادهایی که برای حوثی‌های یمن ارسال کرده بود از آنها استفاده می‌کرد. این قطعات با مهندسی معکوس از نمونه‌های ژاپنی ساخته شده‌اند.

● پیشتر شرکت «ننگاوا سیکو» در سال ۲۰۲۱ متهم به صادرات غیرقانونی ۱۵۰ عدد موتور فرمان‌یار (سروموتور) کوچک به چین شده بود.

مؤسسه «تحقیقات تسلیحات جنگی» مستقر در بریتانیا اعلام کرد شرکت «سرمد الکترونیک سپاهان» تولیدکننده دو نوع قطعه در پهپادهای انتحاری ایرانی است که روسیه از آنها علیه اوکراین استفاده می‌کند.

روزنامه وال‌استریت ژورنال روز پنجشنبه ۱۴ ژوئیه (۲۲ تیرماه) در گزارشی با اعلام این خبر می‌نویسد پهپادهای انتحاری نقش کلیدی در استراتژی روسیه برای حمله به شهرها و زیرساخت‌های غیرنظامی در اوکراین دارند. سرخ‌های موجود در فیلم‌ها و عکس‌ها نشان می‌دهد که با وجود تکذیب مسکو، جمهوری اسلامی ایران پهپادهای انتحاری به روسیه تحویل داده است.

بر اساس اطلاعات جدید، رژیم ایران اکنون در حال ساخت قطعات پهپادهای انتحاری مورد استفاده روسیه در اوکراین است و به ارتش این کشور کمک می‌کند تا از تحریم‌های بین‌المللی با قطعات ساخت داخل که زمانی از خارج کشور تهیه می‌کرد، فرار کنند.

طبق این گزارش، شرکت «سرمد الکترونیک سپاهان» توانسته دو قطعه مورد استفاده در پهپادها را که قبلاً از ژاپن خریداری می‌شد، شبیه‌سازی کند.

برای فعالان صنفی معلمان در حالی آغاز شده است که حاکمیت می‌داند اینگونه برخوردها در عزم و اراده جامعه فرهنگی و فعالان صنفی برای پیگیری حقوق صنفی، اجتماعی و شهروندی کوچک‌ترین خللی ایجاد نمی‌کند.

همچنین در روزهای گذشته شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران کمپینی را برای جمع‌آوری یکصد هزار امضا از سوی آموزگاران با درخواست آزادی همکاران زندانی راه‌اندازی کرده است. هزاران آموزگار با پیوستن به این کمپین از آن حمایت کردند.

در متن بیانیه «کمپین یکصد هزار امضا برای آزادی معلمان زندانی» آمده است: مواجهه دولتمردان با مطالبه‌گری فرهنگیان، «قهری و با استفاده از ابزار سرکوب» بوده است و همیشه عده‌ای از معلمان «گرفتار پرونده‌سازی و احکام سنگین اخراج و زندان» شده‌اند.

این بیانیه می‌افزاید که دستگاه‌های امنیتی و قضایی جمهوری اسلامی علاوه بر «صدور احکام زندان‌های طولانی مدت» برای معلمان معترض در استان‌های مختلف، اقدام به «پرونده‌سازی در دادگاه‌ها و هیات‌های تخلفات اداری و صدور احکام اخراج، بازخردی، بازنشستگی اجباری، و انفعال از خدمت» برای صدها معلم در سراسر کشور کرده‌اند. شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران اعلام کرده پیش از راه‌اندازی این کمپین نامه‌ای با محتوای بیانیه کمپین، از سوی هزار و ۲۰۰ نفر از معلمان امضا و برای رئیس قوه قضاییه، رئیس دولت و رئیس مجلس شورای اسلامی ارسال شد اما مقامات از تحویل گرفتن این نامه خودداری کردند.

اکنون طی تنها چند روز بیش از ۱۳ هزار تن از معلمان و فرهنگیان شاغل و بازنشسته با امضای خود به این کمپین پیوسته‌اند.

همچنین کانون‌های صنفی معلمان ایران (تهران)، و انجمن‌های صنفی معلمان استان‌های مرکزی، خراسان شمالی، کردستان، خراسان شمالی و کانون صنفی معلمان «اسلامشهر» نیز با صدور بیانیه‌هایی جداگانه از این کمپین حمایت کرده‌اند.

بر اساس اعلام منابع صنفی بیش از ۱۱ تن از فعالان صنفی حقوق معلمان از جمله اسماعیل عبدی، رسول بداقی، فرزانه ناظران‌پور، جعفر ابراهیمی، هاشم خواستار، امید شاه‌محمدی، عزیز قاسم‌زاده، محمود صدیقی‌پور، انوش عادل، حسین رمضان‌پور، و مهدی فتحی در حال سپری کردن حکم حبس بوده یا تحت بازداشت موقت قرار دارند. این در حالیست که ده‌ها آموزگار نیز در هفته‌های گذشته به زندان محکوم شده‌اند و هر لحظه امکان اجرای حکم این آموزگاران و انتقال آنها به زندان وجود دارد.

در آخرین نمونه از صدور حکم زندان علیه آموزگاران، سارا سیاهپور آموزگار و فعال صنفی معلمان نیز به ۶ سال حبس تعزیری در دادگاه تجدید نظر محکوم شد. به گزارش شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان، «سارا سیاهپور، معلم و عضو کانون صنفی معلمان ایران (تهران) و فعال صنفی البرز بابت اتهام اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی به ۵ سال حبس تعزیری و تبلیغ علیه نظام به ۱ سال حبس تعزیری، محکوم شد و همچنین به دو سال ممنوع الخروجی از کشور، دو سال ممنوعیت عضویت در احزاب، گروهها و دستجات سیاسی و فعالیت در فضای مجازی نیز محکوم گردید.»

همچنین کوکب بداعی پگاه آموزگار ساکن شهرستان ایزد توسط هیئت تجدید نظر رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان، به انفعال موقت از خدمت به مدت یک ماه محکوم شد.



عکس هفته | عباس دریس و فرزندانش، محمد و علی و مهدی!

عباس دریس، پنجاه ساله، کارگر آبادانی، از شاهدان کشتار نیزار ماهشهر در اعتراضات آبان ۹۸ دستگیر شد. وی چندی پیش به اتهام واهی «مباربه» به اعدام محکوم شد. پیشتر، همسر و مادر فرزندانش، کفایه حزباوی، با شنیدن خبر احتمال صدور حکم اعدام برای وی بر اثر فشارهای روحی و سکنه مغزی درگذشت. علی پسر شانزده ساله وی به تازگی در نامه‌ای از «مردم مهربان دنیا» خواست که کمک کنند تا پدر او و برادرانش که دوازده ساله و هشت ساله هستند، اعدام نشود و به خانه برگردد.